



محمد حسن راستگو در سال ۱۳۳۲ در شهر مشهد به دنیا آمد، او در سال دوم دبیرستان به حوزه علمیه مشهد وارد و سطح را در مشهد و تنمه سطح و دروس خارج حوزه را در قم گذراند او مبتکر برنامه ویژه تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان به صورت کلاس، اردو، دروس کلاسیک برای مربیان پرورشی، مراکز تربیت معلم، حوزه های علمیه و صدا و سیما جمهوری اسلامی است.

فعالیت های پژوهشی: تحقیقات استاد در زمینه های عقاید، تعلیم و تربیت، روانشناسی، اخلاق، احکام، تاریخ، قصص قرآن، قصص کودکان و نوجوانان، مشاوره و راهنمایی، تفسیر قرآن، مسائل اجتماعی، ادبیات عرب، ادبیات فارسی، شعر و برنامه ریزی درسی است.

۱. راستگو، محمد حسن. آی بچه ها، آی بچه ها. قم: هدف ۱۳۵۹
 ۲. -----؛ سالار، محمد. شعر. تهران: نشر اسلامی، ۱۳۶۰
 ۳. -----؛ سرودهای اسلامی. تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۰
 ۴. -----؛ مهاجرت به حبشه. مشهد: مدرسه ملی جعفری (بی تا)
 ۵. -----؛ الیاس پیغمبر خدا. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی (بی تا)
 ۶. -----؛ مصباحی مقدم، غلامرضا. با شهامت می پریم. مجله رنگارنگ
 ۷. مجموعه ره توشه: راهیان نور. زیر نظر محمد حسن راستگو. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.
 ۸. تا ایده آل برنامه های دینی: گفتگو با استاد راستگو. گفتگو از سیدکامران علمدهی. کیهان، ۲۸ آبان ۱۳۸۵، ص ۹.
 ۹. نجیب، فائزه. دختر مهربان. مترجم حسن مشکوری. بازنویس محمد بدیعی؛ با همکاری استاد راستگو. قم (بی نا: بی تا)
 ۱۰. طنطاوی، صلاح. پسر فداکار. مترجم حسن مشکوری؛ نقاش صلاح طنطاوی؛ بازنویسی محمد بدیعی با همکاری محمد حسن راستگو. قم (بی نا: بی تا)
- از دیگر فعالیت های ایشان می توان موارد ذیل را هم نام برد:
- همکاری چند ساله با مجله کودک مسلمان در اواخر انقلاب و چاپ دهها شعر و قصه و غیره
 - تدریس ۲۵ دوره تربیت مربی مقدماتی کلاسرداری، امور اردو داری، قصه گویی، روش های برخورد با کودکان و نوجوانان، مسابقات، دروس عمومی مبانی تعلیم و تربیت، مهارتهای تدریس برای طلاب حوزه علمیه قم و ۱۰ دوره در شعبه دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان و ۱۳ دوره در دفتر تبلیغات اسلامی مشهد، که بیش از ۴۰۰۰ نفر از این اردوها فارغ التحصیل و دهها شاعر کودک، نویسنده کودک، برنامه ریز کودک، طراح برنامه های تلویزیونی، کارشناس و محقق تحویل جامعه اسلامی ایران داده شده است.
 - نقش ریتم و سرود در تربیت
 - نقش مسابقات در پیشبرد مسائل تربیتی
 - بررسی تحلیلی قصه های قرآن و تنزیه الانبیا
 - جلسات فراوان پرسش و پاسخ تربیتی، آموزشی، اجتماعی و غیره.

- عضو بررسی کتاب کودک و نوجوانان، اداره کل ارشاد اسلامی قم، ۱۳۸۲.
- قصه گوئی و نمایش خلاق، مشاوره و راهنمایی امور عمومی کودکان و نوجوانان
- ارتباط با بیش از ۱۵۰ سایت کودکان و نوجوانان و بهره گیری از تجارب دیگران
- عضو، کارشناس، محقق/سازمان پژوهشی و برنامه ریزی کتابهای درسی/ ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۲.
- مدیریت تربیت مربی تدریس برنامه ریزی و غیره، مرکز تبلیغات اسلامی مرکز مدیریت/ ۱۳۵۹.
- محقق، کارشناس، برنامه ریز، مجری و...، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۲.
- مدیریت مبارزه با منکرات کل کشور و مشاور فرهنگی فرماندهی کل/ کمیته انقلاب اسلامی/ ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹.
- سفرهای تبلیغی و تحقیقی به عربستان سعودی، ۱۷ سفر حج و عمره و عتبات، سوریه، لبنان، ترکیه، پاکستان، قطر، امارت متحده عربی، مراکش، اسپانیا، عراق و....
- همکاری با اکثر نهادهای انقلاب اسلامی و شرکت در برنامه ریزی بسیاری از تشکیلات فرهنگی و غیره...
- تدریس موارد زیر در دانشگاه های آزاد اسلامی قم، دانشکده اصول دینی، دانشکده ارشاد در قم.
- کتاب های ره توسعه راهیان نور در مقطع ابتدایی و راهنمایی کتاب های مختلف و جزوات گوناگون و صدها مقاله و شعر و قصه و تحلیل در نشریات کودک و نوجوان و سخنرانی ها فراوان در نماز جمعه های کشور (قبل از خطبه ها)، دانشگاه ها، مراکز تربیت معلم، سمینارهای کشوری و غیره

گفتگو با حجه الاسلام والمسلمین محمد حسن راستگو

استاد راستگو معلم محبوب و دوست داشتنی قرآن برای کودکان و نوجوانان است. ایشان از محضر اساتیدی چون شهید مفتاح بهره بردند و عمر خود را در راه آموزش معارف به کودکان و نوجوانان صرف کرده اند. / استاد راستگو اختلاط دختر و پسر را از اشکالات برنامه های کودک و نوجوان می دانند او معتقد است اگر چه این چه ها کوچکند و از نظر شرعی، تکلیفی ندارند و من هم انسان تنگ نظری نیستم که حجاب کامل را برای بچه های نابالغ واجب بدانم، ولی مساله این است که دختر بچه باید بداند پوشش او با پسرها فرق دارد و مجاورتش با آنها کار درستی نیست، از این رو می توان با پوشاندن لباس های رنگی زیبا با پوشش مناسب به دختر بچه ها، آنها را از کودکی با این مفاهیم آشنا کرد و در برنامه های تلویزیونی هم می توان آنها را از هم جدا، یا یک برنامه ویژه دختران و یک برنامه ویژه پسران تولید کرد. رئیس مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان مساله هورا و جیغ کشیدن و سوت و کف زدن را در برنامه های کودک قابل پذیرش نمی داند و معتقد است: هر چند شاید بتوان از کف زدن با مسامحه گذشت، ولی در موارد دیگر باید تجدید نظر شود، چرا که نادرستی آن مثل کراهت وجود مجسمه در مکان نمازگزار است با این توجیه که امروزه در ایران کسی از دیدن مجسمه به یاد بت نمی افتد، ولی باید دانست که احکام اسلام تنها برای یک منطقه جغرافیایی مثل ایران نیست و همین الان در کشورهایی مانند هند بت پرستی رواج دارد. به هر حال سخن این است که چرا ما با این فرهنگ قوی دینی و ایرانی، نوآوری نکنیم و لفظی را بر اساس فرهنگ و مذهب خودمان ابداع نکنیم و از الفاظی مانند هورا استفاده کنیم که شاید مخفف اهورامزدا زرتشتیان است که هنگام روشن کردن آتش آن را بیان می کردند.

روحیه استکبارستیزی در مردم ایران کمرنگ نمی شود.

استاد راستگو: بر خلاف تصور دشمن، روحیه استکبارستیزی در مردم ایران هیچگاه کمرنگ نمی شود. به گزارش خبرگزاری فارس از قزوین، استاد راستگو پیش از ظهر امروز در مراسم ۱۳ آبان بیان داشت: امروز شاهد اجتماع عظیم خودجوش مردمی هستیم که در این اجتماع دانش آموزان و دانشجویان با قلب هایی پاک و با اراده های محکم حضور یافته اند و تمام دنیا بر روی اراده و همت جوانان است. وی ادامه داد: یکی از ویژگی های مهم ایرانیان در دنیا، قدرت است زمانی ما از نظر علمی در درجات پایین بودیم ولی امروز به پاس خودباوری و تلاش جوانانمان، در المپیادهای ریاضی، روباتیک، ورزش و... در دنیا حرف نخست را می زنیم. استاد راستگو اضافه کرد: ایران اسلامی در بحث نظامی، ایمانی، فکری، اجتماعی و همبستگی کشوری قدرتمند است. وی عنوان داشت: آمریکا جاسوسان خود را به کشور ما می فرستد تا در خصوص سلاح های ما اطلاعات کسب کند البته بخشی از این سلاح ها را در رژه های نظامی ما مشاهده می کند ولی اگر آمریکا می دانست که ایران دارای چه میزان سلاح است شاید حمله می کرد ولی مطلع نیست و مشاهده می کند به یکباره در نزدیک قم پایگاه اتمی احداث می شود. راستگو عنوان داشت: آمریکا اگر می دانست که درون قلب ایرانیان چه می گذرد توطئه نکرده و از فکر ایران بیرون می آمد ولی همانطور که امام خمینی (ره) فرمود آمریکا شیطان بزرگ است، کار شیطان نیز وسوسه کردن است. وی تصریح کرد: دیگر خصوصیت ایرانیان داشتن زندگی الهی است ما کشور های مختلفی را دیده ایم، کشوری مانند ژاپن شاید کشوری پیشرفته باشد ولی آرامش روانی در آن وجود ندارد و افراد مسن، خود را با بازی های رایانه ای قمار سرگرم می کنند و یا در کشوری مانند افغانستان و پاکستان با گذشت سالیان سال هنوز پیشرفتی را شاهد نیستیم، اما در ایران اسلامی هر سال شاهد پیشرفت و آبادانی هستیم. استاد راستگو تصریح کرد: ویژگی دیگر ایران اسلامی اعتقاد به ولایت و امامت است، یک کشور بدون سرپرست و مدیر نمی تواند موفق باشد و این ملت ایران است که ولایت حضرت علی (ع) را پذیرفته و ولایت خداوند متعال و اهل بیت را با جان و دل قبول دارد. وی خاطر نشان ساخت: در زمان غیبت امام زمان (عج) نیز فقها و رهبران خدایی در این کشور

مورد قبول مردم هستند و این موضوعی است که در هیچ کشوری وجود ندارد. راستگو ویژگی دیگر ایرانیان را وحدت و یگانگی عنوان کرد و توضیح داد: ما ایرانیان ممکن است با یکدیگر در مسائلی مانند جناح و... اختلاف نظر داشته باشیم ولی ایرانیان با یکدیگر متحد هستند. وی افزود: دشمنان ما تمام نیروهای خود را متمرکز کرده‌اند تا در ایام خاصی مانند روز قدس، ۲۲ بهمن ببینند که آیا ایرانیان در مراسم‌های این ایام شرکت می‌کنند و آیا این وحدت از بین می‌رود ولی بر خلاف تصورشان مشاهده می‌کنند که در این ایام خاص خیابان‌ها ملو از جمعیت شده و شعارهای مرگ بر آمریکا سر داده می‌شود. استاد راستگو اعلام کرد: ویژگی دیگر ایرانیان نیکوکاری است. وی تأکید کرد: اگر حروف نخست این پنج ویژگی قدرت، زندگی الهی، ولایت، یگانگی و نیکوکاری را در کنار هم قرار دهیم، نام قزوین به دست می‌آید. راستگو در پایان گفت: پیام روز ۱۳ آبان این است که ملت ایران خواهان استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی است و می‌خواهد که روی پای خود بایستد. می‌خواهیم آموزش بدهیم، اعم از مفاهیم مذهبی و معنوی و مخصوصاً متافیزیک و ماورای ماده، با نظر و نگاه آنها به بیرون نگاه کنیم. بیشتر عقاید ما مثل خدا و معاد و ملائکه و جن و شیطان، چیزهایی است که حالت محسوس ندارد و ما باید این نیروی تشخیص را در کودک ایجاد کنیم و به او آموزش دهیم که بتواند میان کارتون و شخصیت‌های خیالی قصه‌ها از یک طرف، با معجزه و شخصیت‌های حقیقی پیامبران و معصومین تفکیک قائل شود. این بازی‌ها را با توجه به این مسائل باید طراحی کنیم. از طرف دیگر هم باید آگاهی عمیق نسبت به خود مسائل اسلامی داشته باشیم. به طور خلاصه در طراحی نرم‌افزارهای مربوط به کودکان و نوجوانان باید سه مسأله رعایت شود:

- ۱- شناخت کامل نسبت به مخاطب و دانستن این‌که در چه پایه و مایه‌ای از فکر و اندیشه و تلقی نسبت به مسائل و مفاهیم اخلاقی و اسلامی و مذهبی است؛
 - ۲- داشتن معلومات کافی و کامل راجع به آن چیزی که می‌خواهیم ارائه بدهیم؛ یعنی رعایت انطباق محتوا با آیات قرآن و احادیث صحیح و نظرات فقها؛ برای مثال نباید چیزی باشد که به صورت یک نمایشنامه یا بازی در بیاید، بعد گفته شود که فلان جای آن با نص صریح قرآن مخالف است یا با نظر معصومین علیهم‌السلام مخالفت دارد؛
 - ۳- لازم است در مراحل اول به صورت آزمایشی و به طور محدود، بین گروه‌های مختلفی از کودکان، با استعداد و هوش متفاوت و میزان معلومات گوناگون، ارزیابی و بررسی انجام داد. سپس در صورتی که یک میانگین قابل قبول از نظر روانی به دست آمد، آنگاه آن میانگین را مبنای تولید انبوه برنامه قرار دهیم و گر نه به صرف این که ما یک بازی را تولید کنیم و تعداد محدودی از بچه‌ها از آن خوششان بیاید، نباید در ما غرور ایجاد کند که بازی ما بازی مطلوبی است. بنده در این جا ضمن تقدیر و تشکر از کلیه دست‌اندرکاران برنامه‌های رایانه‌ای برای کودکان و نوجوانان، اعلان می‌کنم که ما در ایران تا کنون متأسفانه نرم‌افزار جذاب و زیبایی که بتواند بچه‌ها را اشباع کند، نداشته‌ایم. البته اشباع کامل منظوم نیست، بلکه تنها در این حد که بتواند آنها را راضی کند و جذب کند. برنامه‌های معدودی هم که وجود داشته، هر چه بوده ناقص بوده است. برخی نیز اقتباس از نرم‌افزارهای خارجی بوده و فقط تغییراتی در اسم و عنوان آنها داده شده، ولی باز هم در مجموع جذابیت‌های لازم را نداشته است. ان‌شاءالله با تلاش پیگیر برادران و خواهران دست‌اندرکار، بتوانیم در آینده شاهد نرم‌افزارهایی باشیم که در این زمینه به میزان مطلوب رسیده باشند.
- تفکر بسیجی موثرترین عامل حفظ نظام و انقلاب است
- رییس مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه: تفکر بسیجی موثرترین عامل حفظ نظام و انقلاب است که با این تفکر می‌توان توطئه‌های جنگ افروزان دشمنان را خنثی کرد. به گزارش ایرنا، استاد راستگو روز چهارشنبه در مراسم با شکوه یوم‌ال ۱۳ آبان که با حضور اقشار مختلف مردم به ویژه دانش‌آموزان و دانشجویان برگزار شد، صبر و هوشیاری ملت ایران را عامل اصلی مقابله با تحریم‌های آمریکا دانست. وی با اشاره به تهدیدات امنیتی و نظامی علیه ایران گفت: آنان حتی در باره این تهدیدات جرات سخن گفتن ندارند، زیرا می‌دانند ملت ایران بزرگتر از آن است که بتواند با این تهدیدات آنها را بترسانند. استاد راستگو اضافه کرد: اگر آمریکا می‌دانست در ایران چه می‌گذرد، فکر توطئه را از سر بیرون می‌کرد. وی، همبستگی ملی و وحدت اسلامی را رمز مقابله ملت ایران با تهدیدات و نقشه‌های امنیتی و نظامی آمریکا دانست. وی در ادامه سخنان خود با بیان اینکه ایران در بسیاری از مسایل حرف اول را می‌زند، ادامه داد: امروز اراده ملت بر جهان حاکمیت پیدا کرده است و قدرت علمی، نظامی، ایمانی، فکری، اجتماعی، یکتایی، همبستگی و یگانگی آن بر همگان آشکار شده است. استاد راستگو، فتنه‌های پس از انتخابات را حاصل تلاش ۲۰ ساله آمریکا در جنگ نرم دانست و تصریح کرد: جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی پس از دوران دفاع مقدس آغاز شد، آمریکا با حرکت آهسته در زمان شروع این جنگ، بسترهای خروجی را آماده کرد تا اینکه پس از انتخابات با هوشیاری ملت ایران خنثی شد. رییس مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان کشور یادآور شد: ۱۳ آبان نمادی از استکبار ستیزی، مقابله با استبداد ستم‌شاهی و پایدار ملتی بزرگ در راستای تحقق ارزش‌های اسلامی است. استاد راستگو تصریح کرد: تبعید حضرت امام(ره)، به شهادت رساندن دانش‌آموزان و دانشجویان در سال ۵۷، توسط رژیم پهلوی و تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در سال ۵۸، سه حادثه تاریخ‌سازی است که حرکت ملت ایران را در راستای شکل دهی نهضت عدالت‌خواهی و بیداری جهانی علیه سلطه‌گران و مستکبران عالم تقویت و تثبیت کرد. وی افزود: ۱۳ آبان ماه فرصت خوبی برای نمایش خشم مقدس آحاد ایرانیان علیه استکبار زورگویان است و هم

اکنون در شرایط حساس و خطیر کنونی که استکبار جهانی و دشمنان قسم خورده ملت ایران از تمامی ظرفیت ها و توانمندی های رسانه ای و تبلیغاتی خود در میدان جنگ نرم علیه انقلاب و نظام اسلامی به صحنه آورده است که با شرکت در تظاهرات می توانیم مواضع خود را به جهانیان اعلام کنیم. راستگو با بیان اینکه دنیا بر همت و اراده پولادین جوانان استوار است، گفت: عزم و اراده ای که جوانان ایرانی همواره به آن دست یافته اند قابل مقایسه با هیچ یک از کشورهای پیشرفته دنیا نیست. وی، زندگی الهی، ولایت و امامت، یگانگی، وحدت و نیکوکاری در مسایل، اجتماعی و اقتصادی را از برکات نظام جمهوری اسلامی ایران دانست. راستگو، مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل را شعار روز ملی مبارزه با استکبار اعلام و تاکید کرد: اگر جریان و گروه هایی بر خلاف خواست ملت شعار دهند راه خود را از ملت جدا کرده اند. گفتنی است همزمان با سراسر کشور مراسم یوم الله سیزدهم آبان روز چهارشنبه با حضور پرشور دانش آموزان و دانشجویان پیرو خط امام (ره) در بوستان شقایق قزوین و دیگر شهرستان های این استان برگزار شد.

تضعیف جایگاه روحانیت میان جوانان از اهداف دشمنان است

مدیر مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان دفتر تبلیغات اسلامی: دشمن در صدد تضعیف جایگاه روحانیت در جامعه به ویژه در میان جوانان است، زیرا به نفوذ معنوی آنان در هدایت و راهبری جامعه آگاه است. سه شنبه ۲۹ دی ۱۳۸۸ ساعت ۹:۳۱. تضعیف جایگاه روحانیت میان جوانان از اهداف دشمنان است. به گزارش خبرنگار برنا در قم، استاد راستگو با اشاره به ضرورت پرداختن به مباحث خانواده و مشکلات قشر جوان و نوجوان در رسانه ها، دین اسلام را پاسخگوی نیازهای بشری دانست و افزود: پیشگیری از انحرافات اخلاقی و اجتماعی بر مبنای معارف اهل بیت (ع)، می تواند در پویایی جامعه اثرگذار باشد و آن را در مقابل آسیب ها بیمه کند. وی با اشاره به حجم فرهنگی دشمن اظهار داشت: دشمن در صدد تضعیف جایگاه روحانیت در جامعه، به ویژه در بین جوانان است، زیرا به نفوذ معنوی آنان در هدایت و راهبری جامعه آگاه است. مدیر مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان دفتر تبلیغات اسلامی اضافه کرد: روحانیت در ارتقای باورهای فکری و اعتقادی جوان و نوجوان اثرگذار است، البته انتقال بسیاری از مطالب باید با لحاظ کردن ظرافت های خاصی انجام شود. راستگو آشنایی روحانیت با ویژگی ها و خصوصیات جوان را ضروری عنوان کرد و بیان داشت: توجه به این امر می تواند در انتقال معارف دینی تاثیر مستقیم داشته باشد. وی گفت: روحانیت می تواند با تبیین مباحث مختلف در جامعه از ثبوت بسیاری از موضوعات و مطالب "روحانیت در ارتقای باورهای فکری و اعتقادی جوان و نوجوان اثرگذار است، البته انتقال بسیاری از مطالب باید با لحاظ کردن ظرافت های خاصی انجام شود."

“انحرافی به نام دین جلوگیری کند.

استاد راستگو راهبردهای علمی مباحث اعتقادی و اخلاقی نهاد خانواده، باید توسط نهادهای مسئول با استفاده از صاحب نظران حوزه و دانشگاه به صورت کاربردی تبیین و در اختیار خانواده ها قرار گیرد. وی بیان جذابیت های دینی در قالب های مختلف را برای نسل جوان امری انکارناپذیر دانست و ابراز داشت: اگر توجه به مباحث اعتقادی در درون خانواده نهادینه شود، جوانان و نوجوانان از افکار انحرافی و آسیب ها و ناهنجاری های اخلاقی و اجتماعی، مصون خواهند ماند. راستگو اضافه کرد: باید مسایل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را براساس معارف اهل بیت (ع) و با استفاده از امکانات نوین، برای نسل جوان و نوجوان تحلیل و تبیین کرد تا شاهد گسست اعتقادی در بین این نسل تاثیرگذار جامعه نباشیم. مدیر مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان دفتر تبلیغات اسلامی با انتقاد از نحوه برگزاری برخی نشست ها و همایش ها با موضوع جوان و نوجوان، یادآور شد: بررسی دقیق و کارشناسی بازتاب های عملی و عینی این گونه همایش ها در فرایند تصمیم سازی برای این نسل بسیار موثر خواهد بود. وی آگاهی بخشی در زمینه مباحث خانواده به عموم حوزویان و خانواده های آنان را از رسالت های رسانه برشمرد و ابراز داشت: داشتن آرامش روانی به روحانی کمک می کند تا در انتقال مفاهیم و مطالب به مخاطبان خود موفق باشد.

داستان کتابی که کباب شد

کار هر هفته مان همین بود. صبح جمعه که می شد، شبکه ۲ با برنامه کودکش توی بورس بود. چشم هایمان چند دقیقه ای قفل می شد روی صفحه تلویزیون تا نوبت به «بازی با کلمات» برسد و «آقای راستگو»؛ تا ببینیم این هفته چه کلمه ای را روی تخته سیاهش می نویسد، بسم الله را چطور با دست چپش نقاشی می کند و چه حدیثی را به ما یاد می دهد. بعد هم نوبت داستانش بود که عین سریال ها، موقع رسیدن به قسمت حساس، تماشش می کرد و ادامه داستان می ماند برای هفته بعد تا دوباره یک هفته در انتظارش بمانیم و حدس بزنیم آخر قصه چه می شود. حجت الاسلام محمدحسن راستگو اما بعد از گذشت این سال ها، هنوز هم مثل قبل سر حال است و پر از انرژی و هنوز هم برای بچه های نسل جدید برنامه دارد؛ برنامه هایی که باز هم وسط غوغای انیمیشن های سه بعدی با همان تخته سیاه و همان چندتا بچه و کلام شیرین و نوک زبانی روحانی اش کلی طرفدار دارد. اما گفتگوی ما با ایشان:

شروع کارتان از کجا بود؟ اولین برنامه یادتان هست؟

اولین بار قصه گویی را از دوران دبیرستان شروع کردم. دبیرستان مهدیه مشهد درس می خواندیم و من به واسطه پیش زمینه ای که از قبل داشتم، احساس کردم می توانم بچه ها را سرگرم کنم. هر سال نیمه شعبان که می رسید، جشن های مفصلی در مدرسه برگزار می شد. ۱۰ شب برنامه داشتیم و من آنجا آچار فرانسه بودم؛ هم سخنرانی می کردم، هم قصه می گفتم، هم مقاله و داستان می خواندم و هم عضو گروه سرود بودم.

آن پیش زمینه‌ای که حرفش را زدید از کجا آمده بود؟

مطالعه زیاد دوران کودکی‌ام. بچه روستا بودیم؛ روستای سعدآباد مشهد. جلوی خانه‌مان یک درخت تنومند توت بود که روی یکی دوتا شاخه بزرگ آن، چند تا تخته گذاشته بودم. شبیه اتاقک شده بود. آنجا اتاق مطالعه‌ام بود. از درخت می‌رقتم بالا و کتاب می‌خواندم. کلاس چهارم، پنجم ابتدایی بودم آن زمان. اسم یکی دوتا از کتاب‌ها هنوز هم یادم هست: «ژئوپلیتیک گرسنگی» نوشته ژوزه دو کاسترو و «انسان‌ها و خرچنگ‌ها». یک قرارداد هم با پستی و بقالی روستا - که مجله هم می‌فروخت - داشتیم؛ مجله‌هایی را که می‌آوردند برای فروش یا مجله‌هایی که پستی می‌آورد تا به دست مشترکانش بدهد و نام و نشانی رویش نبود، یک شب در اجاره من بود. مجله‌های «شکار و طبیعت»، «دختران و پسران» و مجله عربی زبان «الهدی» را می‌خواندم. شب‌ها هم از ساعت ۱۱ برق قطع می‌شد تا ساعت ۴ بعد از ظهر فردا. توی تاریکی شب فانوس با خودم می‌بردم بالای درخت و تا حدود ساعت یک نیمه‌شب مجله می‌خواندم تا فردا آن را پس بدهم. از طرف دیگر فاصله خانه تا مدرسه هم زیاد بود؛ چیزی حدود ۳-۲ کیلومتر که باید پیاده می‌رفتیم. این فاصله هم با نشریه‌خواندن پر می‌شد. «مکتب اسلام» و «ندای حق» را بیشتر می‌خواندم. اگر دوچرخه‌ای هم بود روی ترکش می‌نشستم و توی همان فاصله مطالعه می‌کردم. خیلی از شعرهای کتاب‌های درسی را روی ترک همان دوچرخه‌ها حفظ کردم. گذشته از اینها پدرم هم امام جماعت بود و همیشه پای منبرش بودم و کم و بیش سخنرانی را هم یاد گرفته بودم. کسی هم تشویق‌تان می‌کرد؟

پدرم خیلی هوایم را داشت. توی همان مسجد پدرم، بچه‌های همسن و سال خودم را جمع می‌کردم، برایشان قصه می‌گفتم و با پول توجیبی‌ام برایشان جایزه می‌خریدم. حالا این جایزه یا دستمال لب جیب کت بود یا قاب عکس شیشه‌ای حرم امام رضا(ع). بعد از مدتی پدرم از کارم خوش‌اش آمد و ۵۰۰ تومان به من داد که الان می‌شود معادل ۵-۴ میلیون تومان. با آن پول، یک کتابخانه درست کردم که البته هنوز هم فعال است.

چطور وارد تلویزیون شدید؟

در همان مشهد، مقام معظم رهبری - که آن موقع در مشهد بودند - من را به شهید بهشتی معرفی کردند. ایشان هم در مسجد قبا - که امام جماعتش شهید مفتاح بود - یک اتاق به من دادند و آنجا شد پاتوق ما و محل اجرای برنامه برای بچه‌ها. گذشت تا موقع پیروزی انقلاب؛ آن موقع نماینده امام در فرودگاه و پایگاه یکم شکاری بودیم و دغدغه‌هایمان هم وضع ظاهری نبود. موهام بلند شده بود و لباس‌هایم چرک. با همان سر و وضع رفتم پیش قطب‌زاده(رئیس وقت صداوسیما). گفتم می‌خواهم برای تلویزیون برنامه اجرا کنم. یک نگاهی به سرووضع انداخت و گفت: «تو با این ظاهر ت بهتر است بروی رادیو تا کسی قیافه‌ات را نبیند». خلاصه بعد از کلی چانه‌زدن رضایت‌اش را برای اجرای برنامه گرفتم. منتها شرط گذاشته بود که لباس روحانی نپوشم و با لباس شخصی برنامه اجرا کنم. به‌رحال از همان موقع توی تلویزیون مشغول شدیم.

این ایده «بازی با کلمات» و دودستی نوشتن و نقاشی کردن بسم‌الله از کجا آمده بود؟

خیلی‌هیش به مرور زمان و با تمرین زیاد بود اما بازی با کلمات داستان جالبی دارد. اوایل وقتی مشهد بودیم، یک‌بار آمدند گفتند ما جمعه، فلان مسجد دعای ندبه می‌خوانیم، تو هم بیا. ما رفتیم. دعا که تمام شد گفتند بعد از این نوبت توست که برنامه برای بچه‌ها اجرا کنی. تخته‌سیاه هم آماده کرده‌ایم. خشک زده بود. ۷-۸ تا برنامه ثابت داشتم که همه‌شان را هم اجرا کرده بودم و خیلی تکراری می‌شد. مانده بودم چه کار کنم. توسل کردم به حضرت زهرا(س) و رفتم پای تخته. عکس یک کتاب را کشیدم و گفتم بچه‌ها این چیه؟ گفتند کتاب بعد ۵ تا «م» گذاشتم کنار هم و گفتم: «کتاب را باید چی‌کار کنیم؟ باید بخوانیم، بفهمیم، به دیگران بدهیم، به دیگران بیاموزیم و به نوشته‌هایش عمل کنیم». سوژه‌ام دیگر تمام شده بود و مانده بودم بعد از این چه کار کنم که یک‌دفعه چشم افتاد به دو تا نقطه «ت»ی کتاب. دیدم اگر یکی از نقطه‌ها را پاک کنم و دیگری را بیاورم پایین، می‌شود «کباب». همین کار را کردم. به بچه‌ها گفتم کباب را هم باید بخوانیم، بفهمیم و به دیگران بیاموزیم. خیلی خوششان آمد. شلوغ کردند که کباب خوردنی است نه خواندنی. بعد گفتم: «حالا که این‌طور است، پس باید ۴ تا شرط داشته باشد؛ اول باید حلال باشد. دوم همه داشته باشند. سوم خمس و زکاتش را داده باشیم و آخر هم اینکه پرخوری نکنیم». دیدم اصلاً باب جدیدی برایم باز شده. همان کباب را کردم «کبک». بعد یک نقطه دیگر برایش گذاشتم شد «کیک». نقطه‌هایش را آوردم بالا شد «کتک». تغییرش دادم شد «کلک». آن وسط به جای «ل»، «م» گذاشتم شد «کمک». خلاصه برنامه را حسابی رونق داده بودم و بچه‌ها هم خیلی خوششان آمده بود. این طوری شد که بازی با کلمات شد پای ثابت برنامه‌ها. استاد راستگو

کار برای بچه‌های امروزی، آن هم با این همه پیشرفت تکنولوژی و افکت‌های تصویری و بازی‌های رایانه‌ای، آن هم برای شما که با لباس روحانیت و یک تخته سیاه و چندتا گچ باید جذباتان کنید، سخت نیست؟ کار با بچه‌ها از سخت‌ترین کارهای دنیاست. اما رمز موفقیت هرکسی در ۴ چیز است: اخلاص، آگاهی مذهبی و نوع بیان آن و بالاخره ابزار کار. لباس نباید مانع تبلیغ ما باشد. لباس ما ابزار تبلیغ ماست. من روحانی که نباید اتوکشیده منتظر بنشینم که بگذارند روی تاقچه و مردم بیایند به من احترام کنند. من برای اینکه بتوانم خوب با مردم حرف بزنم، باید بروم میان مردم، ببینم چی می‌خواهند، نیازشان چیست و چه جوری و با چه زبانی می‌شود به نیازشان پاسخ داد. از طرف دیگر باید خودمان را دائم به روز کنیم. من الان لپ‌تاپ دارم، سایت و وبلاگ راه‌انداخته‌ام، کشورهای مختلف را هم گشته‌ام. باید مطابق با پیشرفت‌ها، خودمان را به‌روز کنیم تا بتوانیم زبان بچه‌های امروزی را بفهمیم و با آنها سروکله بزنیم.

از این سرو کله‌زدن‌ها و برنامه اجرا کردن‌ها در این چند سال، صحنه‌ای بوده که هیچ‌وقت از ذهنتان پاک نشود؟ یک مدت هر هفته می‌رفتم توی یک پرورشگاه در مشهد، برایشان برنامه اجرا می‌کردم و قصه می‌گفتم؛ البته با همان شیوه ناتمام‌گذاشتن قصه تا هفته بعد. آن روز قصه پیرمردی را گفتم که پادشاه می‌خواست باغش را به زور از او بگیرد. قصه به اینجا رسید که جلاد شمشیرش را گذاشته بود روی گردن پیرمرد و تهدیدش می‌کرد که یا باغ را باید بدهی یا جان‌ت را و ۳ شماره به او مهلت داد. شماره ۱ و ۲ را گفت اما پیرمرد زیر بار نرفت. خواست که بگوید ۳، قصه را ناتمام گذاشتم و گفتم بقیه‌اش را هفته بعد برایتان می‌گویم. باران می‌آمد و زمین خیس خیس بود. سریع زدم بیرون. عبایم را روی سرم گرفتم و بدو داشتم می‌رفتم سمت در پرورشگاه که دیدم یکی از بچه‌های پرورشگاه با پای برهنه دوان دوان دارد می‌آید به طرف من و داد می‌زند «حاج آقا، حاج آقا، وایسا!». فکر کردم می‌خواهد یک مسئله خصوصی را با من در میان بگذارد. گفتم چیه؟ گفت «یه ذره دیگه از قصه رو بگو، بالاخره چی میشه آخرش؟». گفتم درست نیست که فقط برای تو تعریف کنم، صبر کن تا هفته بعد. گفت «تورو خدا». گفتم نمی‌شود. بعد گفت «آخرش رو من می‌دونم، پیرمرده نجات پیدا می‌کنه». گفتم حالا که این‌طور شد، هفته بعد من یک جوری قصه را تمام می‌کنم که پیرمرد را بکشم. شیوتمان را به دیگران هم یاد داده‌اید؟

بله. الان همه این روش‌ها به صورت کلاسه و سیستماتیک درآمده و مؤسسه تربیت مربی در چند شهر کشور داریم. در کابل افغانستان و دمشق سوریه هم ۲ شعبه داریم و تابه‌حال بیشتر از ۷ هزار روحانی و هزاران مربی را برای کار با بچه‌ها آموزش داده‌ایم.

راستی نگفتید مجری محبوب دوران کودکی نسل ما که هنوز هم دارد برنامه اجرا می‌کند چند سالش است؟ این یکی را دیگر نپرسید؛ از اسرار است.

یادداشت همکار استاد راستگو

هر وقت می‌خواستم نماز بخوانم، فکر می‌کردم این يك جور ملاقات رسمی بین ماست و هر جایی و هر جوری با تو حرف زدن و به یادت افتادن، بی‌ادبی است. يك روز ناخودآگاه از تلویزیون مطلبی را شنیدم که به من قوت قلب زیادی داد: «کسانی که خداوند را در همه احوال ایستاده و نشسته و بر پهلو آرمیده، یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند». این ترجمه آیه ۱۹۱ سوره آل عمران بود که روحانی خوش‌صحبتی آن را بیان می‌کرد. نامش حاج آقای راستگو بود. این آیه، يك آیه فوق‌العاده بود که خیالم را در مورد ارتباط با خدا راحت‌تر کرد. اینها تمام احساسی بود که در اولین برخورد دورادور با حاج آقا راستگو به من دست داد. وقتی که پیشنهاد اجرای برنامه در کنار ایشان، به بنده داده شد، ناخودآگاه دوران کودکی‌ام را در ذهن مرور کردم و با خودم فکر کردم چقدر از همان دوران کودکی آرزوی دیدار ایشان را داشتم. اولین باری که ایشان را زیارت کردم، دوره سربازی من بود که هنگام ضبط برنامه ایشان را دیده بودم. آن روز یکی از روزهای خوب زندگی من بود. اما حالا استرس عجیبی داشتم. با خودم فکر می‌کردم آیا يك نقش کاملاً فانتزی در کنار يك روحانی جواب خواهد داد. تا روزی که اولین برنامه را ضبط کردیم این استرس با من همراه بود. بعد از ضبط، خیال من و کل گروه تقریباً راحت شد. من و آقای راستگو، زوج هنری خوبی را تشکیل داده بودیم. من کنار او بازی می‌کردم و به آرزوی دوران کودکی‌ام رسیده بودم. ۲۰ قسمت اول که پخش شد بازتاب خوبی داشت. همه از کار راضی بودند؛ به‌خصوص حاج آقا راستگو که در ابتدای کار به‌درستی سخت‌گیری می‌کرد و همین باعث شد که شبکه، مجموعه دوم و سوم را سفارش بدهد. احمد سلیمانی منبع: همشهری جوان

توصیه‌های یک روحانی نام آشنا درباره فیتیله جمعه تعطیله

استاد راستگو مقایسه برنامه فیتیله با عموپورنگ را کار نادرستی دانست و افزود: آیت‌های خاص، اشعار و حتی مجری کمکی برنامه عموپورنگ (امیرمحمد) با حال و هوایی که در برنامه فیتیله وجود دارد کاملاً متفاوت است. رسا: استاد راستگو با اشاره به نقاط مثبت و منفی برنامه کودک فیتیله جمعه تعطیله، استفاده از دیدگاه‌های يك روحانی آشنا به مبانی هنر را موجب رشد سطح کیفی و محتوایی این برنامه دانست. حجت‌الاسلام محمدحسن راستگو، رییس مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم با اشاره به نقاط مثبت و منفی برنامه تلویزیونی «فیتیله جمعه تعطیله» که روزهای جمعه از شبکه دوم سیما پخش می‌شود، اظهار داشت: استفاده از دیدگاه‌های يك کارشناس روحانی که افزون بر آگاهی عمیق از مبانی دینی، با زبان هنر هم آشنا باشد، رشد سطح کیفی و محتوایی این برنامه پر بیننده را در پی دارد. وی با بیان این که اگر چنین کارشناسی پیش از پخش برنامه در مورد تك تك آیت‌های برنامه نظر دهد، بی‌گمان انتقادهایی که درباره این برنامه وجود دارد به حداقل می‌رسد، افزود: افزون بر کارشناس دینی باید کارشناسان آموزشی و روان‌شناسی در هنگام تهیه این برنامه حضور داشته باشند و درباره مسایل مختلف از جمله میزان اثربخشی از راه القاء مستقیم یا غیرمستقیم پیام‌های خاص نظر دهند. رییس مرکز پرورش مربی کودک و نوجوان با اشاره به این که در ساخت برنامه‌های تلویزیونی باید نیاز عمومی مردم در نظر گرفته شود، افزود: توقع ما از برنامه فیتیله این نیست که به بچه‌ها نماز جماعت یاد دهد، ولی اگر يك سری مفاهیم دینی به صورت غیرمستقیم و رقیق با محتوای زنده و شاد در این برنامه گنجانده شود و در دراز مدت هدف مشخصی را پی‌گیری کند، کار ارزشمند و تاثیرگذاری به یادگار خواهد ماند. استاد راستگو درباره ویژگی‌های يك برنامه کودک اظهار داشت: برنامه‌های کودک باید از نظر روان‌شناسی متناسب با سن، جنس، معلومات و فرهنگ زیست کودک باشد. وی ادامه داد: محتوای برنامه‌های کودک باید رقیق، متنوع، زیبا و با القای غیرمستقیم مطالب همراه باشد و افزون بر آن از قالب‌های مختلف

اجرا مانند قصه، نمایش، شعر، سرود، پرسش و پاسخ، مسابقه و حرکات ورزشی در آن استفاده شود. رییس مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان استفاده از سیستم های دیجیتال برای تنوع بخشی به برنامه ها، بکارگیری دکور مناسب با رنگ آمیزی شاد و بهرهمندی از هنرمندانی که اجرای جذاب و قوی دارند را از دیگر عوامل اثرگذار در برنامه های ویژه کودک و نوجوان برشمرد و ابراز داشت: به هر حال یکی از رسالت های هنر افزون بر آموزنده بودن، پرکردن اوقات فراغت و ایجاد زمینه برای تفریح سالمی است که در روایات به آن اشاره شده است، ولی باید توجه داشت که تولید برنامه های شادی مثل فیتیله هم می تواند همراه با محتوایی متناسب با آموزه های دینی و اجتماعی باشد. این پژوهشگر کودک و نوجوان حضور خود را در برنامه فیتیله و عمو پورنگ منتفی دانست و خاطر نشان کرد: حضور يك شخصیت حقیقی و حقوقی با لباس روحانیت در چنین برنامه هایی که همراه با تحرک وسیع و قوی هنرمندان آن است، هیچ تناسبی ندارد و تاثیرگذار هم نیست، هر چند می توان به صورت کمکی و جنبی مثل تماس تلفنی در این برنامه حاضر شد. کاری که بنده در ماه رمضان دو سال پیش در برنامه عموپورنگ تجربه کردم و ضمن پاسخ دادن به سؤال مجری، شعاری را برای گنجاندن مسایل اخلاقی، تربیتی و فقهی در این برنامه مطرح می کردم. ی با اشاره به این که به تهیه کننده برنامه عموپورنگ پیشنهاد کرده تا هفته ای يك جلسه با حضور در این برنامه برای بچه ها قصه بگوید، ادامه داد: با وجود اعلام آمادگی، جواب مثبتی از سوی دست اندرکاران این برنامه دریافت نکردم. استاد راستگو مقایسه برنامه فیتیله با عموپورنگ را کار نادرستی دانست و افزود: آیتم های خاص، اشعار و حتی مجری کمکی برنامه عموپورنگ (امیرمحمد) با حال و هوایی که در برنامه فیتیله وجود دارد کاملاً متفاوت است. وی با اشاره به این که ساخت برنامه ای مانند فیتیله بسیار سخت و سنگین است، گفت: ایجاد تناسب بین اشعار، حرکات و دیالوگ ها با موسیقی برنامه و استفاده کمتر از اشعار و سرودهای تکراری کار زیاد و حساب شده ای را می طلبد، این در حالی است که در برنامه عموپورنگ با وجود جذابیتی که دارد، بسیاری از اوقات سرودهای تکراری از روی سیدی پخش می شود و مجری برنامه تنها لبخوانی می کند. رییس مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان مساله هورا و جیغ کشیدن و سوت و کف زدن را در برنامه های کودک قابل پذیرش ندانست و ادامه داد: هر چند شاید بتوان از کف زدن با مسامحه گذشت، ولی در موارد دیگر باید تجدید نظر شود، چرا که نادرستی آن مثل کراهت وجود مجسمه در مکان نمازگزار است با این توجیه که امروزه در ایران کسی از دیدن مجسمه به یاد بت نمی افتد، ولی باید دانست که احکام اسلام تنها برای يك منطقه جغرافیایی مثل ایران نیست و همین الان در کشورهایمانند هند بت پرستی رواج دارد. به هر حال سخن این است که چرا ما با این فرهنگ قوی دینی و ایرانی، نوآوری نکنیم و لفظی را بر اساس فرهنگ و مذهب خودمان ابداع نکنیم و از الفاظی مانند هورا استفاده کنیم که شاید مخفف اهورامزداي زرتشتیان است که هنگام روشن کردن آتش آن را بیان می کردند. وی در ادامه اظهار داشت: جیغ زدن مساله ای است که به نظر برخی روان شناسان انسان را از نظر روانی تخلیه می کند، ولی عادت دادن بچه ها به آن افزون بر این که در زندگی شهرنشینی کنونی حقوق دیگران را ضایع می کند، متناسب با جایگاه يك برنامه تلویزیونی که باید آموزنده و سازنده باشد، نیست. استاد راستگو اختلاط دختر و پسر را از اشکالات دیگر برنامه فیتیله دانست و گفت: هر چند بچه های حاضر در این برنامه کوچکند و از نظر شرعی، تکلیفی ندارند و من هم انسان تنگ نظری نیستم که حجاب کامل را برای بچه های نابالغ واجب بدانم، ولی مساله این است که دختر بچه باید بداند پوشش او با پسر ها فرق دارد و مجاورتش با آنها کار درستی نیست، از این رو می توان با پوشاندن لباس های رنگی زیبا با پوشش مناسب به دختر بچه ها، آنها را از کودکی با این مفاهیم آشنا کرد و در برنامه های تلویزیونی هم می توان آنها را از هم جدا، یا يك برنامه ویژه دختران و يك برنامه ویژه پسران تولید کرد. وی با بیان این که طرب انگیز نبودن، متناسب نبودن با مجالس لهو و لعب و افسادگر نبودن شعر از ویژگی های موسیقی حلال است، بیان داشت: مساله موسیقی از دیرباز در صدا و سیما مطرح بوده و درباره معیارهای موسیقی مذهبی دیدگاه های فراوانی مطرح شده است؛ اما آنچه اهمیت دارد این است که نظام اسلامی با موسیقی مخالف نیست و اگر کسی به طور مطلق مخالف آن باشد، این مخالفت نظر شخصی اوست و نمی تواند برای نظام اسلامی دستور العمل باشد. استاد راستگو ادامه داد: به هر حال سازندگان برنامه فیتیله باید نسبت به انتخاب موسیقی ها دقت کافی داشته باشند و در حین اجرا نیز حرکات خود را کنترل کنند، چرا که در برخی موارد دیده شده که این حرکات بر بچه ها به ویژه دختر بچه هایی که در منزل این برنامه را تماشا می کردند، تاثیرگذار بوده و آنها را به حرکت واداشته است. وی با انتقاد از خواندن برخی اشعار به زبان های محلی در برنامه فیتیله گفت: از آنجا که زبان اصلی در ایران، فارسی است باید این اصل در همه برنامه ها اجرا و یا ترجمه آنچه به زبان محلی خوانده می شود نیز برای بچه ها بیان شود. رییس مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان یکنواختی برنامه فیتیله بخاطر اجرای دائمی در استودیو را از دیگر اشکالات این برنامه دانست و ابراز داشت: هر چند اجرای برنامه در محیط باز کار دشواری است و عوامل فنی برنامه را بسیار اثیت می کند، ولی این سختی کار در برابر زیبایی و تنوع اثرگذار بر برنامه ناچیز است. وی نام فیتیله را به دلیل عوامانه و غیر متداول بودن آن برای این برنامه متناسب ندانست و خاطر نشان کرد: در انتخاب يك نام برای برنامه کودک باید درك مفهوم آن از سوی بچه ها مورد توجه قرار گیرد. استاد راستگو ادامه داد: از آنجا که روز جمعه، عید آل محمد (ص) است و ظهور حضرت حجت (ع) نیز در این روز خواهد بود، جا دارد هم در برنامه فیتیله و هم در برنامه عموپورنگ روی این مساله بیشتر و با ظرافت افزون تری کار شود. وی حضور مجری زن در برنامه فیتیله را غیر ضروری دانست و گفت: این به معنای بی توجهی به جنس زن نیست؛ بلکه حال و هوای موجود در این برنامه با حضور مجری خانم تناسبی ندارد. این

پژوهشگر كودك و نوجوان در پایان با اشاره به جایگاه ویژه صدا و سیما به عنوان رسانه‌ای مؤثر و فراگیر در کشور گفت: ساخت يك برنامه سازنده در این رسانه می‌تواند يك نسل را تحت پوشش و اثر خود قرار دهد. نظرات بینندگان: مشکل کار سریال ها و برنامه های صدا و سیما این است که میخواهند "پیام" داشته باشد. همین پیام داشتن کار را خراب کرده بابا یه برنامه باحال هم که برای بچه‌ها پخش می‌شه تو رو خدا با این نظرات خرابش نکنید. با سلام برنامه فیتیله در عین اینکه برنامه شادی هست در غالب نمایش، پیامهای زیادی را به بچه ها انتقال میدهد. این برنامه بغیر از بچه ها مورد توجه بزرگترها هم بوده و هست. نه تکه کلامهای بیربط داره که کوچکترا یاد بگیرن نه حرفهای زشت دیگر که گاهی در برخی برنامه ها شنیده میشه بچه ها همون ۳ ساعت روز جمعه شارژ هستند. امیدوارم تمام دست اندرکاران این برنامه موید باشند و این برنامه همیشه ادامه داشته باشد. با سلام. برنامه بسیار بسیار خوبی است امیدوارم ادامه داشته باشد و فکر می کنم نیازی به کارشناسی جدید ندارد. من یک مرد ۴۰ ساله هستم دارای مدرک کارشناسی فنی از این بات خودم را اینگونه معرفی کردم که بگم من هر جمعه با فرزند خردسالم به تماشای این برنامه می نشینیم و از این برنامه لذت میبریم و این برنامه به نظر من از خیلی برنامه های به ظاهر پر بار صدا و سیما مهیج تر و متنوع تر و شاد تر و آموزنده تره تو را به خدا دست به ترکیش نزنن و به اصطلاح هدف دارش نکنید. چرا باید همه برنامه های صدا و سیما بدنبال کار فرهنگی باشند. آیا واقعا برنامه هایی که بدنبال این امر بوده اند توانسته اند مخاطبین زیادی کسب کنند سلام نه دوست عزیز، مشکل برنامه های ما پیام داشتن نیست. مشکل اینه که بعضی ها که به یک سری پیام ها اعتقاد محکمی ندارند به صورت بخشنامه ای موظف به گنجاندن آن پیام در برنامه های خود می شوند. وگرنه: سخن کز دل برآید، لاجرم بر دل نشیند سلام به نظر من برنامه از همه لحاظ عالیست. دستشون درد نکنه قبل از هر چیز بگویم که بنده از ارادتمندان جناب آقای راستگو هستم اما سوال حقیر از ایشان این است که آیا از خود کودکان نیز نظر خواهی نموده اند. آیا ایشان واقف هستند که حضور در برنامه فیتیله با همین کیفیت برای هرکودک ایرانی به آرزویی بزرگ تبدیل شده است؟ شما باید نظر یک روان شناس را هم در مورد برنامه های فیتیله و عمو پورنگ جویا شوید.... حاج آقا از لحاظ مذهبی نظریات خودشان را گفته اند.... در ضمن نمی دانم چرا در ایران هر کس موفقیتی بدست آورد هم می خواهند او را خراب کنند با سلام برنامه عموپورنگ بی محتوی و بیشتر وقتها بد آموز است و با برنامه فیتیله اصلا" قابل مقایسه نیست البته آن جای خود و این هم جای خود سلیقه ها را جواب می دهند لطفا" دلسردشان نکنید. بگذارید هر کدام مخاطبان خود را داشته باشند با تشکر برنامه بسیار بسیار خوبی است. من که خودم بچه نیستم و بچه ای ندارم جمعه ها این برنامه رو نگاه میکنم!! حالا اون برنامه ای که ایشان مجریش بودن چقدر بار فرهنگی و پیام داشت که حالا ایراد میگیرن. باسلام نکاتی که جناب راستگو فرمودند بسیار صحیح و منطقی است باید هر برنامه ای ولو طنز یا شاد هدفمند بوده و موجب رشد و شکوفایی نونهالان گردد سلام به نظر من فیتیله بهترین برنامه ای است که تاکنون برای کودکان ساخته شده است و نکات آموزنده ی زیادی دارد. شعرهای محلی بسیار جذابند و به نظر من نه تنها ایرادی ندارند بلکه باعث آشنا شدن بچه ها با گویش های مختلف می شوند. با سلام من توی این قضیه متعجبم که چرا اصرار دارند دخترها و پسرها را این گونه در برنامه فیتیله کنار هم بنشانند. آیا نمی شود يك برنامه اختصاصی پسرها باشد و یکی اختصاصی دخترها؟ سلام به نظر من فیتیله برنامه ی بسیار خوبی است و بار فرهنگی بسیار بالایی دارد. این برنامه دقیقاً بر مبنای آموزش همراه با سرگرمی طراحی شده است که این آموزش شامل مباحث گوناگونی است و هدف از تمام این آموزش ها ترویج فرهنگ ایرانی-اسلامی در بین آینده سازان جمهوری اسلامی ایران است. امیدوارم این برنامه سال های سال بدرخشد. من یک مرد ۷۰ ساله هستم و همیشه برنامه فیتیله را نگاه میکنم درخواست کارتون تام و جری و پلنگ صورتی اصلا برنامه جالبی نیست به غیر از گناه و معصیت هیچ چیز دیگری ندارد فیتیله عشق همهی برو بچ ایرانی است. آخه اگه اون نباشه کی ما رو میخندونه. بنشینیم پای کدام يك از برنامه های مذخرف تلویزیون. فیتیله رو دوست دارم کاری هم به ساختار و پیام ان ندارم برنامه فیتیله خیلی بهتر از پورنگ است من با صحبت آقای راستگو درباره موسیقی ها و بعضی از حرکات که معمولاً به جای رقص نام حرکات موزون بر آن می گذارند موافق هستم و نباید چنین حرکاتی در يك برنامه با این حجم از بیننده صورت بگیرد و با روش های دیگری هم می توان بچه ها را سرگرم و شاد کرد. به این شکل این برنامه دارد پیش می رود جز گناه و اثرات مخرب آن بر بچه ها چیزی باقی نمی گذارد. فیتیله..... آخرشه..... دستشون درد نکنه سلام یک جمعه بذارین بچه های ما درست برنامه ببینند تورو خدا... استاد راستگو:

جیغ، سوت و کف در برنامه های کودک خوب نیست

توقع ما از برنامه های کودک این نیست که به بچه ها نماز جماعت یاد دهند اما مساله هورا و جیغ کشیدن، سوت و کف زدن در برنامه های کودک قابل پذیرش نیست. محتوای برنامه کودک باید دقیق، متنوع، زیبا و با القای غیر مستقیم مطالب همراه باشد. استاد محمد حسن راستگو، رئیس مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در یادداشتی، به مساله برنامه های تولیدی برای کودکان پرداخته است. به گزارش «فردا» راستگو که خود تجربه اجرای برنامه کودکان در تلویزیون را دارد در یادداشت خود که روزنامه وطن امروز آن را منتشر کرده، نوشته است: در ساخت برنامه های تلویزیونی باید نیاز عمومی مخاطب در نظر گرفته شود، توقع ما از برنامه های کودک این نیست که به بچه ها نماز جماعت یاد دهند اما اگر یکسری مفاهیم دینی به صورت غیر مستقیم با محتوای زنده و شاد در این برنامه ها گنجانده شود و در دراز مدت هدف مشخصی را پیگیری کند، کار ارزشمند و تاثیرگذاری به یادگار خواهد

ماند. برنامه‌های کودک باید از نظر روانشناسی متناسب با سن، جنس، معلومات و فرهنگ زیست کودک باشد. همچنین محتوای برنامه کودک باید دقیق، متنوع، زیبا و با القای غیر مستقیم مطالب همراه باشد و علاوه بر آن از قالب‌های مختلف اجرا مانند قصه، نمایش، شعر، سرود، پرسش و پاسخ، مسابقه و حرکات ورزشی در آن استفاده شود. مساله هورا و جیغ کشیدن، سوت و کف زدن در برنامه‌های کودک قابل پذیرش نیست. هرچند شاید بتوان از کف زدن با مسامحه گذشت اما در موارد دیگر باید تجدید نظر کرد. به نظر برخی روانشناسان، جیغ زدن، انسان را از نظر روانی تخلیه می‌کند، اما عادت دادن بچه‌ها به آن، افزون بر اینکه در زندگی شهرنشینی کنونی حقوق دیگران را ضایع می‌کند متناسب با جایگاه یک برنامه تلویزیونی که باید آموزنده و سازنده باشد، نیست. نظرات بینندگان: خب راست میگن لابد! بحثی در اینکه برنامه های کودک غنای لازم را از لحاظ محتوی ندارد نیست! اما... اگر هم خواستید تاثیر مثبتی در این برنامه ها ایجاد نمایید همانطور که فرمودید کار را به دست روانشناسان بدهید. با تشکر و احترام خواهش میکنم خود را مجددا مطرح نفرمایید. هر مساله ای زمانی دارد..... تو رو به خدا بی خیال فیتيله جمعه تعطيله شو باتشکر از حاج آقا. باید از نظرات کارشناسان مذهبی تربیت کودک در تهیه این برنامه ها استفاده کنیم. ناسلامتی مسلمونیم. کارشناس مذهبی کودک وجود خارجی ندارد. در اوایل انقلاب من حدود ۱۰ سال داشتم و تا زمانی که دیپلم گرفتم جلوی دست زدن و شادی کردن را در مدرسه و دانشگاه از ما گرفتند و حتی این موضوع برای بچه هایی که الان ۲۰ ساله هستند نیز صدق می کند. نتیجه چه شد؟ جز یک نسل عاصی که سعی می کنند شادی و هیجان خود را با در آوردن صداهای وحشتناک از ماشین هایشان تخلیه کنند و دیگر کارهای ناهنجار. شما را به خدا ای نظرات را برای خود بایگانی کنید. ادای دینی به استاد

ماه گذشته مصاحبه مفصل استاد راستگو با خبرگزاری رسا، سروصدای خاصی در بین اینترنتی‌ها ایجاد کرد. «خاص از این جهت که تنها چند جمله از آن مصاحبه با شیطنت‌های سایتهای خبری بهانه را برای توهین ها و بی مهری‌های مکرر عده‌ای سطحی نگر ایجاد کرد. «سطحی نگر» گفتم چرا که بدون مطالعه کامل مصاحبه و بدون توجه به تخصص و سابقه این استاد عزیز با بیانی احساساتی خود را مدیون یکی از حرفه ای ترین اساتید کودک و نوجوان کردند. «حرفه ای‌ترین» گفتم، چرا که اگر این یادداشت را به صورت کامل بخوانید خواهید فهمید چه سرمایه ارزشمندی را داریم و قدرش را نمی دانیم. «سرمایه گفتم» خب بهتر است سبک نوشتنم را عوض کنم. وقتی امروز يك بار دیگر با حوصله مصاحبه ایشان را خواندم واقعا از برخورد برخی افراد مغرض شگفت زده شدم و یقین پیدا کردم به جز تیتیر چند سایت خبری به هیچ وجه مصاحبه ایشان را نخوانده اند. واقعا ایشان در مصاحبه خود چه گفته بودند ؟ استاد با اشاره به نقاط مثبت و منفی برنامه تلویزیونی «فیتيله جمعه تعطيله» که روزهای جمعه از شبکه دوم سیما پخش می‌شود، اظهار داشت: استفاده از دیدگاه‌های يك کارشناس روحانی که افزون بر آگاهی عمیق از مبانی دینی، با زبان هنر هم آشنا باشد، رشد سطح کیفی و محتوایی این برنامه پر بیننده را در پی دارد. وی با بیان این که اگر چنین کارشناسی پیش از پخش برنامه در مورد تك تك آیت‌های برنامه نظر دهد، بی‌گمان انتقادهایی که درباره این برنامه وجود دارد به حداقل می‌رسد، افزود: افزون بر کارشناس دینی باید کارشناسان آموزشی و روان‌شناسی در هنگام تهیه این برنامه حضور داشته باشند و درباره مسایل مختلف از جمله میزان اثربخشی از راه القاء مستقیم یا غیرمستقیم پیام‌های خاص نظر دهند. وی با اشاره به این که در ساخت برنامه‌های تلویزیونی باید نیاز عمومی مردم در نظر گرفته شود، افزود: توقع ما از برنامه فیتيله این نیست که به بچه‌ها نماز جماعت یاد دهد، ولی اگر يك سری مفاهیم دینی به صورت غیرمستقیم و رقیق با محتوای زنده و شاد در این برنامه گنجانده شود و در دراز مدت هدف مشخصی را پی‌گیری کند، کار ارزشمند و تاثیرگذاری به یادگار خواهد ماند. برنامه های کودک باید از نظر روان‌شناسی متناسب با سن، جنس، معلومات و فرهنگ زیست کودک باشد. محتوای برنامه‌های کودک باید رقیق، متنوع، زیبا و با القای غیرمستقیم مطالب همراه باشد و افزون بر آن از قالب‌های مختلف اجرا مانند قصه، نمایش، شعر، سرود، پرسش و پاسخ، مسابقه و حرکات ورزشی در آن استفاده شود. وی در ادامه اظهار داشت: جیغ زدن مساله‌ای است که به نظر برخی روان‌شناسان انسان را از نظر روانی تخلیه می‌کند، ولی عادت دادن بچه‌ها به آن افزون بر این که در زندگی شهرنشینی کنونی حقوق دیگران را ضایع می‌کند، متناسب با جایگاه يك برنامه تلویزیونی که باید آموزنده و سازنده باشد، نیست. «حاج آقا راستگو با سی سال تجربه تدریس برای کودکان و نوجوانان یکی از افرادی است که تنها به خاطر عشق و علاقه به این راه آمده و استقامت و همتش ستودنی است. کدام استاد و مربی را در ایران سراغ داریم که برای آموزش کودک و نوجوان به تك‌تك شهرهای ایران سفر کرده باشد. هزاران کلاس آموزشی برگزار کرده باشد. با روئی گشاده دعوت روستائیان را پذیرا باشد، بهترین مدرسه غیرانتفاعی در تهران با مدرسه کپری فلان روستا برایش فرقی نداشته باشد ؟ با همت خود مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان را راه اندازی کند و صدها نفر استاد در این زمینه تربیت کند ؟ قویترین کتابخانه تخصصی کودک و نوجوان را راه اندازی کند. برای بالابردن کیفیت آموزش به دهها کشور سفر کند. روش‌های تربیت و تدریس کودک و نوجوان را در سایر کشورها بررسی کرده باشد. نه... بالاغیرتا اگر نمونه‌ای اینچنین سراغ دارید معرفی کنید. وقتی ایده نوشتن این یادداشت را دیروز در جمعی مطرح کردم، یکی از حضار که برنامه نویس و مهندس کامپیوتر است به من گفت : « این راهم بنویس که حاج آقا با پیشرفته ترین تکنولوژی آموزشی و مسائل مختلف آشنا است. يك بلاگر و چت کننده حرفه ای. برای اولین بار يك رم ۳۰ گیگابایتی را دست ایشان دیدم که می گفت از ژاپن خریده ام. قبل از سفر به هر شهر و کشوری از طریق گوگل ارث موقعیت آنجا را خوب بررسی می کند و ...» و من در پاسخ

گفتم: « به عقیده من این تعریف‌ها برای حاج‌آقا بسیار كوچك و سبك است اما متاسفانه مجبورم این ویژگی حاج‌آقا را پررنگ‌تر بنویسم. چرا كه در نگاه جماعت توهین‌كننده به ایشان متاسفانه همین ویژگی‌ها معیار است. اینها چه می‌فهمند با تمام عشق ۳۰ سال خدمت به كودكان و نوجوانان یعنی چه؟ چه می‌فهمند بدون ادعا يك عمر تلاش برای تربیت میلیون‌ها كودك و نوجوان ایرانی كه بسیاری از آنان هم‌اینك مدیران و نخبگان كشوری شده‌اند یعنی چه؟ و...» به راستی ما ایرانی جماعت چرا قدرشناس هستیم. اگر چنین سرمایه‌ای هم‌اینك در واتیکان و یا مراکز دینی دیگر ادیان وجود داشت او را به عنوان چهره‌ای جهانی معرفی می‌کردند و تاكنون چند دوره رئیس یونیسكف کرده بودند. این یادداشت ادای دین كوچكي بود خدمت استاد عزیزاحمد نجمی فارغ التحصیل ممتاز دوره بیست و دوم تربیت مربی كودك و نوجوان در همین زمینه و خواندنی:

پای منبر شیشه‌ای

تربیت كودكان، استاد راستگو خرداد ۳۰م، ۱۳۸۷ در ۱۲:۵۴ ق.ظ سلام! می‌بخشید كه بی ربط می‌نویسم ولی من همیشه كنجكاو بودم ببینم ساختار حوزه علمیه چه جوریه. یعنی مثل دانشگاه واحد میگیرین و پاس میكنین و نمره می گیرین (و نمره كه كم آوردین میرین دست به دامن استاد میشین: دی) و میرین بالا تا به حد خاصی و بعد مدرک میگیرین؟ كلا چه جوریه؟ آیا هیچ گونه علم تجربی هم می‌خونین (فیزیک و شیمی و اینها)؟ یا ریاضی؟ یا ادبیات فارسی و روانشناسی و اینها؟ یا فقط همون درسای سنتی خودتونه؟ بازم ببخشید كه اولاً سوالم بیربطه ثانیاً این چیزایی كه میپرسم لابد به نظرتون اظهر من الشمس و لی حقیقتش خیلی كنجكاوم و با اینکه مشهديم و تو مشهد هم حوزه های دینی هست نه خودم چیزی میدونم در این باره نه هیچكدم از دوستانم.

بایدها و نبایدهای ترجمه قرآن کریم برای كودكان و نوجوانان/ ۵۸

خلق ترجمه تصویری از قرآن برای نوجوانان نیازمند زمینه‌سازی است. شنبه ۲۷ مهر ۱۳۸۸ ۱۰:۲۲:۰۷ گروه ادب: به اعتقاد «محمدحسین صلواتیان»، تصویرگر، خلق ترجمه تصویری از قرآن کریم برای نوجوانان نیازمند زمینه‌سازی‌هایی است كه بالا بردن سطح درك این مخاطبان از قرآن کریم و نیز دستیابی به نوعی ساده‌سازی مفاهیم توسط تصویرگران از جمله آن‌ها است. «محمدحسین صلواتیان»، تصویرگر كتاب‌های كودك و نوجوان، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایكنا) با اشاره به اینکه نوع رجوع و بهره‌مندی مخاطبان كودك و نوجوان با قرآن کریم متفاوت با سایر متونی است كه به طور معمول مورد استفاده آن‌ها قرار می‌گیرد، اظهار كرد: مخاطب كودك و نوجوان به دلیل ذهنیت‌هایی كه از ابتدای تولد نسبت به قرآن در آن‌ها وجود دارد، همانند يك كتاب عادی برای مطالعه، به این متن توجه نمی‌كند و تفاوت جنس كلام این كتاب را با سایر نوشتارهای در دسترس به خوبی درك نمی‌كند. صلواتیان ادامه داد: از این رو اگر بخواهیم متن قرآن را با شیوه‌های تصویری در دسترس و معرض دید مخاطبان كودك قرار دهیم، باید به سمت نوعی زمینه‌سازی در این راه حرکت كنیم كه عبارت است از بالا رفتن سطح فهم و درك آن‌ها مطابق با قرآن کریم و دست یافتن به نوعی ساده‌سازی در ارائه مفاهیم قرآن کریم. وی افزود: قرآن کریم به طور کلی دارای دو بعد مَلَكُوتی و مُلْكُوتی است. ابعاد مَلَكُوتی قرآن کریم را می‌توان جنبه بصری داد، چرا كه می‌توانیم در طبیعت نشانه‌هایش را ببینیم، اما برخی از واقعیات قرآن کریم ملكوتی هستند، كه به این معنی است كه فراحسی بوده و در عالم محسوسات مصداق ندارند؛ مثلاً هنگامی كه صحبت از صراط مستقیم می‌شود نمی‌توان به آن جنبه تصویری داد، در این بخش شاید بتوان با مصداق‌سازی برخی از مفاهیم را برای مخاطبان كودك و نوجوان تصویرسازی كرد. صلواتیان در ادامه خلق ترجمه تفسیری از قرآن کریم را برای كودك و نوجوان امری قابل تحقق دانست و تأکید كرد: با وجود اینکه این موضوع امری شدنی است، اما این كار در واقع پایین‌آورنده شأن قرآن کریم است، اما در این میان نباید فراموش كنیم كه تصویرگر باید روحيات خود را به گونه‌ای با قرآن کریم پیوند بزند كه بتواند حال و هوای آیات را برای خلق تصاویر درك كند؛ به عنوان مثال برخی عناصر داستانی مثل شیطان و فرشته را از نظر بصری باید با حساسیت بیشتری انتخاب كرد. خلق ترجمه تصویری از قرآن نیازمند تخصص است. تصویرگری و خلق ترجمه‌های تصویری از قرآن کریم را نمی‌توان بر عهده هر تصویرگری گذاشت. کسی به واقع می‌تواند از عهده این كار برآید كه مسائل قرآنی و اسلامی به درستی در ذهن او جای گرفته باشد. تصویرگر كتاب «چشم چشم دوماهی» با اشاره به اینکه مخاطبان قرآن کریم با توجه به ویژگی‌های روحی و سنی خود گاهی تنها يك تجلی از تصویر را درك می‌كنند، گفت: تصویرسازی از قرآن کریم در واقع به این معنی است كه بسیاری از مباحث ذهنی، انتزاعی، مجازی و یا فراحسی را به قالب محسوسات و ملموسات بكشد، اما در بیشتر اوقات دست تصویرگر برای این كار بسته است، چراكه ادراكات قرآن کریم بیشتر از جنس ادراكات قلبی است و با نظام ادراكات حسی قابل درك نیست و اگر هم بتوانیم به خلق تصویر برسیم موضوع را به طور حتم خیلی به سطوح پایین‌تر كشانده‌ایم.

تصویرگر قرآنی باید با تفاسیر و مفاهیم آیات آشنا باشد

صلواتیان با اشاره به اینکه در مقوله خلق تصویر از قرآن کریم گاهی به مباحث زیبایی‌شناسانه دقت داریم و گاهی به مباحث حسی، گفت: گاهی خلق ترجمه تصویری از قرآن برای نوجوانان به معنی ساده‌سازی مفاهیم جهت ارائه است و گاهی این موضوع به معنی كم كردن معنویات است. وی در ادامه افزود: تصویرگری و خلق ترجمه‌های تصویری از قرآن کریم را نمی‌توان بر عهده هر تصویرگری گذاشت. کسی به واقع می‌تواند از عهده این كار برآید كه مسائل قرآنی و اسلامی به درستی در ذهن او جای گرفته و دارای جایگاه مشخصی باشد. این تصویرگر بیان كرد: تصویرگر قرآن

باید خود با قرآن کریم مأنوس باشد و حتی با تفاسیر و مفاهیم آیات نیز آشنا باشد، در واقع کسانی که می‌خواهند در این وادی قدم بگذارند باید اصول و مبانی کار با قرآن آموخته باشند. صرف داشتن يك احساس معنوی نسبت به قرآن نمی‌تواند منجر به خلق تصاویری مبتنی بر متن قرآن کریم شود. وی در پایان تأکید کرد: در خلق يك ترجمه تصویری از قرآن کریم زیبایی‌شناسی ظاهری حرف اول را نمی‌زند، بلکه خیلی از ظرائف وجود دارد که تصویرکردن آن‌ها به دلیل نیازمندی به درك ابعاد ملکوتی آن‌ها دقت نظر بالایی می‌طلبد. در واقع بیان هر بخش از این موضوعات قرآن کریم شأنی نیستی دارد که باید به شکل ویژه‌ای به آن توجه شود.

درباره محمدحسن راستگو
فرهنگ: محمد حسن راستگو در سال ۱۳۳۲ هجری شمسی در شهر مشهد به دنیا آمد، او در سال دوم دبیرستان به حوزه علمیه مشهد وارد و سطح را در مشهد و تتمه سطح و دروس خارج حوزه را در قم گذراند. کد مطلب: ۹۲۱۲ او مبتکر برنامه ویژه تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان به صورت کلاس، اردو، دروس کلاسیک برای مربیان پرورشی، مراکز تربیت معلم، حوزه‌های علمیه و صدا و سیمای جمهوری اسلامی است (برنامه‌های بازی با کلمات، راز دایره‌ها و غیره). تحقیقات او در زمینه‌های عقاید، تعلیم و تربیت، روانشناسی، اخلاق، احکام، تاریخ، قصص قرآن، قصص کودکان و نوجوانان، مشاوره و راهنمایی، تفسیر قرآن، مسائل اجتماعی، ادبیات عرب، ادبیات فارسی، شعر و برنامه‌ریزی درسی است. در زمینه شعر هم آثاری از ایشان می‌توان دید، دو جلد کوچک آی بچه‌ها آی بچه‌ها، گردآوری کتاب شعر و سرود (سرودهای اسلامی) با همکاری آقای سالاری از آن جمله می‌باشد. در زمینه قصه هم آثار متعددی را می‌توان از ایشان یافت از آن جمله می‌توان: الیاس پیغمبر خدا، مهاجرت به حبشه، با شهامت می‌پریم و... را نام برد. از دیگر فعالیت‌های ایشان می‌توان موارد ذیل را نام برد:

- همکاری چند ساله با مجله کودک مسلمان در اواخر انقلاب و چاپ ده‌ها شعر و قصه.
- مدیریت مرکز تربیت مربی که در این مرکز فعالیت‌های ذیل قابل توجه است:
- تدریس ۲۵ دوره تربیت مربی مقدماتی کلاس‌داری، امور اردو داری، قصه‌گویی، روش‌های برخورد با کودکان و نوجوانان، مسابقات، دروس عمومی مبانی تعلیم و تربیت، مهارت‌های تدریس برای طلاب حوزه علمیه قم و ده دوره در شعبه دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان و ۱۳ دوره در دفتر تبلیغات اسلامی مشهد، که بیش از چهار هزار نفر از این اردوها فارغ التحصیل و ده‌ها شاعر کودک، نویسنده کودک، برنامه‌ریز کودک، طراح برنامه‌های تلویزیونی، کارشناس و محقق تحویل جامعه اسلامی ایران داده شده است.
- کتاب‌های ره توشه راهیان نور در مقطع ابتدایی و راهنمایی کتاب‌های مختلف وجزوات گوناگون و صدها مقاله و شعر و قصه و تحلیل در نشریات کودک و نوجوان و غیر آنها ثمره این مدیریت بوده است.
- ارتباط با ۵۰ سایت کودکان و نوجوانان و بهره‌گیری از تجارب دیگران مرتبط با سایت‌های اسلامی در اینترنت
- سفرهای تبلیغی و تحقیقی به عربستان سعودی، ۱۷ سفر حج و عمره و عتبات، سوریه، لبنان، ترکیه، پاکستان، قطر، امارت متحده عربی، مراکش، اسپانیایی، عراق و...
- همکاری با اکثر نهادهای انقلاب اسلامی و شرکت در برنامه‌ریزی بسیاری از تشکیلات فرهنگی و غیره...
- تدریس موارد زیر در دانشگاه‌های آزاد اسلامی قم، دانشکده اصول دینی، دانشکده ارشاد در قم:
- قصه‌گویی و نمایش خلاق
- مشاوره و راهنمایی امور عمومی کودکان و نوجوانان
- بررسی تحلیلی قصه‌های قرآن و تنزیه الانبیا
- نقش ریتم و سرود در تربیت
- نقش مسابقات در پیشبرد مسائل تربیتی
- بررسی سیستم‌ها
- سخنرانی‌ها فراوان در نماز جمعه‌های کشور (قبل از خطبه‌ها)، دانشگاه‌ها، مراکز تربیت معلم، سمینارهای کشوری و غیره.

- جلسات فراوان پرسش و پاسخ تربیتی، آموزشی، اجتماعی و غیره.
- مدیریت تربیت مربی تدریس برنامه‌ریزی و غیره/ مرکز تبلیغات اسلامی مرکز مدیریت/ ۱۳۵۹. تا کنون
- عضو، کارشناس، محقق/ سازمان پژوهشی و برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی/ ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۲.
- مدیریت مبارزه با منکرات کل کشور و مشاور فرهنگی فرماندهی کل/ کمیته انقلاب اسلامی/ ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹.
- محقق، کارشناس، برنامه ریز، مجری و...، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۲.
- عضو بررسی کتاب کودک و نوجوانان، اداره کل ارشاد اسلامی قم، ۱۳۸۲.
- حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه‌السلام: در آیات قرآن تدبیر کنید و از آن عبرت آموزید زیرا قرآن رساترین پندها و عبرت‌هاست// غرر الحکم/ ۱۹۸۵
- رئیس مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان دفتر تبلیغات اسلامی
- مبلغان با علوم روانشناسی آشنا شوند

رئیس مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم گفت: مبلغان حتی باید در فعالیت‌های تبلیغی خود، از علوم روان‌شناسی بهره بگیرند تا بتوانند مطالب مورد نظر را به شکل بهتری به مخاطبان خود ارائه کنند. به گزارش مرکز خبر حوزه، به نقل از روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی، حجة الاسلام والمسلمین محمدحسن راستگو در بازدید اعضای سازمان امامیه پاکستان از مرکز آموزش‌های فرهنگی - کاربردی این دفتر، با اشاره به اهمیت توجه به فعالیت‌های فرهنگی گفت: جامعه نیازمند فعالیت‌های متنوع فرهنگی است و باید در این زمینه، برنامه‌ریزی‌های لازم صورت گیرد. وی با اشاره به این‌که مبلغان می‌توانند در ارتقای سطح فرهنگی جامعه نقش مؤثری را ایفا کنند، خاطر نشان کرد: یکی از مهمترین وظایف مبلغان، جلوگیری از تحریف دین است و به همین دلیل، باید به آموزش مبلغان توجه لازم صورت گیرد، تا آن‌ها بتوانند به طور شایسته، به وظایفی که از آنان انتظار می‌رود را انجام دهند. رئیس مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان دفتر تبلیغات اسلامی، تقویت بعد معنوی در مردم را یکی از مهمترین وظایف مبلغان برشمرد و تأکید کرد: مبلغان در صورتی که معنویت و بصیرت جامعه را ارتقا دهند، به خوبی در برابر حمله‌های دشمنان، ایستادگی خواهند کرد. استاد راستگو مخاطب‌شناسی را یکی از مهمترین مسایل در فعالیت مبلغان ذکر و تصریح کرد: باید در فعالیت‌های تبلیغی، ضمن در نظر گرفتن سن افراد، از ابزارهای لازم نیز در این زمینه استفاده کرد. رئیس مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات اسلامی، با اشاره به این‌که فعالیت‌های تبلیغی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، دینی و... صورت می‌گیرد، گفت: باید تلاش کنیم تا از نفوذ دشمن به کشور، جلوگیری به عمل آید و مبلغان در این زمینه می‌توانند، بسیار مؤثر باشند.

سوال و جواب بچه‌ها در مورد دین

استاد راستگو- مشاور مذهبی سوال: پسر کلاس اول است. او برخی مسائل دینی و مذهبی را از هم‌کلاسی‌هایش می‌شنود و برخی موضوع‌ها را هم معلم آن‌ها مطرح می‌کند، اما معلم، فرصت پاسخگویی به سؤال‌های عادی بچه‌ها درباره آن موضوع دینی را ندارد یا نمی‌تواند به همه سؤال‌ها پاسخ دهد. او این پرسش‌ها را از من و پدرش می‌پرسد که برخی از آن‌ها را به راحتی نمی‌توان پاسخ داد. از سوی دیگر نگرانیم دوگانگی در پاسخ‌های ما و معلم ایجاد شود. راه حل چیست؟ جواب کارشناس مربوطه: درباره پاسخ به سؤال‌های فراوانی که برای بچه‌ها به وجود می‌آید، به خصوص درباره مسائل دینی یا اعتقادی، اگر خود پدر و مادر، اهل مطالعه و دارای تخصص در این‌باره هستند، می‌توانند به زبان شیرین کودکان، به بچه‌ها پاسخ بدهند. اگر نه، بهتر است با معلم او تماس بگیرند و از او بپرسند که چه مسائلی را مطرح کرده که برای بچه‌ها، ابهام یا سؤال پیش آمده است. اگر معلم می‌تواند پاسخ دهد که از او کمک بخواهند، در غیر این صورت، همراه معلم، به یک متخصص علوم دینی مراجعه کنند تا به آن‌ها پاسخ لازم را بدهد. همچنین می‌توان سیدی، کتاب یا دی‌وی‌دی معتبر که پاسخ سؤال‌ها را داده یا موضوع‌های دینی را به زبان ساده شرح داده، به کودک یا نوجوان داد تا خودش هم، شیوه تحقیق یا یافتن پاسخ سؤال‌هایش را فرا بگیرد. یکی از توفیقاتی که در این سال‌ها نصیب شده است فرصتی است که هر از گاهی برای دیدار با مراجع عظام و ارائه گزارش پیدا کرده‌ام. در شهرداری تهران نیز همواره همین‌طور بوده است. در این سفرها متوجه شدم که آقایان مراجع حساست و ویژه‌ای به موضوعات شهر تهران دارند و پیگیر وضعیت کارهای در حال انجام در تهران هستند. آنقدر که گاهی لازم می‌شود در مورد جزئی‌ترین مسائل هم توضیح بدهم. این همه توجه همیشه باعث دلگرمی‌ام می‌شد. سال گذشته توفیق پیدا کردم که حضرت آیت‌الله العظمی بهجت را ملاقات کنم. وقت اذان ظهر بود که در خدمت ایشان بودم. سخنان ارزشمند این مرجع و عالم بزرگ انگار جواب سؤال‌های نپرسیده‌ام بود. بخشی از فرمایشاتشان در مورد وظایف ما در راهنمایی مردم و مراقبت از گمراه کردن آنها بود. بخشی دیگر هم حرف‌هایی بود که از مدت‌ها قبل ذهنم را درگیر خودش کرده بود و اهمیتش را خوب می‌دانستم. اینکه بسیجی کسی است که برای خدا کار می‌کند، نه برای خود. اینکه راز موفقیت ما در جنگ هم همین بود: دعوت به سوی خدا نه به سوی خود. اما مهم‌تر از سخنان حکمت‌آمیز ایشان، رفتار و حکمت عملی آن بزرگمرد بود. خانه‌ای ساده و بدون تشریفات، رفتاری بی‌تکلف و بی‌آلایش، استفاده از وقت هرچند اندک و تجسم زهدی که به آن سخت نیاز داریم. معلوم بود که ایشان خود به کیمیای سعادت که یاد خداست دست یافته‌اند و ذکر را به ذکر عملی (و نه لسانی) و پرهیز از محرمات در همه جوانب آن تبدیل کرده‌اند اینگونه است که نگاه به عالم عبادت می‌شود چون نگاه به او ذکر خداست و تذکر پایان و سرانجامی که همه ما به سوی آن روانه‌ایم. اکنون ایشان به دیار باقی شتافته‌اند و در جوار امن و رضای خدا آرام گرفته‌اند. اما راه، تفکر و فرمایشات گوهر بارشان همچنان و تا همیشه روشنی‌بخش و راهگشای ما خواهد بود. شنیدن آنها را برای هر کسی لازم می‌دانم. ایشان فرمودند: "مراقبت کنید مردم را راهنمایی کنید، گمراه‌ها را راهنمایی کنید. مردم را گمراه نکنید. خدا را راضی کنید نه افراد را. پناه ببرید به خدا در کلیات و جزئیات، يك لحظه غافل نشوید. شما مثل يك آدم عادی نیستید. هر طوری بشود هر کاری بکنید در کلیات و جزئیات به شما نگاه می‌کنند و مواظبند از شما ایراد بگیرند. يك ریسمانی در بالای سرتان داشته باشید و به آن چنگ بزنید. همیشه متکی به خدا و متکی به خواست او باشید. او که راضی بود غصه ندارد که دیگران هستند یا نیستند. از شما خوششان می‌آید یا نمی‌آید؟ البته در وسایل (رضایت و تقرب به خدا) چیزی که مختصر و کارکن و مفید باشد صلوات زیاد است و با آن خدا شما را بالا می‌برد. او حاضر است و ما را می‌بیند ما او را نمی‌بینیم، همانطور که امام ما حاضر است و ما از او غایبیم، (متوجه او هم باشید). امام زمان (عج) حرف مرا پیش از آنکه شما از من بشنوید می‌شنود. آنها عین الله الناظره و اذن الله الواعیه هستند، حرف شما را هم قبل از آنکه من بشنوم آنها می‌شنوند. کارتان برای او باشد.

رئیس شدید راستگو باشید. باید طوری باشد که همیشه خدا را بلکه ولی خدا را ناظر و بصیر در جزئیات و کلیات کارتان بدانید. «تمیدونم شما از برکات معنوی ایشان در آن جلسه چقر فیض برده‌اید. قالیباف الحمد لله الذی جعلنا من المتمدنین بولایت امیرالمومنین علی علیه السلام ارسال توسط nekuee در تاریخ ۱۳۸۸ سه شنبه ۱۲ خرداد ۰۸:۲۷ ب.ظ

؛ استاد راستگو خواستار تولید نرم افزار با رویکرد اسلامی برای کودکان شد در گفت و گو با نورسافتنی استاد راستگو گفت: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی بعنوان یکی از بزرگترین و موفق ترین مراکز علمی، پژوهشی تحقیقاتی و تولیدکننده و عرضه نرم افزارهای اسلامی می تواند نقش بسزایی در باور ساختن بُعد معنوی جوانان داشته باشد. وی روز شنبه در گفت و گو با خبرنگار نورسافت، افزود: اگر مسوولان و دست اندرکاران مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی بخشی را به منظور تولید نرم افزار، ویژه گروه سنی جوانان و نوجوانان با رویکردی اسلامی و آمیخته با معارف اهل بیت(ع) راه اندازی کند گام بزرگی را در راستای تقویت ابعاد معرفتی نسل جوان جامعه برداشته است. تولید نرم افزار در حیطه سنی کودکان و بکاربردن طراحی و گرافیک شاد و جذاب می تواند زیرساخت های اسلامی و معرفتی آنان را از امروز شکل داد. منبع خبر: پایگاه نورسافت

«محمدحسن راستگو»؛ میهمان هفتمین نشست با خادمان قرآن گروه ادب: هفتمین نشست تخصصی با خادمان قرآن کریم جمعه ۲۰ شهریور با حضور «محمدحسن راستگو» برگزار می‌شود. جنگ شادی مهدوی در کرمان برگزار شد. به گزارش کمیته اطلاع رسانی همایش بین المللی دکترین مهدویت، به مناسبت میلاد باسعادت حضرت ولی عصر(عج) با همکاری اداره کل ارشاد اسلامی و صدا و سیمای استان کرمان جنگ شادی مهدوی ویژه کودکان و نوجوانان صبح امروز در ساختمان ارشاد کرمان برگزار شد. بنابر این گزارش این برنامه که توسط استاد راستگو از اساتید فن حوزه تربیت دینی کودکان و نوجوانان اجرا گردید و توسط سیمای کرمان به صورت زنده پخش شد. جنگ شادی مهدوی از مجموعه برنامه های به اجرا گذاشته شده از سوی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان با همکاری نهادهای دیگر برگزار شد. در این برنامه که دارای بخش های جذاب و دیدنی فراوانی بود کودکان و نوجوانان کرمانی نیز حضور فعالی داشتند. حجه الاسلام راستگو: هورا کشیدن و کف زدن در برنامه های کودک قابل پذیرش نیست. استاد راستگو اختلاط دختر و پسر را از اشکالات دیگر برنامه فیتیله دانست و گفت: هر چند بچه های حاضر در این برنامه کوچکند و از نظر شرعی، تکلیفی ندارند و من هم انسان تنگ نظری نیستم که حجاب کامل را برای بچه های نابالغ واجب بدانم، ولی مساله این است که دختر بچه باید بداند پوشش او با پسرها فرق دارد و مجاورتش با آنها کار درستی نیست، از این رو می توان با پوشاندن لباس های رنگی زیبا با پوشش مناسب به دختر بچه ها، آنها را از کودکی با این مفاهیم آشنا کرد و در برنامه های تلویزیونی هم می توان آنها را از هم جدا، یا يك برنامه ویژه دختران و يك برنامه ویژه پسران تولید کرد. استاد راستگو با اشاره به نقاط مثبت و منفی برنامه کودک فیتیله جمعه تعطیله، استفاده از دیدگاه های يك روحانی آشنا به مبانی هنر را موجب رشد سطح کیفی و محتوایی این برنامه دانست. به گزارش رسا، حجت الاسلام محمدحسن راستگو، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم با اشاره به نقاط مثبت و منفی برنامه تلویزیونی «فیتیله جمعه تعطیله» که روزهای جمعه از شبکه دوم سیما پخش می‌شود، اظهار داشت: استفاده از دیدگاه های يك کارشناس روحانی که افزون بر آگاهی عمیق از مبانی دینی، با زبان هنر هم آشنا باشد، رشد سطح کیفی و محتوایی این برنامه پر بیننده را در پی دارد. وی با بیان این که اگر چنین کارشناسی پیش از پخش برنامه در مورد تئنگ آیت های برنامه نظر دهد، بی گمان انتقادهایی که درباره این برنامه وجود دارد به حداقل می‌رسد، افزود: افزون بر کارشناس دینی باید کارشناسان آموزشی و روان شناسی در هنگام تهیه این برنامه حضور داشته باشند و درباره مسایل مختلف از جمله میزان اثربخشی از راه القاء مستقیم یا غیرمستقیم پیام های خاص نظر دهند. رئیس مرکز پرورش مربی کودک و نوجوان با اشاره به این که در ساخت برنامه های تلویزیونی باید نیاز عمومی مردم در نظر گرفته شود، افزود: توقع ما از برنامه فیتیله این نیست که به بچه ها نماز جماعت یاد دهد، ولی اگر يك سری مفاهیم دینی به صورت غیرمستقیم و رقیق با محتوای زنده و شاد در این برنامه گنجانده شود و در دراز مدت هدف مشخصی را پی گیری کند، کار ارزشمند و تاثیرگذاری به یادگار خواهد ماند. استاد راستگو درباره ویژگی های يك برنامه کودک اظهار داشت: برنامه های کودک باید از نظر روان شناسی متناسب با سن، جنس، معلومات و فرهنگ زیست کودک باشد. وی ادامه داد: محتوای برنامه های کودک باید رقیق، متنوع، زیبا و با القای غیرمستقیم مطالب همراه باشد و افزون بر آن از قالب های مختلف اجرا مانند قصه، نمایش، شعر، سرود، پرسش و پاسخ، مسابقه و حرکات ورزشی در آن استفاده شود. استفاده از سیستم های دیجیتال برای تنوع بخشی به برنامه ها، بکارگیری دکور مناسب با رنگ آمیزی شاد و بهره مندی از هنرمندانی که اجرای جذاب و قوی دارند را از دیگر عوامل اثرگذار در برنامه های ویژه کودک و نوجوان برشمرد و ابراز داشت: به هر حال یکی از رسالت های هنر افزون بر آموزش بودن، پرکردن اوقات فراغت و ایجاد زمینه برای تفریح سالمی است که در روایات به آن اشاره شده است، ولی باید توجه داشت که تولید برنامه های شادی مثل فیتیله هم می تواند همراه با محتوایی متناسب با آموزه های دینی و اجتماعی باشد. این پژوهشگر کودک و نوجوان حضور خود را در برنامه فیتیله و عمو پورنگ منتفی دانست و خاطرنشان کرد: حضور يك شخصیت حقیقی و حقوقی با لباس روحانیت در چنین برنامه هایی که همراه با تحرك وسیع و قوی هنرمندان آن است، هیچ تناسبی ندارد و

تاثیرگذار هم نیست، هر چند می‌توان به صورت کمی و جنبی مثل تماس تلفنی در این برنامه حاضر شد. کاری که بنده در ماه رمضان دو سال پیش در برنامه عموپورنگ تجربه کردم و ضمن پاسخ دادن به سؤال مجری، شعاری را برای گنجاندن مسایل اخلاقی، تربیتی و فقهی در این برنامه مطرح می‌کردم. وی با اشاره به این که به تهیه کننده برنامه عموپورنگ پیشنهاد کرده تا هفته‌ای یک جلسه با حضور در این برنامه برای بچه‌ها قصه بگوید، ادامه داد: با وجود اعلام آمادگی، جواب مثبتی از سوی دست‌اندرکاران این برنامه دریافت نکردم. استاد راستگو مقایسه برنامه فیتیله با عموپورنگ را کار نادرستی دانست و افزود: آیتم‌های خاص، اشعار و حتی مجری کمی برنامه عموپورنگ (امیرمحمد) با حال و هوایی که در برنامه فیتیله وجود دارد کاملاً متفاوت است. وی با اشاره به این که ساخت برنامه‌ای مانند فیتیله بسیار سخت و سنگین است، گفت: ایجاد تناسب بین اشعار، حرکات و دیالوگ‌ها با موسیقی برنامه و استفاده کمتر از اشعار و سرودهای تکراری کار زیاد و حساب شده‌ای را می‌طلبد، این در حالی است که در برنامه عموپورنگ با وجود جذابیتی که دارد، بسیاری از اوقات سرودهای تکراری از روی سیدی پخش می‌شود و مجری برنامه تنها لب‌خوانی می‌کند. مساله هورا و جیغ کشیدن و سوت و کف زدن را در برنامه‌های کودک قابل پذیرش ندانست و ادامه داد: هر چند شاید بتوان از کف‌زدن با مسامحه گذشت، ولی در موارد دیگر باید تجدید نظر شود، چرا که نادرستی آن مثل کراهت وجود مجسمه در مکان نمازگزار است با این توجیه که امروزه در ایران کسی از دیدن مجسمه به یاد بت نمی‌افتد، ولی باید دانست که احکام اسلام تنها برای یک منطقه جغرافیایی مثل ایران نیست و همین الان در کشورهایی مانند هند بت‌پرستی رواج دارد. به هر حال سخن این است که چرا ما با این فرهنگ قوی دینی و ایرانی، نوآوری نکنیم و لفظی را بر اساس فرهنگ و مذهب خودمان ابداع نکنیم و از الفاظی مانند هورا استفاده کنیم که شاید مخفف هورامزدای زرتشتیان است که هنگام روشن کردن آتش آن را بیان می‌کردند. وی در ادامه اظهار داشت: جیغ زدن مساله‌ای است که به نظر برخی روان‌شناسان انسان را از نظر روانی تخلیه می‌کند، ولی عادت دادن بچه‌ها به آن افزون بر این که در زندگی شهرنشینی کنونی حقوق دیگران را ضایع می‌کند، متناسب با جایگاه یک برنامه تلویزیونی که باید آموزنده و سازنده باشد، نیست. استاد راستگو اختلاط دختر و پسر را از اشکالات دیگر برنامه فیتیله دانست و گفت: هر چند بچه‌های حاضر در این برنامه کوچکند و از نظر شرعی، تکلیفی ندارند و من هم انسان تنگ‌نظری نیستم که حجاب کامل را برای بچه‌های نابالغ واجب بدانم، ولی مساله این است که دختر بچه باید بداند پوشش او با پسرها فرق دارد و مجاورتش با آنها کار درستی نیست، از این رو می‌توان با پوشاندن لباس‌های رنگی زیبا با پوشش مناسب به دختر بچه‌ها، آنها را از کودکی با این مفاهیم آشنا کرد و در برنامه‌های تلویزیونی هم می‌توان آنها را از هم جدا، یا یک برنامه ویژه دختران و یک برنامه ویژه پسران تولید کرد. وی با بیان این که طرب انگیز نبودن، متناسب نبودن با مجالس لهو و لعب و افسادگر نبودن شعر از ویژگی‌های موسیقی حلال است، بیان داشت: مساله موسیقی از دیرباز در صدا و سیما مطرح بوده و درباره معیارهای موسیقی مذهبی دیدگاه‌های فراوانی مطرح شده است؛ اما آنچه اهمیت دارد این است که نظام اسلامی با موسیقی مخالف نیست و اگر کسی به طور مطلق مخالف آن باشد، این مخالفت نظر شخصی اوست و نمی‌تواند برای نظام اسلامی دستور العمل باشد. استاد راستگو ادامه داد: به هر حال سازندگان برنامه فیتیله باید نسبت به انتخاب موسیقی‌ها دقت کافی داشته باشند و در حین اجرا نیز حرکات خود را کنترل کنند، چرا که در برخی موارد دیده شده که این حرکات بر بچه‌ها به ویژه دختر بچه‌هایی که در منزل این برنامه را تماشا می‌کردند، تأثیرگذار بوده و آنها را به حرکت واداشته است. وی با انتقاد از خواندن برخی اشعار به زبان‌های محلی در برنامه فیتیله گفت: آنجا که زبان اصلی در ایران، فارسی است باید این اصل در همه برنامه‌ها اجرا و یا ترجمه آنچه به زبان محلی خوانده می‌شود نیز برای بچه‌ها بیان شود. یکنواختی برنامه فیتیله به خاطر اجرای دائمی در استودیو را از دیگر اشکالات این برنامه دانست و ابراز داشت: هر چند اجرای برنامه در محیط باز کار دشواری است و عوامل فنی برنامه را بسیار اذیت می‌کند، ولی این سختی کار در برابر زیبایی و تنوع اثرگذار بر برنامه ناچیز است. وی نام فیتیله را به دلیل عوامانه و غیر متداول بودن آن برای این برنامه متناسب ندانست و خاطر نشان کرد: در انتخاب یک نام برای برنامه کودک باید درک مفهوم آن از سوی بچه‌ها مورد توجه قرار گیرد. استاد راستگو ادامه داد: از آنجا که روز جمعه، عید آل محمد (ص) است و ظهور حضرت حجت (ع) نیز در این روز خواهد بود، جا دارد هم در برنامه فیتیله و هم در برنامه عموپورنگ روی این مساله بیشتر و با ظرافت افزون‌تری کار شود. وی حضور مجری زن در برنامه فیتیله را غیر ضروری دانست و گفت: این به معنای بی‌توجهی به جنس زن نیست؛ بلکه حال و هوای موجود در این برنامه با حضور مجری خانم تناسبی ندارد. این پژوهشگر کودک و نوجوان در پایان با اشاره به جایگاه ویژه صدا و سیما به عنوان رسانه‌ای مؤثر و فراگیر در کشور گفت: ساخت یک برنامه سازنده در این رسانه می‌تواند یک نسل را تحت پوشش و اثر خود قرار دهد.

مبلغان با علوم روانشناسی آشنا شوند

استاد راستگو به گزارش مرکز خیر حوزه به نقل از روابط عمومی و امور بین‌الملل دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، استاد راستگو در بازدید اعضای سازمان امامیه پاکستان از مرکز آموزش‌های فرهنگی کاربردی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم با اشاره به اهمیت توجه به فعالیت‌های فرهنگی گفت: جامعه نیازمند فعالیت‌های متنوع فرهنگی است و باید در این زمینه برنامه‌ریزی‌های لازم صورت گیرد. وی با اشاره به اینکه مبلغان می‌توانند در ارتقا سطح فرهنگی جامعه نقش موثری را ایفا کنند، خاطر نشان کرد: یکی از مهمترین وظایف مبلغان جلوگیری از تحریف دین است و به همین دلیل باید به آموزش مبلغان توجه لازم صورت گیرد، تا آنها بتوانند به وظایفی که از آنان انتظار می‌رود

به شکل شایسته بپردازند. رئیس مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، تقویت بعد معنوی در مردم را یکی از مهمترین وظایف مبلغان برشمرد و تاکید کرد: مبلغان در صورتی که معنویت و بصیرت جامعه را ارتقا دهند، به خوبی در برابر همه‌های دشمنان ایستادگی خواهند کرد. استاد راستگو، مخاطب‌شناسی را یکی از مهمترین مسائل در فعالیت مبلغان ذکر و تصریح کرد: باید در فعالیت‌های تبلیغی ضمن در نظر گرفتن سن افراد از ابزارهای لازم نیز در این زمینه استفاده کرد. رئیس مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم با اشاره به اینکه فعالیت‌های تبلیغی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، دینی و... صورت می‌گیرد، گفت: باید تلاش کنیم تا از نفوذ دشمن به کشور جلوگیری به عمل آید و مبلغان در این زمینه می‌توانند بسیار موثر باشند. ۱۹ بهمن ۱۳۸۸ محمد حسن راستگو

استاد راستگو: کف زدن و هورا کشیدن در برنامه کودک قابل پذیرش نیست!

استاد «محمدحسن راستگو» هورا کشیدن، کف زدن، اختلاط دختر و پسر و موسیقی برنامه های کودک را قابل پذیرش ندانست. رئیس مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم به طور مشخص برنامه تلویزیونی «فیتله جمعه تعطیله» را که صبح های جمعه از شبکه دوم سیما پخش می شود، مورد ارزیابی قرار داد و گفت: «اختلاط دختر و پسر از اشکالات برنامه فیتله است. هر چند بچه های حاضر در این برنامه کوچکند و از نظر شرعی، تکلیفی ندارند و من هم انسان تنگ نظری نیستم که حجاب کامل را برای بچه های نابالغ واجب بدانم، ولی مساله این است که دختر بچه باید بداند پوشش او با پسر ها فرق دارد و مجاورتش با آنها کار درستی نیست، از این رو می توان با پوشاندن لباس های رنگی زیبا با پوشش مناسب به دختر بچه ها، آنها را از کودکی با این مفاهیم آشنا کرد و در برنامه های تلویزیونی هم می توان آنها را از هم جدا، یا یک برنامه ویژه دختران و یک برنامه ویژه پسران تولید کرد.» این پژوهشگر کودک و نوجوان حضور خود را در برنامه فیتله و عمو پورنگ منتقدی دانست و خاطر نشان کرد: «حضور یک شخصیت حقیقی و حقوقی با لباس روحانیت در چنین برنامه ها یی که همراه با تحرک وسیع و قوی هنرمندان آن است، هیچ تناسبی ندارد و تاثیر گذار هم نیست، هر چند می توان به صورت کمکی و جنبی مثل تماس تلفنی در این برنامه حاضر شد.» نگاه دقیق به تربیت بچه ها از هیچ کارشناسی پوشیده نیست اما چرا ما اصرار داریم که رعایت چارچوب های تربیتی به معنای نفی شادی و نشاط بچه هاست ؟؟؟؟ جالبه! هر وقت تو سیاست و روابط بین المللی کم میارند به ملت بد بخت گیر میدن؟ به کودکان هم حق شاد بودند ندارند؟ تو مملکت دینی همه باید دائم در غم غصه باشند؟؟ منبع: اعتماد ملی

شعر و نقاشی می‌تواند جایگزین متن در ترجمه قرآن برای کودکان شود.

ترجمه- همشهری آنلاین: استاد راستگو با تأکید بر استفاده از تصاویر در ترجمه قرآن ویژه کودکان گفت: در ترجمه قرآن برای کودکان گاهی می‌توان شعر و نقاشی را جایگزین متن کرد. حجت‌الاسلام والمسلمین «محمدحسن راستگو»، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و پژوهشگر حوزه ادبیات قرآنی کودک و نوجوان، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان اینکه در ترجمه قرآن کریم برای کودکان و نوجوانان با چند محدودیت روبرو هستیم، گفت: اولین محدودیت مربوط به مسائل فقهی و محدودیت دوم، محدودیت مسائل اجتماعی است، مانند شرح قصاص‌هایی که درباره مفسدین فی الارض در برخی آیات آمده است، مثل بریدن دست‌ها و ما اگر بخواهیم از این آیات ترجمه صریح و مستقیمی داشته باشیم، مخاطبان کودک با توجه به لطافت روحی‌شان ممکن است ظرفیت پذیرش این محتواها را نداشته باشند. راستگو محدودیت سوم را تصویرگری این ترجمه دانست و اظهار کرد: ترجمه و تفسیر قرآن برای بچه‌ها بدون تصویر خیلی خسته‌کننده و غیرقابل قبول خواهد بود، ولی از سوی دیگر ما در تصویرگری چند محدودیت داریم؛ به عنوان مثال یک محدودیت در زمینه جغرافیای تاریخی است، یعنی اگر بخواهیم نحوه زیست و شکل ساختمان‌های آن دوران را با همان سبک زنده کنیم، شاید برای بچه‌های امروز خیلی خوشایند نباشد. محدودیت‌های زیادی در ترجمه قرآن برای کودکان وجود دارد. وی افزود: محدودیت دیگر به تصویرگری پیامبران و بزرگان برمی‌گردد که در این مورد در وهله نخست باید مراجع عظام تبیین کنند که آیا کشیدن تصویر یک پیامبر اشکال دارد یا خیر؟ ضمن اینکه ما هیچ مستندی از تصاویر پیامبران و ائمه (ع) نداریم و هر چه هست تخیلات تصویرگران و نقاشان است. با این محدودیت نمی‌توانیم در تصویر به صورت قاطع چیزی را به معصومین (ع) نسبت دهیم. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم محدودیت دیگر تصویرگری را مربوط به احکام فقهی گذشتگان دانست و افزود: در گذشته احکامی بوده که بعدها به صورت‌های دیگر نسخ شده یا تکمیل گشته است. برای مثال در گذشته حجاب الزامی نبوده و اگر ما بخواهیم تصاویر بانوان آن زمان را بازسازی کنیم، ممکن است با مشکل مواجه شویم. راستگو محدودیت بعدی را محدودیت محتوایی نامید و افزود: اگر بخواهیم قرآن را کلمه به کلمه به فارسی برگردانیم، دچار مشکلات زیادی خواهیم شد. مثلاً وقتی حدود ۲۵ یا ۳۰ ترجمه قرآن را نگاه می‌کنیم، می‌بینیم هیچ‌کدام آن گونه که باید، برای اندیشه کودکان و نوجوانان رسا نیستند و نمی‌توان بسیاری اصطلاحاتشان را بدون توضیح برای بچه‌ها بیان کرد. این مبلغ دینی ادامه داد: از سوی دیگر اگر هم به دنبال برداشت آزاد باشیم باز بسیار تفسیر به رأی خواهیم داشت. چرا که اگر ما بخواهیم به شکل برداشت آزاد با قرآن برخورد کنیم، ناچاریم موضوعی از خودمان به آن اضافه یا از آن کم کنیم. ضمن اینکه اگر بخواهیم یک سری مفاهیم را به عنوان تشریح محتوایی هم‌زمان با ترجمه ارائه کنیم در آن صورت نیز باید در نظر داشت که خود تفسیرها هم در برخی جاها تضاد زیادی دارند و مثلاً تفسیرهای شیعه، سنی، روانی، فلسفی و... داریم. وی تصریح کرد: بنابراین ما اگر

بخواهیم ترجمه‌ای برای کودکان داشته باشیم، باید از چند جنبه روی آن به طور عمیق کار کارشناسی زمان‌دار کنیم و نباید با عجله این کار را انجام دهیم. باید برای چنین اثری يك مجموعه عظیم تحقیقاتی - پژوهشی ایجاد شود تا در مورد تلكتك موارد مطرح شده فعالیت کند. مشکلات ترجمه قرآن کودکان با کار تیمی مرتفع می‌شود. به گفته این مبلغ دینی برای ترجمه قرآن کودکان اول باید از نظر متخصصان تفسیر، روانشناسی کودک، ادبیات عرب و ادبیات فارسی استفاده شود؛ یعنی این چهار گروه باید با هم روی اثر کار کنند و بررسی شود با توجه به سن و سال مخاطبان از چه سبکی می‌خواهند در این کار بهره ببرند. وی درباره مورد سوم که آن را مهم‌تر از موارد دیگر دانست، اظهار کرد: باید این اثر مورد مطالعه میدانی قرار گیرد، یعنی دانش‌آموزانی را از چند استان گزینش کنند و ترجمه و تفسیرها را همراه با تصاویرشان در اختیار آن‌ها قرار دهند و نحوه برخوردشان و نظرهای کتبی و شفاهی‌شان را جویا شوند. بعد با توجه به نظرات بچه‌ها، مربیان و پدران و مادران نتیجه را ارزیابی مقدماتی کنند و اگر جواب مثبت بود، آن روال را در کارهای بعدی نیز ادامه دهند. راستگو ادامه داد: من قائل به متن واحد نیستم و اعتقاد به تنوع آیتم‌ها دارم. ما در سازمان پژوهش، برنامه‌ریزی و تالیف کتاب‌های درسی حدود هفت سال با جمعی از متخصصان درباره کتاب «هدیه‌های آسمانی» کار کردیم. بعد از این مدت به يك سبك مشترك نقاشی یا سبك مشترك تالیف نرسیدیم. با اینکه ممکن بود ضرر اقتصادی هم داشته باشد بارها نقاشی‌ها را عوض کردیم. چرا که نقاشی‌ها با محتواها سازگاری نداشت، البته مشکلاتی این چنین را می‌توانیم با کار تیمی حل کنیم. این مبلغ دینی اظهار کرد: در قالب متنوع مثلاً در ترجمه يك جمله زیبا از سوره الرحمن به جای متن، يك نقاشی، يك تصویر زیبای طبیعت، يك شعر زیبا یا کاری معمایی و... می‌تواند طوری تصویر آن آیه را در ذهن مخاطب ایجاد کند که نیاز به متن نداشته باشد و در واقع متن را القای غیرمستقیم کند. حالا اگر هم خواستند ارجاع دهند می‌توانند در پاورقی ترجمه آن آیه را بنویسند. وی ادامه داد: به هر حال ما به دنبال ترجمه رسمی نیستیم و می‌خواهیم با دنیای خیال کودک با او سخن بگوییم. برای همین می‌توانیم با کارشناسی تصویرگر را انتخاب کنیم یا مثلاً شعر مورد نیاز را سفارش دهیم تا در نهایت بتوانیم متن را به صورت غیر مستقیم به مخاطب القا کنیم. ما لزوماً به متن به عنوان محتوای تطبیقی احتیاج نداریم. راستگو با بیان اینکه در چنین ترجمه‌ای خیلی از اصطلاحات اعتقادی، کلامی و فلسفی مثل اعجاز، عصمت، علم، غیب و... لازم نیست آورده شود، افزود: مثلاً اگر بخواهیم نبوت را برای مخاطبان توضیح دهیم نام نبوت و نبوت خاصه و عامه را نمی‌آوریم، بلکه تنها در قالب چند پیامبر این موضوع را برای آنان باز می‌کنیم. وی تصریح کرد: این تصور غلطی است که بگوییم اگر با کودک روبرو شدیم، تنها باید با الفاظ کودکانه با او حرف بزنیم. بلکه الفاظ تنها یکی از ابزارهای ارتباط با کودکان است. باید با کیفیت برداشت کودک با دنیای تصویرگری او و با دنیای خلاقش وارد شویم. در قرآن هم آمده که «ما پیامبران را نفرستادیم مگر با زبان قومشان». خود پیامبر هم می‌فرمایند که «ما پیامبران مامور شدیم با مردم به اندازه عقلشان حرف بزنیم». اگر پیامبر اسلام می‌خواست به اندازه عقل خودشان با مردم حرف بزنند، هیچ کس حرفشان را نمی‌فهمید. ترجمه‌ای از قرآن متناسب با سن مخاطب ارائه کنیم. وی ادامه داد: حتی امام خمینی (ره) هم دو نوع سخنرانی داشتند؛ یکی در حسینیه جماران و... که همه مردم از بی‌سواد و عامی و فیلسوف همه آن را می‌فهمیدند و دیگری مثلاً در تفسیر سوره حمد که خیلی از بزرگان مدعی علم نیز برایشان اشکال ایجاد شده بود و حتی بعضی از مفاهیم بلند امام را نتوانستند درک کنند. یعنی اگر امام می‌خواستند به اندازه عقل خودش با مردم صحبت کنند مردم خیلی دچار مشکل می‌شدند. استاد راستگو در پایان بیان کرد: حال ما هم درباره قرآن باید به مخاطب کودکان و نوجوان نگاه کنیم و متن و محتوا را با توجه به ظرفیت و پذیرش او مطرح کنیم، چرا خدا قرآن را با قصه و مثال برای ما نازل کرده است؟ چون ظرفیت ما که از محسوسات به معقولات می‌رسیم، قالبی و محدود است. وقتی خدا می‌خواهد مسائل معنوی مثل معاد، معنویت، جن، شیطان و... بیان کند در قالب مثل و قصه بیان می‌کند. بنابراین از آنجا که خدا هم برای ما این مسئله را رعایت کرده است و به اندازه محدودیت فهم و بینش ما مسائل را بیان کرده است، ما نیز باید به ظرفیت مخاطبان توجه داشته باشیم.

تاریخ درج: ۱۲ آبان ۱۳۸۸ ساعت ۱۶:۳۷ تاریخ تایید: ۱۳ آبان ۱۳۸۸ ساعت ۰۰:۲۹ تاریخ به روز رسانی: ۱۳ آبان ۱۳۸۸ ساعت ۰۰:۲۷

پای منبر شیشه‌ای

دین- همشهری جوان: یکی از مهم‌ترین وظایف روحانیون تبلیغ دین است؛ برای همین است که مثلاً هر سال نزدیکی‌های ماه رمضان تعداد زیادی روحانی به عنوان مبلغ به مناطق مختلف می‌روند. از طرفی تلویزیون هم مهم‌ترین رسانه تبلیغاتی است و در حقیقت دانشگاهی است که حتی در دورترین دهکوره‌ها هم شعبه دارد (با تمام احترامی که برای دانشگاه آزاد قائلیم!)؛ بنابراین طبیعی است که در صداوسیما جمهوری اسلامی شاهد حضور روحانیون باشیم. تلویزیون سخنرانی‌های ضبط‌شده زیادی از روحانیون معروف را پخش کرده و می‌کند اما بعضی از روحانیون هم بوده و هستند که مقتضیات تلویزیونی را شناخته‌اند و در برنامه‌های خاص تلویزیونی و با زبان آن، تبلیغ دین می‌کنند. یکی از اولین برنامه‌های روحانی‌محور «با قرآن در صحنه» بود که توسط آیت‌الله طالقانی اجرا می‌شد. ضمن اینکه یکی از باسابقه‌ترین برنامه‌های تلویزیونی هم «درس‌هایی از قرآن» حجت‌الاسلام محسن قرائتی است که ۲۸ سال پای ثابت تلویزیون بوده است. آقای قرائتی در تازه‌ترین نظرسنجی با ۳۵ درصد، محبوب‌ترین روحانی‌ای است که مردم برنامه او را از تلویزیون دیده‌اند. بعد از او، حجج‌الاسلام راشد یزدی، پناهیان، شهاب مرادی، طباطبایی، فلاح‌زاده (همان آقای احکام)، انصاریان و نقویان در رتبه‌های بعدی قرار دارند. ما در این ۶ صفحه برای اولین بار سراغ چهره‌های

روحانی‌ای رفته‌ایم که با اجراهای خوبشان جزئی از تلویزیون شده‌اند. گفت‌وگو با حجج‌اسلام راشد یزدی و محمدحسن راستگو، حاشیه‌هایی از ملاقات با آقای قرائتی و پشت‌صحنه درس‌هایی از قرآن به همراه چند یادداشت، این پرونده را سر و شکل داده‌اند. نکته: ما در این پرونده به سراغ روحانی‌هایی رفته‌ایم که برنامه تلویزیونی خاصی داشته‌اند؛ در نتیجه روحانی‌های محبوبی مثل حجج‌اسلام پناهیان، انصاریان و نقویان در این فهرست جای نگرفتند. به همه روحانی‌هایی هم که برنامه تلویزیونی داشتند، نتوانستیم بپردازیم؛ هم به دلیل کمبود جا، هم اینکه پیدایشان نکردیم. مثلاً خیلی دوست داشتیم با حجت‌الاسلام فلاحزاده گفت‌وگو کنیم ولی تلفن همراهشان خاموش بود و خاموش ماند.

هم هنرمند، هم آخوند
گفت‌وگو با حجت‌الاسلام قرائتی، از آن ماموریت‌های غیرممکن است چون به قول خودش ۲۵ سال است که با هیچ نشریه‌ای مصاحبه نکرده است. با اینکه این قضیه را می‌دانستیم ولی با خودمان گفتیم سعی‌مان را بکنیم؛ شاید طلسم مصاحبه نکردن حاج آقا شکست چند هفته پیگیری و به این در و آن در زدن، نتیجه‌اش هماهنگی برای رفتن به منزل آقا قرائتی - با هزار امید و آرزو - بود. از ساعت ۲ دم در منزل حاج آقا قرائتی هستیم. رابط ما که هماهنگی‌ها را به عمل آورده، شماره تلفن همراه خود حاج آقا را به ما داده و قول اخلاقی و شرعی گرفته که پس از اتمام مصاحبه این شماره معلوم شود. کسی جواب نمی‌دهد. ساعت ۳:۳۰ است. نمی‌دانیم توی این گرمای تابستان، زیر آفتاب، دم در باز هم منتظر و امیدوار بمانیم یا نه؛ بالاخره محافظ حاج آقا گوشی را برمی‌دارد و می‌گوید «الان می‌آیم دم در». تا او بیاید دم در، نیم ساعت دیگر هم می‌گذرد و حدود ساعت ۴، ۲ خبرنگار و یک عکاس در پارکینگ منزل شخصی حاج آقا - حوالی تقاطع خیابان‌های ولی عصر و امام خمینی - با ایشان مواجه می‌شوند؛ با چهره‌ای که آثار خواب قیلوله (ظهرگاهی) بر آن نمایان است. رابط به ما گفته بود که «اگه از اول با گارد مصاحبه وارد بشید، حاجی پس می‌زند ولی آنقدر خوش قلبه که وقتی ببینید تا دم در خونه‌اش رفتی، حتما نرم می‌شه و باهاش حرف می‌زند». هنوز ۳-۲ جمله‌ای بیشتر به زبان نیاورده‌ایم که حاج آقا صاف و پوست‌کنده دست رد به سینه ما می‌زند؛ «نه مصاحبه اصلاً هیچ رقم». «حاج آقا، ما فقط می‌خواهیم یک گپ مختصر بزنیم و دو سه تا سؤال برای پرونده...» «نه گپ، نه گفت‌وگو، نه مصاحبه، نه مشورت، نه هیچ رقم از این چیزها با هیچ روزنامه و مجله‌ای. دیروز هم کرباسچی ۲ ساعت اینجا بود و می‌گفت برای روزنامه ما یادداشت بده، گفتیم نه! (لازم به ذکر است که آن موقع هنوز روزنامه هم‌میهن در قید حیات بود). این را پاسدارانم هم می‌دونن. من ۲۵ ساله که مصاحبه نکرده‌ام. پشت این کارم هم سیاست دارم! همین‌جوری الکی نیست». صحبت‌های حاج آقا، آب یخ ملسی توی گرمای تابستانی روی سرمان می‌ریزد؛ «من مجلس شهید سخترانی نمی‌کنم، سخنرانی ماه رمضان و دهه محرم هیچ جا نمی‌روم، تو روستا منبر نمی‌روم، چون یکی را بروم، باید همه را بروم. یک شهید را توی مراسم سخترانی کنم، صد تایی دیگر توقع پیدا می‌کنند. من هم که نمی‌کشم. آنقدر چون ندارم، آنقدر وقت ندارم که برای همه‌شون بگذارم؛ من فقط جاهایی می‌روم که تکه، یکیه؛ مثل تلویزیون، دانشگاه تهران، حرم امام رضا». گفتیم «پس حاج آقا، حداقل این چند شماره مجله ما را هدیه داشته باشید و یک نگاهی به‌شان بیندازید». حاج آقا باز هم انقلابی و بی‌معطلی فرمود: «نه اسرافه، آخه من اصلاً روزنامه نمی‌خوانم. من ماهی یک ساعت هم روزنامه نمی‌خوانم؛ یعنی شما بگو روزی ۲ دقیقه، هیچ رقم روزنامه‌ای نمی‌خوانم. این روزنامه شما را هم نمی‌شناسم. به ظاهرش می‌خوره که برای جوون‌ها جذاب باشه (باز هم امید توی دل لک‌زده‌مان جوانه زد). ولی اگر نشریه‌تون دولتی‌ه که دانش به من اسرافه؛ چون مال بیت‌الماله. اگه خصوصی هم هست خب، باز هم اسرافه». گفتیم «باشد، برای بچه‌ها و جوان‌هایی که می‌آیند منزلت‌ان، آنها بخوانند». گفت «ما بچه‌ها مون رو زود رد کردیم خانه خودشان. هیچ‌کدام اینجا نیستند». چاره‌ای نبود. دست از پا طولانی‌تر باید برمی‌گشتیم. حاج آقا در منزلش اجازه عکاسی هم نداد و گفت «زندگی شخصی، عکس گرفتن درست نیست». گفتیم: «حداقل می‌شه یک لیوان آب به ما بدهید؟». این بار پاسخ مثبت بود و با اشاره سر حاج آقا، محافظ یک پارچ آب و یک لیوان آورد. موقع خداحافظی هم، ما عذرخواهی کردیم که مزاحم حاج آقا شده بودیم و هم ایشان عذرخواهی کردند که از مواضع اصولی‌شان دست نکشیده بودند. البته ایشان ضمن عذرخواهی، دائماً این جمله را تکرار می‌کرد که «من پشت این کارم سیاست خوابیده‌ها! سیاست». از دست این دست سیاست‌ها! آخرین تیری که در کمان داشتیم، رفتن به پشت‌صحنه «درس‌هایی از قرآن» یا یکی دیگر از برنامه‌های تلویزیونی حاج آقا بود. زنگ زدیم، گفتند: «درس‌هایی از قرآن در شهرستان‌ها ضبط می‌شود و از الان تا ۸ ماه دیگر، برنامه‌ها ضبط و آماده شده. سالی یک بار اختتامیه آن - خردادماه - توی تهران برگزار می‌شود. شماره نشریه را بدهید برای سال بعد خبرتان کنیم». ولی در این شرایط ناامیدی، یک شماره تلفن همراه به دامن رسید و کاشف به عمل آمد که دوشنبه ۲۲ مرداد ساعت ۱۰ صبح، چهارراه کالج، تالار فرهنگ - در همین تهران - درس‌هایی از قرآن خودمان ضبط دارد؛ فقط یک قسمت، آن هم برای نیمه شعبان. تقویم ۲۹ رجب را نشان می‌داد ولی پارچه‌نوشته سالن، نیمه شعبان را تبریک گفته بود. خانم‌های مربی تربیتی و قرآن که دوره تخصصی مهدویت را گذرانده بودند، حالا تحت عنوان اختتامیه دوره میهمانان جلسه درس‌هایی از قرآن بودند. بیرون سالن، کارگردان تلویزیونی پشت یک میز و رو به روی ۳ مانیتور نشسته بود و با یک بی‌سیم، کار فیلم‌برداری را هدایت می‌کرد؛ «حالا یک زاویه بسته از حاج آقا... ابراهیم تکنون زیاده، جمعیت رو بگیر. یه جور بگیر پارچه‌نوشته توی کادر باشه. آروم رو به بالا حرکت کن...». جمعیت بدجوری محو صحبت‌های حاج آقا بودند. غالباً هم قلم و کاغذ به دست، یادداشت برمی‌داشتند؛ خصوصاً از آن جملاتی که پای تخته نوشته می‌شد. موضوع بحث، نقش امام و تأثیر آن در زندگی بشر بود. حاج آقا مثل همیشه با کلی داستان و مثال و سؤال، بحثش را پیش می‌برد، تکنیک «بقیه‌اش

را شما بگویند» هم که نقل کار بود؛ تذکرها و توصیه‌ها هم متناسب با مخاطبان که البته همه معلم تربیتی و قرآن بودند؛ «خیلی مواظب این کتاب‌های عرفان و سیر و سلوک باشید يك خانم در جلسه‌ای می‌گفت يك عارفی توی خانه‌اش قبر کنده بود و هر شب می‌رفت تویش می‌خوابید؛ شما هم یاد بگیرید! اون عارف غلط کرد! کجا توی قرآن و حدیث داریم که تو خونه‌هاتون قبر بکنید؟ خب، زن حامله می‌ترسد، بچه می‌ترسد، این چه کاری است؟ من نمی‌گویم همه این کتاب‌ها غلطاند ولی خیلی‌هایشان دروغند. ما قرآن، اهل بیت، سنت و مرجع تقلید داریم. هر سیر و سلوکی را که از طریق اینها و توی مجرای اینها باشد، قبول داریم؛ هر چه را هم که چنین نبود، بسمه تعالی قبول نداریم». صحبت‌های حاج آقا ۴۰ دقیقه‌ای طول کشید و با يك صلوات برنامه به پایان رسید و همه‌ها شروع شد. حالا وقت شکار پشت صحنه فرا رسیده بود. اما حاج آقا خودش در این کار پیش قدم شد. مسئول آموزش و پرورش منطقه آمده بود بالای سن که حاج آقا دستش را گرفت و او را آورد جلوی سن و گفت: «همه يك تکانی به خودشان بدهند». (البته منظورش این بود که صندلی‌هایشان را تکان بدهند). در سالن صدای جیرجیر دلخراشی بلند شد. بعد هم حاج آقا از قول آقای مسئول گفت: «ایشان همین الان قول می‌دهند همه صندلی‌ها را عوض کنند». روی سن علاوه بر آقای قرائتی، محافظ و بعضی مسئولان، کلی هم آدم بود؛ خانم‌هایی که در سؤال پرسیدن از حاج آقا از هم سبقت می‌گرفتند. یکی سؤال شرعی پرسید، حاج آقا گفت «برو از مرجعت بپرس». دیگری به وضع برگزاری معترض بود، حاج آقا گفت «با شماره ۸۸۹۶۵۰۵۶ تماس بگیر. اینجا دفتر خودمونه، بررسی می‌کنه». وسط این همه فشار و آدم، یکی هم سؤال خصوصی داشت و به زور می‌خواست حاج آقا را يك گوشه بکشد که فقط خودشان ۲ نفری باشند. بازار عکس گرفتن با موبایل هم آن قدر داغ بود که عقی‌ها موبایلشان را دست به دست جلو می‌فرستادند تا گوشی آنها از عکس حاج آقا خالی نباشد. مادری که دست پسرش را گرفته بود، به زور حلقه جمعیت را باز کرد و به حاج آقا گفت «حاج آقا، نصیحتش بکنید». بعد هم درگوشی به حاج آقا يك چیزهایی گفت. حاج آقا هم با جوان دست داد و گفت: «خودش باید بفهمه. با خدا آشتی کن. تو باید پسر خاله‌هارو عوض کنی، تو باید امام اونها بشی نه اونها». واقعا حاج آقا يك جورى نصیحت کرد که ما اصلا نفهمیدیم آن مادر درگوشی چه چیزی گفت. یکی از فاصله ۳ متری چنان داد زد که ناچار همه به او توجه کردند؛ «حاج آقا، بچه من همه‌اش می‌گه خدا چیه؟ تو رو خدا من را راهنمایی کنید، به‌اش چی بگویم؟». حاج آقا به سمت صدا برگشت و گفت «کلاس چندمه؟». جواب آمد که «راهنمایی». حاج آقا گفت: «به‌اش بگو نمی‌دونم. مگه تو می‌دونی جاذبه چیه؟ مگه تو جاذبه را می‌بینی؟ تو از اثر جاذبه به جاذبه پی می‌بری ولی خودش را نمی‌بینی...». حاج آقا به زور از میان جمعیت و همه «التماس دعا» سوار پژو GLX مشک‌اش شد و رفت. شما چند تا برنامه سراغ دارید که هم‌زاد انقلاب باشند؛ یعنی با انقلاب متولد شده باشند و هنوز هم که هنوز است هر هفته – بدون وقفه – از روی آنتن توی خانه‌ها بروند؟ خبر داشتید که «درس‌هایی از قرآن» یکی از این برنامه‌های منحصر به فرد و ریش سفیدی است که از ۲ ماهگی انقلاب تا حالا، پای ثابت برنامه‌های هفتگی تلویزیون بوده و هست؟ برنامه‌ای که کلیدش را شهید مطهری زده و پایش را امام امضا کرده. با این حال کلی فراز و نشیب داشته و حتی تا مرز تعطیلی پیش رفته. قرائتی به دنیا می‌آید. علینقی، کاسب مؤمن و خیری بود که هیچ‌گاه وقت نماز در دکان پیدایش نمی‌کردند. در عوض این معلم قرآن در صف اول نماز جماعت مسجد دیده می‌شد. يك عمر جلسات مذهبی در خانه‌ها و تکیه‌ها به‌راه انداخته و کلی مسجد مخروبه را آباد کرده بود ولی از نعمت فرزند محروم بود. آنهایی که حسودی‌شان می‌شد و چشم دیدنش را نداشتند، دنبال بهانه می‌گشتند تا نمکی به زخمش بپاشند؛ آخر بعضی‌ها عقده پدر او را هم به دل داشتند؛ پیرمردی که رضاخان قلدر قلچماق هم نتوانسته بود جلسات قرآن خانگی او را تعطیل کند. او یعنی پدر پدر آقا محسن، در اوج لجابت و مبارزه رضاخانی با مظاهر دینی، استاد جلسات قرائت قرآن بود و مردم به قرائتی می‌شناختندش؛ همان لقبی که با صدور شناسنامه به عنوان فامیل برایش ثبت شد. علینقی راه پدر را ادامه داده بود اما الان پسری نداشت که او هم به راه پدری برود. به خاطر همین همسایه کینه‌توز بهانه خوبی پیدا کرده بود تا آتش حسادتش را بیرون بپاشد؛ در زد. علینقی آمد دم در. مردك به او يك گونی داد و گفت: «حالا که تو بچه نداری، بیا اینها مال تو، شاید به کارت بیاید». علینقی در گونی را باز کرد. ۱۱ تا بچه گربه از توی آن ریختند بیرون. قهقهه مردك و صدای گریه علینقی قاتی شد. کنار کعبه سیاه نشسته بود و دستانش به دعا بلند؛ «ای که گفتم بخوانیدم تا اجابت‌تان کنم! اگر به من فرزندی بدهی، نذر می‌کنم که به لطف و هدایت خودت او را مبلغ قرآن و دینت کنم». خدایی که دعای زکریای سالخورده را در اوج ناامیدی اجابت کرده بود، ۱۱ فرزند به علینقی داد که اولین‌شان همین آقا محسن قرائتی بود. فرار از مدرسه: پدر که نذر کرده بود پسرش طلبه شود، هرچقدر اصرار می‌کرد به بن‌بست می‌خورد. محسن پایش را کرده بود توی يك کفش که من حوزمرو نیستم؛ می‌خواهم بروم دبیرستان و رفت. يك روز چند تا از همکلاسی‌هایش را دید که در راه مدرسه، مزاحم مردم می‌شدند. او هم آنتن بازی‌اش گل کرد و راپرت آنها را به مدیر داد. مدیر هم يك حال حسابی به آنها داد. آنها هم برای آنکه با محسن بی‌حساب شوند، چنان كتك مفصلی به محسن زدند که با تن له و لورده و سر و صورت زخمی به زور خودش را به خانه رساند. پدر گفت: «چی شده؟» محسن گفت: «هیچی، فقط می‌خواهم بروم حوزه علمیه و طلبه بشوم». و به این ترتیب در سال ۱۳۳۸، محسن ۱۴ ساله زیر نظر آیت‌الله صبور و وارد حوزه کاشان شد. شب‌ها هم در تفسیر شیخ علی نجفی حاضر می‌شد. البته سال دوم رفت قم مدرسه آیت‌الله گلپایگانی و سرجمع ۱۶ سال در کاشان، قم، مشهد و نجف دروس سطح و خارج حوزه را خواند. محسن بیشترین مطالعاتش درباره قرآن و تفسیر بود. در کنار دروس حوزوی، «مجمع البیان» را مطالعه و مباحثه می‌کرد؛ کم‌کم دست به قلم هم شده بود و برداشت‌های تفسیری‌اش را می‌نوشت تا اینکه خبردار شد آیت‌الله مکارم شیرازی در فکر تالیف يك

تفسیر قرآن به صورت تیمی افتاده. او با نشان دادن نوشته‌های تفسیری‌اش به تیم اضافه شد و بالاخره بعد از ۱۵ سال، تفسیر ۲۷ جلدی نمونه چاپ شد. درگیری‌ها و مبارزات برای تغییر رژیم پهلوی تئوریش داغ شده بود و محسن برای دیدار علمای زندانی به زندان می‌رفت و گاهی هم به تبعیدگاه بعضی علمای تبعیدی سر می‌زد.

حمایت‌های جانبی، اطلاع‌رسانی و تحریک مردم هم شده بود برنامه یومی‌اش. ساواکی‌ها به منزل پدری‌اش توی کاشان حمله کردند و ناکام شدند. منزلش در قم را هم پیدا کردند و بارها به آن هجوم بردند ولی باز هم نتوانستند ردی از محسن - که چند ماهی بود زندگی مخفی داشت - پیدا کنند. معلمی قرآن قرآن عشق او بود و شوق دیگرش شغل معلمی. دلش می‌خواست مفاهیم و تفسیر قرآن را به یک زبان ساده و شیرین و مردمی بگوید تا ارتباط با آن آسان‌تر شود. معتقد بود قرآن بیش از ۶۶۰ قصه دارد و پیامبر هم با همین داستان‌ها سلمان و ابوذر را تربیت کرده است. یک بار که به کاشان رفته بود، بعد از نماز، ته مسجد ۷ نوجوان را دید که با هم می‌گفتند و می‌خندیدند و بازی می‌کردند. سراغ آنها رفت و گفت: «دوست دارید برایتان جوک و قصه بگویم و بخندانم؟». بچه‌ها از خدا خواسته پای حرف‌های او نشستند و کلی کیف کردند. آخر جلسه پرسید: «دوست دارید هفته بعد هم بیایم؟». همه مشتاق بودند. گفته بود: «به شرطی که هر کدامتان دست یکی دیگر از رفقای‌تان را بگیرید و بیاورید مسجد تا من، هم به‌شان قصه بگویم و هم بخندانم‌شان». بدین ترتیب هر هفته از قم به کاشان می‌رفت، با این انگیزه که برای نوجوانانی که هر هفته بیشتر می‌شدند، یک کلاس تلفیقی داشته باشد از اصول عقاید، احکام و داستان‌های قرآنی. کم‌کم، هم‌زمان آن کلاس بیشتر شد و هم امکاناتش؛ پای گچ و تخته هم وسط آمد. گذشته از حرف‌هایش، بچه‌ها با قدرت تشبیه و تمثیل‌اش یک‌جور دیگر حال می‌کردند. حالا دیگر او، هم در کاشان جلسه داشت هم در قم. آوازه جلساتش به گوش خیلی‌ها رسیده بود؛ حتی تلویزیون رژیم دعوتش کرد برای اجرای برنامه ولی او که قصد نداشت بازوی دستگاه طاغوت باشد، قبول نکرد. در عوض تقریباً به همه شهرهای کشور سفر کرد و به سبک خودش جلسه راه انداخت. آیت‌الله مشکینی، شهید بهشتی و آیت‌الله خامنه‌ای، کارش را دیده و پسندیده بودند. حتی آیت‌الله خامنه‌ای (رهبر انقلاب) او را به منزل خودشان دعوت کرده بودند و بعد از تشویق، مسجد امام حسن را که امام جماعتش بودند، برای کلاس‌داری به او سپردند. آغاز درس‌هایی از قرآن. شهید مطهری هم در اهواز کارش را دیده و به ذهن سپرده بود. انقلاب که پیروز شد، در سال ۵۸، به تلویزیون معرفی‌اش کرد. رئیس وقت صداوسیما گفت: «تلویزیون جای هنرمند است نه آخوند». محسن هم کم نیاورد و گفت: «من هم هنرمندم هم آخوند». کل‌کل بالا گرفت. قرار شد اگر محسن توانست یک برنامه‌ای اجرا کند که هنرمندان سازمان خوششان بیاید، ماندنی شود. او گفته بود: «من معلم دین هستم. از این لحظه، ۲ ساعت وقت بگیرید، قول می‌دهم آن چنان با حرف حق شما را بخندانم که نتوانید لب‌های خود را جمع کنید». از آن جلسه بود که پایش به تلویزیون باز شد. البته جای پایش آن اوایل خیلی هم محکم نبود. شاید برای تشکیلاتی که آن موقع‌ها بیشتر کارکنانش حتی نمی‌دانستند که قبله کدام طرفی است، به این راحتی‌ها قابل قبول نبود که یک آخوند برنامه اجرا کند و گل هم بکند؛ حالا پذیرش قرآنی بی‌عمامه یک حرفی ولی با عمامه‌اش اصلاً! بهترین توجیه هم این بود: «ببین حاجی! ما جز دو تا روحانی (امام و آیت‌الله طالقانی) در تلویزیون آخوند دیگری نداریم!». قرآنی هم آخوند حاضر جوابی بود که جواب این تکه‌ها را از بر بود: «من این برخورد و حرف شما را به شخص امام خبر می‌دهم». صداوسیما می‌ها هم به پایش افتادند. به این ترتیب اولین روحانی تلویزیونی با سبک و سیاق خودش مشغول شد، آن هم در یک برنامه تلویزیونی که هنوز متزلزل بود و خیلی‌ها به دنبال زیرآب زدن‌اش بودند. حتی رئیس آن موقع سازمان، دستور تعطیلی‌اش را داد اما خبر به امام رسید و ایشان آب پاکی را ریخت روی دست آنها و کار را محکم‌تر کرد: «این برنامه‌ها مفید است و باید باشد». رژیم غذایی قرآنی "چون قرآنی پولی برای برنامه‌اش نمی‌گرفت، امام چند باری برایش پول قابل توجهی فرستادند. او رفت پیش امام و گفت: «فعلاً نیاز ندارم». اما امام پول را پس نگرفت؛ «این پول‌ها از بیت‌المال نیست، باشد برای استفاده». این می‌شود که امام بعد از مدتی حکم نمایندگی خودش در نهضت سوادآموزی را به نام «جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ محسن قرآنی دامت افاضاته» می‌زند. حالا مسئولیت ستاد اقامه نماز را هم به بالایی اضافه کنید تا به قول خودش بشود رئیس بی‌سوادها و بی‌نمازها. البته ستاد زکات، معاونت وزارت آموزش و پرورش، فعالیت در ستاد امر به معروف و نهی از منکر، ستاد تفسیر و ترویج فرهنگ قرآنی، بنیاد امام زمان و چند تا کار ریز و درشت دیگر را هم باید اضافه کنید تا فهرست‌تان کامل شود. دغدغه ترویج تفسیر قرآن در سطح فهم عموم، او را وادار کرد تا یادداشت‌های تفسیری‌اش را به ۲ نفر از علمای قم نشان بدهد و تأییدشان را بگیرد. بعد هم چندین نفر را مشغول تدوین و بازنویسی کرد تا «تفسیر نور» درآید. کلی کتابچه‌های قد و نیم قد هم از او تا حالا در تیراژ میلیونی چاپ شده، آن هم به چند زبان. بله، عدتش را درست خواندید. نوشته‌های محسن قرآنی تیراژهای میلیونی را تجربه کرده‌اند. تازه کلی فیش هم توی دست و بالاش مانده که قرار بوده به هزینه شخصی خودش روی سیدی ریخته شود و در اختیار اهالی فرهنگ قرار بگیرد و بدون چشمداشت مادی، ثوابش به حسابش واریز شود. حتی گاهی که خبر می‌رسد که مطلبش جایی بدون اجازه او چاپ شده، عکس‌العمل‌اش این است که «مهم انتشار مطالب است ولو به اسم دیگری!». جدای از سفرها و برنامه‌های رادیو تلویزیونی و جلساتش با مسئولان، او به جلسات استخر هم علاقه‌مند است. هفته‌ای ۶-۵ بار به استخر می‌رود؛ در نتیجه با این حجم کار عجیب نیست که خیلی از جلسات با مسئولان را در داخل استخر برگزار کنند. این همه کار در آب و خشکی، گاهی محافظ‌ها و سربازها را از پا درآورده ولی او را نه؛ چیزی که باعث شده شخصیت و فعالیت و موفقیت او سوژه چندین پایان‌نامه علمی و تخصصی شود و حتی یک خبرنگار خارجی دنبال برنامه غذایی وی بگردد تا کشف کند که با چه نوع رژیم غذایی می‌شود «محسن

قرائتی» شد. در جبهه فوتبال بازی کردم. يك روز در منزل دیدم خانم دستگیره‌هایی دوخته که با آن ظرف‌های داغ غذا را برمی‌دارند که دستشان نسوزد. آنها را برداشتم و به جلسه درس بردم. وقتی خواستم جایزه بدهم به طرف گفتم: یکی از این ۳ جایزه را انتخاب کن؛ يك دوره تفسیر المیزان یا ۳ هزار تومان پول یا چیزی که به آتش دنیا نسوزی. گفتم: مورد سوم. من هم دستگیره‌ها را به او دادم! جبهه جنوب بودم. برادران داشتند بازی می‌کردند. خواستند بازی آنان را برای سخنرانی من تعطیل کنند. گفتم: نه! خودم هم لباس را کندم و با آنها بازی کردم. در کاشان دیوانه‌ای وقت نماز وارد مسجد شد و با صدای بلند به مردم گفت: همه شما دیوانه‌اید. همه خندیدند. گفتم: همه شما چه و چه هستید. باز همه خندیدند. آمد صف جلو و رو کرد به پیش‌نماز و گفت: آقا به تو بودم. بعد شروع کرد و یکی‌یکی گفت: آقا به تو بودم، آقا به تو بودم. این دفعه مردم عصبانی شدند و دیوانه را بغل کردند و از مسجد بیرون انداختند. از کار این دیوانه یاد گرفتم که گاهی سخنرانی عمومی تأثیر ندارد و باید گفت: آقا به تو بودم.

داستان کتابی که کباب شد. کار هر هفته‌مان همین بود. صبح جمعه که می‌شد، شبکه ۲ با برنامه کودکش توی بورس بود. چشم‌هایمان چند دقیقه‌ای قفل می‌شد روی صفحه تلویزیون تا نوبت به «بازی با کلمات» برسد و «آقای راستگو»؛ تا ببینیم این هفته چه کلمه‌ای را روی تخته سیاهش می‌نویسد، بسم‌الله را چطور با دست چپش نقاشی می‌کند و چه حدیثی را به ما یاد می‌دهد. بعد هم نوبت داستانش بود که عین سریال‌ها، موقع رسیدن به قسمت حساس، تمامش می‌کرد و ادامه داستان می‌ماند برای هفته بعد تا دوباره یک هفته در انتظارش بمانیم و حدس بزنیم آخر قصه چه می‌شود. حجت‌الاسلام محمدحسن راستگو اما بعد از گذشت این سال‌ها، هنوز هم مثل قبل سرحال است و پر از انرژی و هنوز هم برای بچه‌های نسل جدید برنامه دارد؛ برنامه‌هایی که باز هم وسط غوغای انیمیشن‌های سه‌بعدی با همان تخته‌سیاه و همان چندتا بچه و کلام شیرین و نوک زبانی روحانی‌اش کلی طرفدار دارد. شروع کارتان از کجا بود؟ اولین برنامه یادتان هست؟ اولین بار قصه‌گویی را از دوران دبیرستان شروع کردم. دبیرستان مهدیه (عج) مشهد درس می‌خواندیم و من به واسطه پیش‌زمینه‌ای که از قبل داشتم، احساس کردم می‌توانم بچه‌ها را سرگرم کنم. هر سال نیمه شعبان که می‌رسید، جشن‌های مفصلی در مدرسه برگزار می‌شد. ۱۰ شب برنامه داشتیم و من آنجا آچارفرانسه بودم؛ هم سخنرانی می‌کردم، هم قصه می‌گفتم، هم مقاله و داستان می‌خواندم و هم عضو گروه سرود بودم. آن پیش‌زمینه‌ای که حرفش را زدید از کجا آمده بود؟ مطالعه زیاد دوران کودکی‌ام. بچه روستا بودیم؛ روستای سعدآباد مشهد. جلوی خانه‌مان یک درخت تنومند توت بود که روی یکی دوتا شاخه بزرگ آن، چند تا تخته گذاشته بودم. شبیه اتاقک شده بود. آنجا اتاق مطالعه‌ام بود. از درخت می‌رفتم بالا و کتاب می‌خواندم. کلاس چهارم، پنجم ابتدایی بودم آن زمان. اسم یکی دوتا از کتاب‌ها هنوز هم یادم هست: «ژئوپلتیک گرسنگی» نوشته ژوزه دو کاسترو و «انسان‌ها و خرچنگ‌ها». یک قرارداد هم با پستی و بقالی روستا - که مجله هم می‌فروخت - داشتم؛ مجله‌هایی را که می‌آوردند برای فروش یا مجله‌هایی که پستی می‌آورد تا به دست مشترکانش بدهد و نام و نشانی رویش نبود، یک شب در اجاره من بود. مجله‌های «شکار و طبیعت»، «دختران و پسران» و مجله عربی زبان «الهدی» را می‌خواندم. شب‌ها هم از ساعت ۱۱ برق قطع می‌شد تا ساعت ۴ بعداز ظهر فردا. توی تاریکی شب فانوس با خودم می‌بردم بالای درخت و تا حدود ساعت يك نیمه‌شب مجله می‌خواندم تا فردا آن را پس بدهم. از طرف دیگر فاصله خانه تا مدرسه هم زیاد بود؛ چیزی حدود ۳-۲ کیلومتر که باید پیاده می‌رفتم. این فاصله هم با نشریه‌خواندن پر می‌شد. «مکتب اسلام» و «ندای حق» را بیشتر می‌خواندم. اگر دوچرخه‌ای هم بود روی ترکش می‌نشستم و توی همان فاصله مطالعه می‌کردم. خیلی از شعرهای کتاب‌های درسی را روی ترک همان دوچرخه‌ها حفظ کردم. گذشته از اینها پدرم هم امام جماعت بود و همیشه پای منبرش بودم و کم و بیش سخنرانی را هم یاد گرفته بودم. کسی هم تشویق‌تان می‌کرد؟ پدرم خیلی هوایم را داشت. توی همان مسجد پدرم، بچه‌های همسن و سال خودم را جمع می‌کردم، برایشان قصه می‌گفتم و با پول توجیبی‌ام برایشان جایزه می‌خریدم. حالا این جایزه یا دستمال لب جیب کت بود یا قاب عکس شیشه‌ای حرم امام رضا (ع). بعد از مدتی پدرم از کارم خوش‌اش آمد و ۵۰۰ تومان به من داد که الان می‌شود معادل ۵-۴ میلیون تومان. با همان پول، یک کتابخانه درست کردم که البته هنوز هم فعال است. چطور وارد تلویزیون شدید؟ در همان مشهد، مقام معظم رهبری - که آن موقع در مشهد بودند - من را به شهید بهشتی معرفی کردند. ایشان هم در مسجد قبا - که امام جماعتش شهید مفتاح بود - یک اتاق به من دادند و آنجا شد پاتوق ما و محل اجرای برنامه برای بچه‌ها. گذشت تا موقع پیروزی انقلاب؛ آن موقع نماینده امام در فرودگاه و پایگاه یکم شکاری بودیم و دغدغه‌هایمان هم وضع ظاهری نبود. موهایم بلند شده بود و لباس‌هایم چرک. با همان سر و وضع رفتم پیش قطب‌زاده (رئیس وقت صداوسیما). گفتم می‌خواهم برای تلویزیون برنامه اجرا کنم. یک نگاهی به سرووضع انداخت و گفت: «تو با این ظاهر بهتر است بروی رادیو تا کسی قیافه‌ات را نبیند». خلاصه بعد از کلی چانه‌زدن رضایت‌اش را برای اجرای برنامه گرفتم. منتها شرط گذاشته بود که لباس روحانی نپوشم و با لباس شخصی برنامه اجرا کنم. به‌هرحال از همان موقع توی تلویزیون مشغول شدیم. این ایده «بازی با کلمات» و دودستی نوشتن و نقاشی کردن بسم‌الله از کجا آمده بود؟ خیلی‌هايش به مرور زمان و با تمرین زیاد بود اما بازی با کلمات داستان جالبی دارد. اوایل وقتی مشهد بودیم، یک‌بار آمدند گفتند ما جمعه، فلان مسجد دعای ندبه می‌خوانیم، تو هم بیا. ما رفتیم. دعا که تمام شد گفتند بعد از این نوبت توست که برنامه برای بچه‌ها اجرا کنی. تخته‌سیاه هم آماده کرده‌ایم. خشک زده بود. ۸-۷ تا برنامه ثابت داشتیم که همه‌شان را هم اجرا کرده بودم و خیلی تکراری می‌شد. مانده بودم چه کار کنم. توسل کردم به حضرت زهرا (س) و رفتم پای تخته. عکس یک کتاب را کشیدم و گفتم بچه‌ها این چیه؟ گفتند کتاب بعد ۵ تا «م» گذاشتم کنار هم و گفتم: «کتاب

را باید چی کار کنیم؟ باید بخوانیم، بفهمیم، به دیگران بدهیم، به دیگران بیاموزیم و به نوشته‌هایش عمل کنیم». سوژه‌ام دیگر تمام شده بود و مانده بودم بعد از این چه کار کنم که یکدفعه چشم افتاد به دو تا نقطه «ت»ی کتاب. دیدم اگر یکی از نقطه‌ها را پاک کنم و دیگری را بیاورم پایین، می‌شود «کباب». همین کار را کردم. به بچه‌ها گفتم کباب را هم باید بخوانیم، بفهمیم و به دیگران بیاموزیم. خیلی خوششان آمد. شلوغ کردند که کباب خوردنی است نه خواندنی. بعد گفتم: «حالا که این‌طور است، پس باید ۴ تا شرط داشته باشد؛ اول باید حلال باشد. دوم همه داشته باشند. سوم خمس و زکاتش را داده باشیم و آخر هم اینکه پرخوری نکنیم». دیدم اصلا باب جدیدی برایم باز شده. همان کباب را کردم «کبک». بعد یک نقطه دیگر برایش گذاشتم شد «کیک». نقطه‌هایش را آوردم بالا شد «کتک». تغییرش دادم شد «کلک». آن وسط به جای «ل»، «م» گذاشتم شد «کمک». خلاصه برنامه را حسابی رونق داده بودم و بچه‌ها هم خیلی خوششان آمده بود. این طوری شد که بازی با کلمات شد پای ثابت برنامه‌ها. کار برای بچه‌های امروزی، آن هم با این همه پیشرفت تکنولوژی و افکت‌های تصویری و بازی‌های رایانه‌ای، آن هم برای شما که با لباس روحانیت و یک تخته سیاه و چندتا گچ باید جذیشان کنید، سخت نیست؟ کار با بچه‌ها از سخت‌ترین کارهای دنیاست. اما رمز موفقیت هرکسی در ۴ چیز است: اخلاص، آگاهی مذهبی و نوع بیان آن و بالاخره ابزار کار. لباس نباید مانع تبلیغ ما باشد. لباس ما ابزار تبلیغ ماست. من روحانی که نباید اتوکشیده منتظر بنشینم که بگذارند روی تاقچه و مردم بیایند به من احترام کنند. من برای اینکه بتوانم خوب با مردم حرف بزنم، باید بروم میان مردم، ببینم چی می‌خواهند، نیازشان چیست و چه جوری و با چه زبانی می‌شود به نیازشان پاسخ داد. از طرف دیگر باید خودمان را دائم به روز کنیم. من الان لپ‌تاپ دارم، سایت و وبلاگ راه‌انداختم، کشورهای مختلف را هم گشته‌ام. باید مطابق با پیشرفت‌ها، خودمان را به‌روز کنیم تا بتوانیم زبان بچه‌های امروزی را بفهمیم و با آنها سروکله بزنیم. از این سرو کله‌زدن‌ها و برنامه اجرا کردن‌ها در این چند سال، صحنه‌ای بوده که هیچ‌وقت از ذهنتان پاک نشود؟ یک مدت هر هفته می‌رفتم توی یک پرورشگاه در مشهد، برایشان برنامه اجرا می‌کردم و قصه می‌گفتم؛ البته با همان شیوه ناتمام‌گذاشتن قصه تا هفته بعد. آن روز قصه پیرمردی را گفتم که پادشاه می‌خواست باغش را به زور از او بگیرد. قصه به اینجا رسید که جلاد شمشیرش را گذاشته بود روی گردن پیرمرد و تهدیدش می‌کرد که یا باغ را باید بدهی یا جانم را و ۳ شماره به او مهلت داد. شماره ۱ و ۲ را گفت اما پیرمرد زیر بار نرفت. خواست که بگوید ۳، قصه را ناتمام گذاشتم و گفتم بقیه‌اش را هفته بعد برایتان می‌گویم. باران می‌آمد و زمین خیس خیس بود. سریع زدم بیرون. عابیم را روی سرم گرفتم و بدو بدو داشتم می‌رفتم سمت در پرورشگاه که دیدم یکی از بچه‌های پرورشگاه با پای برهنه دوان دوان دارد می‌آید به طرف من و داد می‌زند «حاج آقا، حاج آقا، وایسا!». فکر کردم می‌خواهد یک مسئله خصوصی را با من در میان بگذارد. گفتم چیه؟ گفت «یه ذره دیگه از قصه رو بگو، بالاخره چی میشه آخرش؟». گفتم درست نیست که فقط برای تو تعریف کنم، صبر کن تا هفته بعد. گفت «تورو خدا». گفتم نمی‌شود. بعد گفت «آخرش رو من می‌دونم، پیرمرد نجات پیدا می‌کنه». گفتم حالا که این‌طور شد، هفته بعد من یک جوری قصه را تمام می‌کنم که پیرمرد را بکشم. شیوتمان را به دیگران هم یاد داده‌اید؟ بله. الان همه این روش‌ها به صورت کلاسه و سیستماتیک درآمده و مؤسسه تربیت مربی در چند شهر کشور داریم. در کابل افغانستان و دمشق سوریه هم ۲ شعبه داریم و تابع‌حال بیشتر از ۷ هزار روحانی و هزاران مربی را برای کار با بچه‌ها آموزش داده‌ایم. راستی نگفتید مجری محبوب دوران کودکی نسل ما که هنوز هم دارد برنامه اجرا می‌کند چند سالش است؟ این یکی را دیگر نپرسید؛ از اسرار است.

اسلام به روایت ساده

ماجرای موفقیت بسیاری از مبلغان دینی و کسانی از این دست که شاید برجسته‌ترین جلوه‌هایشان روحانیون باشند همان ماجرای «سهل و ممتنع» است؛ این‌ها فوت‌های کوز مگری بلد هستند که کار آنها را از بسیاری نمونه‌های ناموفق مشابه متمایز کرده است. ما اینجا می‌خواهیم به چندتا از این تکنیک‌ها اشاره کنیم. البته باید یادآوری کرد که عوامل معنوی و بسیار جدی و تأثیرگذاری هم در این میان هستند؛ عواملی مثل عامل بودن گوینده به گفته‌هایش، اخلاص، تقوا، ساده‌زیستی و مردمی بودن، بصیرت و... که اینجا موضوع بحث ما نیستند. ما بیشتر دنبال تکنیک‌های شکلی و ظاهری روحانیونی هستیم که شما با نمونه‌هایشان در این پرونده مواجه شده‌اید. این تذکر را هم در نظر داشته باشید که ممکن است همه این فاکتورها در تمام این نمونه‌ها جمع نباشد ولی حتما شما هم تصدیق خواهید کرد که هرکدام از چهره‌های این پرونده، موارد زیادی از این شاخص‌ها را در کار خودشان به نمایش گذاشته‌اند.

۱ - ساده‌گویی و رعایت ادبیات عامه

«همواره در این اندیشه بودم که قرآن و اسلام برای همه اصناف و طبقات مردم است و کودکان و نوجوانان هم از همین مردم‌اند. لذا تصمیم گرفتم در این راه به قصد خدمت به نسل جوان و آینده‌سازان، اسلام و معارف قرآنی را با زبان ساده و روان به آنها منتقل نمایم». این نوشته‌های حجت‌الاسلام قرائتی یکی از ترفندهای عمده موفقیت و مردم‌پسند شدن برنامه‌هایش را تابلو می‌کند. دیگر لحن‌های کشداری که کلماتش سه تا یکی عربی غیرمستعمل باشد و چهارچشم شنونده را از حقه درآورد چندان مشتری ندارد؛ هنر این نیست که سخنران یک‌جوری حرف بزند که حداکثر خودش بفهمد چه

می‌گوید بلکه به زبان عامیانه گفتن، در عین سادگی، خیلی سخت است و يك هنر بزرگ؛ باز هم همان داستان سهل و ممتنع. البته مرز میان عامیانه گفتن و عوامانه گفتن به باریکی يك ستون کلفت است!

۲ – استفاده از ابزارهای روز و قالب‌های جدید

خود حضور فعال در رادیو و تلویزیون به مدل‌های مختلف، يك چشمه از این شگرد است؛ موردی که گاهی با حضور طراحی شده‌تر و فعالانه‌تر در برنامه‌های نمایشی تلویزیون در کنار هنرپیشه‌ها و مجری‌ها بیشتر به چشم می‌آید (مصدق بارز آن را در برنامه عمو و بچه‌های آقای راستگو می‌بینید). رو آوردن و استفاده کردن از فضای اینترنتی هم، توان افزایی دیگری است. اخیراً در تمامی برنامه‌های شب جمعه درس‌هایی از قرآن، علاوه بر زیرنویس شدن موضوعات کلی بحث، آدرس سایت www.qarati.net هم زیر صفحه تلویزیون قابل مشاهده است. گچ و تخته‌ای که به عنوان یکی از عناصر ثابت و جالفتاده در کارهای آقای قرائتی و راستگو می‌بینیم، هر چند تکنولوژی پیشرفته‌ای محسوب نمی‌شود، اما باز هم به خدمت گرفتن يك ابزار کارآمد نسبتاً امروزی است. البته همین، جالفتادنش خالی از زحمت نبوده؛ از زبان آقای قرائتی بخوانید: «البته چون این کار بی‌سابقه بود که يك روحانی به جای منبر، پای تخته سیاه برود و برای کودکان و نوجوانان جلسه و کلاس داشته باشد، گاهی مورد بی‌مهری برخی افراد قرار می‌گرفت».

۳ – استفاده از شیوه‌های برقراری رابطه و فن خطابه

يك بار با خودتان فکر کنید که اگر از این روحانی‌های پرتعداد و مخاطب، چند ویژگی را مثل استفاده از تمثیل‌های جذاب و ملموس، شوخی‌ها و لطیفه‌های بجا، لحن سخنرانی و بالا و پایین کردن صدا و هرآن چیزی که در خطابه و تدریس و کلاس‌داری و امثال اینها کاربرد دارد، بگیرند، چقدر از موفقیت‌شان کم می‌شود. شاید مسابقات و بازی با کلماتی که بیشتر از استاد راستگو سراغ داریم، یادمان نرفته باشد. یا شوخی‌ها و لطیفه‌هایی که خیلی وقت‌ها پایش خندیده‌ایم و دهان به دهان نقل کرده‌ایم. در مثال‌ها که این نکته چشمگیرتر هم می‌شود؛ هنری که هر کسی ندارد؛ موردی که خیلی از معلم‌ها و اساتید از آن الگو گرفته و خودشان پیاده می‌کنند و جالب‌تر آنکه خیلی وقت‌ها استفاده از این شیوه‌ها ما را یاد همین روحانی‌های شاخص می‌اندازد.

۴ – صحبت منظم و پرهیز از بحث‌های کلی و انتزاعی

آی امان از این کلیشه‌های کلی و تکراری؛ حرف‌های گرد و قلمبه و بی‌خاصیت؛ چیزهایی که شکر خدا هیچ‌وقت هیچ جا کم نمی‌آید؛ نه هنری می‌خواهد نه دانشی نه مهارتی. اما وقتی قرار شد جزئی و عینی و مصداقی، پوست يك بحث را بکنیم، مرد می‌خواهد؛ کسی که بداند از کجا می‌خواهد شروع کند و به کجا برسد؛ مطالعه و یادداشت و فیش برداری‌اش، حساب و کتاب داشته باشد؛ بتواند با مثال و مصداق، حرفش را شفاف و رك و پوست‌کنده جا بیندازد. این حرف‌های آقای قرائتی را که همین چند وقت پیش در همایش قوه قضائیه گفت، بخوانید تا دست‌تان بیاید از چه چیزی داریم حرف می‌زنیم! «ما ۴ نوع جوان داریم؛ یکی جوان‌های توتی؛ یعنی مثل توت‌های شیرین درختی که با يك تکان می‌ریزند زمین. اینها خودشان مسجدی‌اند و حرام و حلال را رعایت می‌کنند و دم دست‌اند. دوم جوان‌های اناری؛ انار يك میوه حلال‌زاده است ولی باید آن را بجینی؛ یعنی با قدری تلاش می‌توان آنها را هم مسجدی کرد. سوم نارگیلی‌ها هستند؛ یعنی نه‌تنها بالای درخت هستند که پوسته سفت و سختی هم دارند که باید زحمت زیادی بکشی و آنها را بشکافی ولی بعد که شکافتی، می‌بینی مغز شیرین و شیره سفیدی دارند. گروه چهارم هم جوان‌های گردویی هستند که ترش‌رو و متکبر پشت شاخه‌های درخت قايم می‌شوند و چیدنشان خیلی سخت است. بعضی‌هایشان هم توخالی یا تلخند. ما باید برای هر کدام از این ۴ دسته مدل خودشان برنامه‌ریزی کنیم».

۵ – کار تیمی و تشکیلاتی

لطفاً سریع یاد ناکامی‌های تیم ملی فوتبال نیتید. چرا این‌قدر شما منفی‌نگرید؟ بالاخره پشت سر موفقیت‌های يك نفر و يك گروه، خیلی وقت‌ها کلی فکر و آدم و انرژی و هزینه خوابیده که در کادر نیستند و يك نفر یا يك تیم، نماینده ظاهری آنهاست. در سخنرانی هم که به ظاهر يك حرکت انفرادی است، می‌شود يك تیم پشت کار باشد و يك کار تشکیلاتی انجام دهند. تشکیلات امروزی مؤسسه درس‌هایی از قرآن، ستاد اقامه نماز، دفتر اعزام مبلغ دانشگاه امام صادق (ع) و موارد دیگری که فقط در ارتباط با ایشان مشغولند، از این نمونه‌ها هستند. آقای راستگو هم يك تشکیلات تبلیغی – آموزشی منسجم دارند.

بالاخره خلاقیت و نوآوری

خلاقیت هیچ چهارچوبی ندارد؛ به هیچ چیزی هم محدود نمی‌شود؛ از شیوه اجرا و ابزار و موضوع بگیرد تا حاشیه‌ها و کارهای مکمل؛ از طراحی و ایده برنامه‌ها و قالب‌ها هست تا هر جایی که ذهن کسی بتواند پرواز کند؛ برنامه‌هایی مثل برنامه‌های حجت‌الاسلام دهنوی، در شبکه قرآن که موضوعات تربیتی و موفقیت تحصیلی را عرضه می‌کند و پاسخ والدین و دانش‌آموزان را تلفنی و زنده می‌دهد. شیوه داستان‌گویی آقای راستگو و نحوه برقراری ارتباط

حجت‌الاسلام مرادی در «مردم ایران سلام» که امکان ارتباط مستقیم اینترنتی ایجاد کرده نیز از این نمونه‌ها هستند. یادداشت همکار استاد راستگو هر وقت می‌خواستم نماز بخوانم، فکر می‌کردم این يك جور ملاقات رسمی بین ماست و هر جایی و هر جوری با تو حرف زدن و به یادت افتادن، بی‌ادبی است. يك روز ناخودآگاه از تلویزیون مطلبی را شنیدم که به من قوت قلب زیادی داد: «کسانی که خداوند را در همه احوال ایستاده و نشسته و بر پهلو آرמידه، یاد می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند». این ترجمه آیه ۱۹۱ سوره آل عمران بود که روحانی خوش‌صحبتی آن را بیان می‌کرد. نامش حاج آقای راستگو بود. این آیه، يك آیه فوق‌العاده بود که خیالم را در مورد ارتباط با خدا راحت‌تر کرد. اینها تمام احساسی بود که در اولین برخورد دورادور با حاج آقا راستگو به من دست داد. وقتی که پیشنهاد اجرای برنامه در کنار ایشان، به بنده داده شد، ناخودآگاه دوران کودکی‌ام را در ذهن مرور کردم و با خودم فکر کردم چقدر از همان دوران کودکی آرزوی دیدار ایشان را داشتم. اولین باری که ایشان را زیارت کردم، دوره سربازی من بود که هنگام ضبط برنامه ایشان را دیده بودم. آن روز یکی از روزهای خوب زندگی من بود. اما حالا استرس عجیبی داشتم. با خودم فکر می‌کردم آیا يك نقش کاملاً فانتزی در کنار يك روحانی جواب خواهد داد. تا روزی که اولین برنامه را ضبط کردیم این استرس با من همراه بود. بعد از ضبط، خیال من و کل گروه تقریباً راحت شد. من و آقای راستگو، زوج هنری خوبی را تشکیل داده بودیم. من کنار او بازی می‌کردم و به آرزوی دوران کودکی‌ام رسیده بودم. ۲۰ قسمت اول که پخش شد بازتاب خوبی داشت. همه از کار راضی بودند؛ به‌خصوص حاج آقا راستگو که در ابتدای کار به‌درستی سختگیری می‌کرد و همین باعث شد که شبکه، مجموعه دوم و سوم را سفارش بدهد. تلویزیون اعتبار می‌دهد. يك روحانی مسن اما خنده‌رو و خوش‌اخلاق با لهجه شیرین یزدی؛ این مشخصات حجت‌الاسلام والمسلمین راشد یزدی است که سال‌هاست امام جماعت مسجد گوه‌رشاد مشهد است. خیلی از مشه‌دی‌ها و زائرها، عادت کرده‌اند نماز را به امامت ایشان بخوانند؛ نمازی که معمولاً حدیثی، پندی و نکته‌ای اخلاقی قبل یا بعد از آن گفته می‌شود. راشد یزدی در تلویزیون هم چهره شناخته شده‌ای است. سازنده‌های برنامه زنده «تصویر زندگی»، مدت‌هاست صبح‌های دوشنبه منتظر می‌شوند تا او به انتهای خیابان الوند تهران و شبکه ۲ بیاید تا يك ساعت شاهد سخنرانی اخلاقی و زنده امام جماعت گوه‌رشاد باشند. راشد یزدی، صبح دوشنبه با هواپیما از مشهد به تهران می‌آید و بلافاصله بعد از پایان برنامه به فرودگاه می‌رود تا به مشهد برگردد. ما هم بعد از پایان برنامه، درحالی که ماشین منتظر بود تا ایشان را به فرودگاه ببرد، سریع چند سؤال پرسیدیم و ایشان هم سر صبر و با همان لبخند همیشگی و لهجه شیرین جوابمان را دادند.

حضور يك روحانی در تلویزیون چه اهمیتی دارد؟

روحانی در هیچ مجلسی مستمع میلیونی ندارد؛ مستمع‌ها محدود و به تعداد اندکی هستند. جای روحانی برای تبلیغ، تلویزیون است. اما يك عده سطحشان را بالاتر از اینها و حضور در تلویزیون را کسر شأن روحانیت می‌دانند. که چه شود؟ زمانی که تلویزیون طاغوتی بود، نمی‌رفتند چون مورد تایید دستگاه بود اما الان دستگاهی است که وقتی انسان برود اعتبار پیدا می‌کند. چون در خدمت دین و مردم است. چطوری با شرایط تلویزیون کنار می‌آیید؛ آگهی‌ها، وله‌ها، نور و تصویر و اینها؟ دست‌اندرکاران تلویزیونی روحیه ما را می‌شناسند. هیچ‌وقت نشده احساس کنیم برخورد با ما سبک بوده. همه‌چی بر وفق مراد ماست و اصلاً اینها که می‌گویند به ما لطمه نمی‌زنند. روحانی‌ها همیشه عادت دارند از روی منبر مردم را ببینند اما اینجا فقط دوربین جلوی‌تان است. به هر حال تصور می‌کنیم که مردم نشسته‌اند و دارند گوش می‌دهند. اما عکس‌العمل لحظه‌ای مردم را که نمی‌بینید. بله، اما آن را بعداً می‌بینیم با نامه و تلفن. تلویزیون زمان مشخصی دارد، روحانی‌ها هم به خوش‌صحبتی معروفند؛ چطور حرف‌تان را جمع می‌کنید تا وقت کم نیاید؟ در اثر تجربیات و تمرینات، انسان می‌تواند طوری مطالب را بگوید که با وقت تلویزیون مناسب باشد و ناقص نماند. به ما از پشت دوربین اشاره می‌کنند ۲ دقیقه وقت داریم، ما هم مطلب را به جایی می‌رسانیم که به موقع تمام شود. شما با ساده‌ترین روش تبلیغی یعنی حرف‌زدن برنامه اجرا می‌کنید؛ فکر می‌کنید چقدر مؤثر است؟ ببینید، مردم با روحانی مأنوس هستند. برای همین تا شکل ما را می‌بینند، به خاطر مأنوس‌بودن با روحانی، حرفی که می‌زنیم به دلشان می‌نشیند. مثلاً اگر در رادیو يك روحانی بیاید و نگویند روحانی است و مردم هم او را نشناسند، حرفش مثل وقتی که او را می‌بینند، مؤثر نیست ولو اینکه حرف‌ها هم یکی باشد. تا نشنوند یا نبینند که روحانی است، حرف تأثیر نمی‌کند. الان دنیای ماهواره و اطلاعات و سرعت است؛ به نظر‌تان چرا در این همه شلوغی و مشغولیات، حرف‌های‌تان این همه طرفدار دارد؟ ما که قابل نیستیم، این قابلیت و استعدادی است که در خود مردم است. مردم ما استعداد پذیرش‌شان از دین و اخلاق فوق‌العاده بالاست. قبلاً این‌طور نبود. الان نیروی انفعالی مردم در مقابل مسائل دینی فوق‌العاده است. از کجا به این نتیجه رسیده‌اید؟ ما اخلاق و مسائل خانواده را می‌گوییم و هر جا می‌رویم مردم تشکر می‌کنند. ما از تشکر مردم برخورداریم، نامه‌ها و تلفن‌ها می‌فهمیم که این مسیر، مسیر خوبی بوده. تلویزیون هم آمار خوبی اعلام کرده است. شما خیلی راحت و ساده حرف می‌زنید، خیلی رك و راست به زن و شوهرها می‌گویید با هم صحبت کنند؛ این راحت‌بودن مشکل ایجاد نکرده؟ نه، من ستم بالاست و رودربایستی‌ام کم است. سن انسان که بالا می‌آید، رودربایستی‌اش کم می‌شود. يك جوان بخواهد این‌طور حرف بزند به مشکل برمی‌خورد. زمان پخش برنامه‌تان مناسب است؟ نه، به هیچ‌وجه مناسب نیست. اگر يك روحانی وقت داشته باشد، باید این برنامه شب پخش شود. اگر نشد، باید تکرار برنامه حتماً شب پخش شود. آن اوایل هم این برنامه شب‌ها تکرار داشت اما الان ندارد. این برنامه، شب حتماً باید تکرار شود؛ درخواست مردم

هم این است. تا کی در تلویزیون برنامه اجرا می‌کنید؟ ما تا وقتی تلویزیون بخواد، هستیم. تلویزیون، منبر نیست. طبیعی است وقتی ما از تلویزیون، به حق انتظار تبلیغ دین داریم، اصلی‌ترین گزینه، یک روحانی است؛ به شرط آنکه تلویزیون را با چیز دیگری اشتباه نگیریم؛ چون تلویزیون منبر و مجلس وعظ نیست، پس باید از کسانی دعوت کرد که مقتضیات تلویزیون را بشناسند. فرق تلویزیون و منبر، این است که تلویزیون در خانه است و مهم‌ترین انتظاری که از آن می‌رود، سرگرمی است. پس روحانی‌ای که به تلویزیون می‌رود، باید بداند تعداد زیادی آدم با تفکرات مختلف هستند که به راحتی می‌توانند با زدن یک دکمه، شبکه را عوض کنند. در تلویزیون بازخوردهای مستمعان را سریع نمی‌بینند؛ این یعنی زمان‌بندی و ادبیاتی که باید استفاده شود، با ادبیات روی منبر فرق دارد. روحانی در تلویزیون در لحظه باید حدس بزند مخاطب چه واکنشی نشان می‌دهد و به سوالاتی که در ذهن آنهاست، پاسخ بدهد. نکته مهم دیگر اینکه ما هر وقت خواسته‌ایم از دین و مذهب حرف بزنیم، اکثراً سراغ وجوه سلبی آن رفته‌ایم و عدم توفیق هم بابت همین نکته بوده؛ باید جذاب حرف بزنی تا طرفت بیایند. نکته دیگر اینکه باید بدانیم می‌خواهیم چه سطحی از مذهب را منتقل کنیم. طبیعتاً مباحث فلسفی روی منبر مسجد گفته نمی‌شود؛ این مباحث در حوزه هم دوره خاصی دارد. در تلویزیون هم نباید مباحث مذهبی را محدود کرد. باید حرف‌هایی زده شود که گروه زیادی، مخاطبش باشند و بفهمند. بعضی‌ها ادبیات‌شان، ادبیات همه‌فهم نیست و ارتباط برقرار نمی‌کنند. این تقصیر آنها نیست، تقصیر برنامه‌ساز است. متأسفانه جز در موارد محدودی، برنامه‌سازها انتخاب درستی نکرده‌اند. ضمن اینکه تبلیغ دین باید در جای خودش مورد استفاده قرار گیرد. تشنگی به معارف باید حفظ شود. پر کردن تلویزیون از مذهب اشتباه است. باید این تبلیغ با همه چیز متناسب باشد. ما فکر کرده‌ایم تبلیغ مذهبی یعنی اینکه یک روحانی را بیاوریم تا حرف بزند. ما به قابلیت ارتباطی او پی نبرده‌ایم. خوشبختانه کسی مثل شهاب مرادی، زبان تلویزیون را بلد است؛ به‌خصوص برای ما که برنامه صبحگاهی هستیم. او کسی بود که با اهداف و ادبیات‌مان - در بین کسانی که می‌شناختم - هماهنگ بود. ایشان هم مثل ما دغدغه ریتم و تنوع موضوع را داشته و دارند، انطباق‌شان هم با تلویزیون سریع بود. چون با رسانه بیگانه نیستند. ایشان می‌دانند باید در حداقل زمان، موضوعی را جمع کنند، تعلیق را بلدند. ما هم آرام آرام که برنامه را اجرا می‌کردیم فضای ضروری کار را پیدا کردیم. الان فضای برنامه سؤال و جواب نیست، مثل روایت قصه است. من از جانب آدم‌ها برای مرادی، مثال می‌آورم و او ماجرا را پی می‌گیرد. شیوه جدیدی ایجاد شده که به دلیل شناخت او از اطراف و ادبیات مرسوم، گرفته است. همه اینها بدون سطحی شدن حرف‌هاست؛ چون این بخش حساس‌تر از بقیه بحث‌هاست، لطمه بخورد لطمه به تبلیغ دین است. تا به حال که خوب جلو رفته‌ایم. مرادی آدم بانشاطی است. او مراقب همه نکات است و باعث همراهی مردم می‌شود. طبق نظرسنجی مردم و همکاران، بیننده زیادی دارد. کافی است یک هفته نیاید تا همه بپرسند مرادی کجاست؟ همه پیگیر اضافه شدن وقت برنامه‌اند. اشتیاق فراوانی ایجاد کرده و خیلی از بیننده‌ها هم که با دین کمتر مأثوس بودند، الان پیگیر بحث‌ها شده‌اند. محمدمهدی حاجی پروانه- سیدبشیر حسینی- احمد سلیمانی- احسان ناظم بکایی

قصه گویی ابزار قدرتمند انتقال مفاهیم قرآنی است

استاد محمد حسن راستگو: قصه گویی ابزار قدرتمند انتقال مفاهیم قرآنی است. استاد محمدحسن راستگو در مراسم اختتامیه دومین جشنواره قرآنی مهر مبین با عنوان "قصه های قرآنی، پندهای جاودانی" در اراک، قصه گویی را یکی از ابزارهای قوی برای القای مفاهیم قرآنی دانست. به گزارش روابط عمومی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، استاد راستگو رییس مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم با بیان اینکه قرآن کتاب هدایت انسان‌ها است تأکید کرد: دوهزار قصه در قرآن کریم به شکل مستقیم و غیرمستقیم مفاهیم قرآنی را انتقال می‌دهد. وی با اشاره به کتاب "قصه گویی و نمایش خلاق" دیوبی چمبرز ادامه داد: در عصر نرم افزارها و ابزارهای گوناگون، هر اختراعی، اختراع قبل از خود را نسخ کرده است، الا قصه گویی شفاهی که همچنان سینه به سینه به نسل‌های بعد منتقل می‌شود. استاد راستگو به کودکان و نوجوانان توصیه کرد همیشه به دنبال شناخت حق و باطل باشند و تلاش کنند از طریق انس با قرآن به معیارهای لازم برای این شناخت دست پیدا کنند. وی در ادامه یادآور شد در صورتی که بتوانیم حق و باطل را به درستی بشناسیم هرگز دچار سردرگمی نمی‌شویم.

وقت آن است که سلاح‌ها را قلم کنیم

استاد راستگو در جمع طلاب و بلاگ نویس و مدیران وبلاگ‌های دینی با بیان این نکته که تا کنون چنین عرصه‌ای برای طلاب فراهم نبوده اظهار داشت: از صدر اسلام تا به امروز هیچ مبلغی نمی‌توانسته پیام خود را با این تنوع و رایگان در سراسر جهان منتشر کند. وی با تأکید بر این که پیشرفت‌های نظامی و دانش هسته‌ای به جا و لازم است در عین حال گفت: به فرموده امام راحل(ره) امروز وقت آن است که سلاح‌ها را به قلم تبدیل کنیم. استاد راستگو همچنین با اعلام این که خود چند وبلاگ را مدیریت می‌کند، فعالیت وبلاگ دینی را در چند مرحله توصیف کرد و گفت: در مرحله اول باید با عنوان مذهبی و برای مذهبی‌ها بنویسید. در مرحله دوم، همچون حضرت ابراهیم(ع) که میان مشرکان و با ادبیات آنان سخن می‌گفت، به تبلیغ میان غیر مذهبی‌ها و افراد خنثی که موضعی ندارند بپردازید و در مرحله آخر به جذب افراد به دین و مذهب مشغول شوید. وی همچنین با استناد به روایتی، استفاده از راهکارهای گروه باطل را برای اظهار حق، توصیه نمود و وبلاگ نویسی را بهترین ابزار برای مقابله با مفاسدی دانست که از این طریق

ترویج می شود. استاد راستگو خطاب به وبلاگ نویسان، اظهار داشت اطلاعات تخصصی خود در زمینه دین را بالا ببرید تا به مخاطبان خود اطلاعات نادرست و ناقص ندهید. وی در پایان نسبت به فعالیت دشمنان اسلام در قالب وبلاگ های مذهبی و به نام امام زمان و اهل بیت (ع) هشدار داد و اظهار امیدواری کرد با افزایش کاربران معتقد و مذهبی از فعالیت گروه های فاسد و منحرف کاسته شود. گفتنی است نشست وبلاگ نویسان دینی به همت دفتر توسعه وبلاگ دینی و با حضور صد تن از مدیران وبلاگ های مذهبی از جمله استاد جواد محدثی برگزار در قم برگزار شد. دفتر توسعه وبلاگ دینی با هدف بستر سازی فعالیتهای دینی در اینترنت با حمایت و همکاری ستاد پاسخگویی دینی دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم راه اندازی شده است. علاقمندان برای کسب اطلاعات بیشتر می توانند با شماره تلفن ۷۷۴۱۱۶۶-۰۲۵۱ تماس حاصل نمایند. استاد راستگو: وقت آن است که سلاح ها را قلم کنیم. ارسال توسط mansori ۱۳۸۵/۷/۲۲. اخبار مراکز حجه الاسلام محمد حسن راستگو استاد راستگو در نشست وبلاگ نویسان دینی بر روز آمدی و تخصص طلاب در عرصه وبلاگ نویسی تاکید کرد. استاد راستگو در جمع طلاب وبلاگ نویس و مدیران وبلاگ های دینی با بیان این نکته که تا کنون چنین عرصه ای برای طلاب فراهم نبوده اظهار داشت: از صدر اسلام تا به امروز هیچ مبلغی نمی توانسته پیام خود را با این تنوع و رایگان در سراسر جهان منتشر کند. وی با تاکید بر این که پیشرفت های نظامی و دانش هسته ای به جا و لازم است در عین حال گفت: به فرموده امام راحل (ره) امروز وقت آن است که سلاح ها را به قلم تبدیل کنیم. استاد راستگو همچنین با اعلام این که خود چند وبلاگ را مدیریت می کند، فعالیت وبلاگ دینی را در چند مرحله توصیف کرد و گفت: در مرحله اول باید با عنوان مذهبی و برای مذهبی ها بنویسید. در مرحله دوم، همچون حضرت ابراهیم (ع) که میان مشرکان و با ادبیات آنان سخن می گفت، به تبلیغ میان غیر مذهبی ها و افراد خنثی که موضعی ندارند بپردازید و در مرحله آخر به جذب افراد به دین و مذهب مشغول شوید. وی همچنین با استناد به روایتی، استفاده از راهکارهای گروه باطل را برای اظهار حق، توصیه نمود و وبلاگ نویسی را بهترین ابزار برای مقابله با مفاسدی دانست که از این طریق ترویج می شود. استاد راستگو خطاب به وبلاگ نویسان، اظهار داشت اطلاعات تخصصی خود در زمینه دین را بالا ببرید تا به مخاطبان خود اطلاعات نادرست و ناقص ندهید. وی در پایان نسبت به فعالیت دشمنان اسلام در قالب وبلاگ های مذهبی و به نام امام زمان و اهل بیت (ع) هشدار داد و اظهار امیدواری کرد با افزایش کاربران معتقد و مذهبی از فعالیت گروه های فاسد و منحرف کاسته شود. گفتنی است نشست وبلاگ نویسان دینی به همت دفتر توسعه وبلاگ دینی و با حضور صد تن از مدیران وبلاگ های مذهبی از جمله استاد جواد محدثی برگزار در قم برگزار شد. دفتر توسعه وبلاگ دینی با هدف بستر سازی فعالیتهای دینی در اینترنت با حمایت و همکاری ستاد پاسخگویی دینی دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم راه اندازی شده است. علاقمندان برای کسب اطلاعات بیشتر می توانند با شماره تلفن ۷۷۴۱۱۶۶-۰۲۵۱ تماس حاصل نمایند.

: مراجع عظام در استفاده اینترنت حکم شرعی صادر کنند

استاد راستگو، مراجع عظام، استفاده اینترنت، حکم شرعی صادر از بین بردن هویت اصلی انسان از طریق معرفی خود به عنوان یک فرد مجازی دیگر و مخدوش کردن شخصیت طرف مقابل از مشکلات شرعی اینترنت است. خبرگزاری شبستان: از بین بردن هویت اصلی انسان از طریق معرفی خود به عنوان یک فرد مجازی دیگر و مخدوش کردن شخصیت طرف مقابل از مشکلات شرعی اینترنت است که مراجع عظام با صدور حکم شرعی باید جلوی آن را بگیرند. استاد محمد حسن راستگو، رئیس مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در گفتگو با ستاد خبری نمایشگاه رسانه های دیجیتال با بیان این مطلب افزود: اطلاعات کم والدین در استفاده بهینه از فن آوری های نوین، زمینه های ایجاد شکاف نسل ها را در جامعه فراهم می آورد. وی افزود: در دوره ای که اینترنت و تکنولوژی به سرعت در حال پیشرفت هستند این عدم هماهنگی بین نسل ها در آگاهی از رسانه های دیجیتالی می تواند باعث انحراف جامعه و عقب ماندگی خانواده ها شود. وی تاکید کرد: با اطلاع رسانی و آموزش می توان بهره وری از اینترنت را افزایش داد و جامعه را به سمت استفاده مطلوب از آن رهنمون کرد. با استفاده صحیح می توان از اینترنت بهره ای بسیار برد و دانش خود را به روز کرد و در کمترین زمان بیشترین اطلاعات را کسب کرد.

بهرمندی از روش های قدیمی تدریس قرآن دیگر چاره ساز نیست

حجت الاسلام «راستگو»: گروه اجتماعی: روش تدریس درس قرآن در نظام آموزشی ما برگرفته از ۴۰ و ۳۰ سال پیش بوده و پیشرفتی نداشته است، این در حالی است که در گذشته در آموزش ابداع کننده و اجرا کننده بهترین روش تدریس در دنیا بودیم. حجت الاسلام والمسلمین «محمد حسن راستگو» رئیس مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در گفتگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با اعلام این مطلب گفت: خداوند در قرآن از دو روش مثل و قصه به وفور استفاده کرده است و قصه های فراوانی نیز به شکل مستقیم و غیرمستقیم در تفاسیر قرآن وجود دارد، بنابراین اگر نظام آموزشی از این دو روش در کنار ابزار دیگری از قبیل کارتون، فیلم، برنامه های تجسمی و هنر در آموزش استفاده کند بدون شك مفاهیم قرآنی به دانش آموزان بهتر منتقل می شود. وی با اشاره به فطرت پاک انسان ها افزود: این فطرت در دانش آموزان به ویژه در مقطع تحصیلی ابتدایی پاک و دست نخورده تر است به همین منظور از تاثیرپذیری بیشتری برخوردار است و ما می توانیم با برنامه ریزی مناسب فطرت دانش آموزان را متجلی سازیم. عضو شورای عالی دفتر آموزش تبلیغات اسلامی قم: هر زمانی که انسان ها احساس کنند کامل شده اند و نیاز به تکامل از آن ها رفع شده است، یقیناً روز مرگ فکری و فرهنگی آن ها است و از این رو باید دایماً در حال حرکت در

زمینه‌های فرهنگی اجتماعی و سیاسی باشند و در این میان نظام آموزشی و روش تدریس ما در مدارس از این قاعده مستثنی نیستو عضو شورای عالی دفتر آموزش تبلیغات اسلامی، با اشاره به ذات انسان‌ها که خواستار کمال و تکامل است تصریح کرد: هر زمانی که انسان‌ها احساس کنند کامل شده‌اند و نیاز به تکامل از آن‌ها رفع شده است، یقیناً روز مرگ فکری و فرهنگی آن‌هاست و از این رو باید دائماً در حال حرکت در زمینه‌های فرهنگی اجتماعی و سیاسی باشند و در این میان نظام آموزشی و روش تدریس ما در مدارس از این قاعده مستثنی نیست. عضو شورای عالی بررسی کتاب کودک و نوجوان در پاسخ به پرسش خبرنگار ایکن‌ا برای ارایه راهکار رفع این معضل در نظام آموزشی گفت: نظام آموزشی ما می‌تواند با مرور دوران گذشته خود و بهره‌گیری از روش‌های موجود در جهان و ارتباط آن‌ها با فرهنگ اسلامی و ایرانی روش‌های نو و جدیدی ابداع کند و با روش‌های پیشین خود را بهبود بخشد. وی ادامه داد: با استفاده از روش‌های مناسب قرآن و مفاهیم دینی، اخلاق، اعتقادات و آداب لازم را به دانش‌آموزان آموزش دهیم به همین منظور در راستای تحقق این امر نیازمند کارشناسی، ارزیابی و آسیب‌شناسی در این زمینه هستیم تا مجموعه این تحقیقات را به صورت علمی و کاربردی در نظام آموزشی اجرا کنیم. راستگو در پاسخ به پرسش خبرنگار ما که چه راهکارهایی برای جذاب کردن این درس مناسب است، گفت: ما می‌توانیم از ابزارهای آموزشی جدیدی مثل اینترنت که - در حال حاضر در انحصار مسایل خاص است - و نرم‌افزارهای کامپیوتری استفاده کنیم تا مفاهیم قرآنی در کمترین زمان با بیشترین اثر به دانش‌آموزان انتقال یابد. استفاده از ابزارهای جدید برای آموزش قرآن ما می‌توانیم از ابزارهای آموزشی جدیدی مثل اینترنت که - در حال حاضر در انحصار مسایل خاص است - و نرم‌افزارهای کامپیوتری استفاده کنیم تا مفاهیم قرآنی در کمترین زمان با بیشترین اثر به دانش‌آموزان انتقال یابد. رییس مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم معتقد است برای موفقیت در جذاب کردن این درس هم‌چنین می‌توانیم از نظرات کارشناسان در این زمینه استفاده کنیم و مسئولان حکومت نیز با پشتیبانی مالی، فرهنگی، فکری و انطباق با سیاست‌های آینده نظام می‌تواند نظام آموزشی را در این مسیر همراهی کند. وی در ادامه درباره ویژگی‌های مربی قرآن، بر اخلاص و حضور قلب معلم تاکید کرد و گفت: هر کسی در جامعه اگر بخواهد در کارش موفق باشد باید به کاری که می‌کند ایمان داشته باشد برای مثال اگر معمار ساختمانی در زمان ساخت خانه‌ای با خلوص نیت، معنویت و اخلاص این کار را انجام دهد بدون شك آن خانه برای ساکنانش نیز در به یاد آوردن یاد خدا موثر خواهد بود. راستگو ادامه داد: معلمی که قلبش همواره از یاد خدا مملو است و در راه رسیدن به خداوند با اخلاص فعالیت می‌کند حتی اگر از روش تدریس نوینی برخوردار نباشد با معنویت فکری و معنوی خود نسبت به معلمی که روش تدریس‌اش نوین اما بی‌بند و بار است و به کارش ایمان ندارد در جذب دانش‌آموزان به این درس موفق‌تر است. رییس مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در پاسخ به پرسش خبرنگار ایکن‌ا درباره لزوم وجود نمره در سیستم آموزشی گفت: در زمان ریاست شهید باهنر و شهید رجایی در آموزش و پرورش دو پیشنهاد در این زمینه به نظام آموزشی مبنی بر حذف نمره از این درس و یا حذف این کتاب‌ها به‌عنوان واحد درسی داده شد که متأسفانه با مشکلات پیش آمده این کار بررسی نشد. وی ادامه داد: ملاک سنجش و ارزیابی دانش‌آموزان در درس قرآن و دینی در نظام آموزشی نباید بر اساس نمره‌دادن باشد، زیرا این اصل به اثبات رسیده است که همه دانش‌آموزان به یک میزان استعداد و توانایی در آموختن ندارند و هم‌چنین از امکانات و شرایط یکسانی نیز برخوردار نیستند از این رو نمره‌دادن به دانش‌آموزان در این درس کار صحیحی نیست.

تأثیر منفی روحی با تجدیدی در درس قرآن
آموزش و پرورش به دلیل بازتاب‌ها رفتاری دانش‌آموزان در مقابل نمره‌ی پایین این درس به شورای عالی آموزش و پرورش پیشنهاد داده است تا ملاک ارزشیابی دانش‌آموزان از این درس را حذف کند زیرا اگر کودکی از این درس نمره پایین بیاورد یا تجدید شود آسیب‌های آن در دانش‌آموزان جبران‌ناپذیر است. راستگو هم‌چنین تصریح کرد: آموزش و پرورش به دلیل بازتاب‌ها رفتاری دانش‌آموزان در مقابل نمره‌ی پایین این درس به شورای عالی آموزش و پرورش پیشنهاد داده است تا ملاک ارزشیابی دانش‌آموزان از این درس را حذف کند زیرا اگر کودکی از این درس نمره پایین بیاورد یا تجدید شود آسیب‌های آن در دانش‌آموزان جبران‌ناپذیر است. وی افزود: نباید آموزش آموزه‌های قرآن در نظام آموزشی مختص به درس قرآن و دینی باشد بلکه باید سعی شود تا با یک برنامه‌ی صحیح این آموزه‌ها را به سایر درس نیز انتقال دهیم به عنوان مثال در درس فارسی می‌توانیم متون کهن مرتبط با آموزه‌های قرآنی را به جای متون دیگر جایگزین کنیم. عضو شورای عالی بررسی کتاب کودک و نوجوان در پاسخ به پرسش خبرنگار ایکن‌ا درباره وضعیت کتاب‌های درس قرآن در مقطع ابتدایی گفت: هفت سال پژوهش و تحقیق درباره کتاب قرآن در مقطع ابتدایی انجام شد تا موفق شدیم این کتاب‌ها را فضای تنها درس بودن خارج کنیم و با همراه ساختن نقاشی و شعر جذابیت‌های این درس را برای دانش‌آموزان افزایش دهیم. وی در پایان خواستار بهره‌گیری از هنر در آموزش قرآن در مقطع ابتدایی شد تا این درس برای آن‌ها شیرین شود و از حالت یکنواختی و کسل‌کنندگی خارج شود.

مسافرت زیارتی و مسافرت‌های تفریحی

حجت الاسلام محمدحسن راستگو سوال معمولاً در تعطیلات، من و همسر علاقه‌مند هستیم گاهی به شهرهای زیارتی برویم، اما بچه‌ها دوست دارند به شهرهای تفریحی مانند کیش، شمال یا اصفهان برویم. چگونه آن‌ها را به رفتن به مکان‌های زیارتی علاقه‌مند کنیم؟ جواب کارشناس مربوطه: اشکالی ندارد که آن‌ها علاقه‌مند به چنین سفرهایی باشند. یکی از بهترین راه‌ها برای این‌که به بچه‌ها هم، آزادی انتخاب داده شود، قرعه‌کشی است. نام شهرها را روی کاغذ بنویسید و در یک لیوان بریزید. بعد از آن‌ها بخواهید تا انتخاب کنند. برای علاقه‌مند شدن آن‌ها به سفرهای زیارتی هم، به کار زمینه‌ای نیاز است. باید دلیل‌های رفتن به زیارت معصومین و ائمه (علیهم‌السلام) را برای بچه‌ها با زبان کودکانه شرح دهید. این‌که آن‌ها چه نسبتی با خوبی‌ها دارند و با زیارت آن‌ها، خوبی‌های ما هم پایدارتر می‌شود. همچنین می‌توانید سفر را با توجه به هزینه‌های مالی و اقتصادی آن، به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنید که هم سیاحتی باشد، هم زیارتی، مانند شیراز یا مشهد؛ اما مثلاً اگر شما به عنوان پدر و مادر دوست دارید به قم بروید، می‌توانید آن را در گزینه‌های قرعه‌کشی بنویسید و در همان قرعه‌کشی، به ترتیب مقصد سفرهای بعدی را هم تعیین کنید. استاد راستگو: کف زدن و هورا کشیدن در برنامه کودک قابل پذیرش نیست/استاد راستگو: کف زدن و هورا کشیدن در برنامه کودک قابل پذیرش نیست/استاد «محمدحسن راستگو» هورا کشیدن، کف زدن، اختلاط دختر و پسر و موسیقی برنامه‌های کودک را قابل پذیرش ندانست. به گزارش سایت خبری رسا دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم به طور مشخص برنامه تلویزیونی «فیتله جمعه تعطیله» را که صبح‌های جمعه از شبکه دوم سیما پخش می‌شود، مورد ارزیابی قرار داد و گفت: «اختلاط دختر و پسر از اشکالات برنامه فیتله است. هر چند بچه‌های حاضر در این برنامه کوچکند و از نظر شرعی، تکلیفی ندارند و من هم انسان تنگ نظری نیستم که حجاب کامل را برای بچه‌های نابالغ واجب بدانم، ولی مساله این است که دختر بچه باید بداند پوشش او با پسرها فرق دارد و مجاورتش با آنها کار درستی نیست، از این رو می‌توان با پوشاندن لباس‌های رنگی زیبا با پوشش مناسب به دختر بچه‌ها، آنها را از کودکی با این مفاهیم آشنا کرد و در برنامه‌های تلویزیونی هم می‌توان آنها را از هم جدا، یا یک برنامه ویژه دختران و یک برنامه ویژه پسران تولید کرد.» این پژوهشگر کودک و نوجوان حضور خود را در برنامه فیتله و عمو پورنگ منتفی دانست و خاطرنشان کرد: «حضور یک شخصیت حقیقی و حقوقی با لباس روحانیت در چنین برنامه‌هایی که همراه با تحرک وسیع و قوی هنرمندان آن است، هیچ تناسبی ندارد و تاثیرگذار هم نیست، هر چند می‌توان به صورت کمکی و جنبی مثل تماس تلفنی در این برنامه حاضر شد.» مساله هورا و جیغ کشیدن و سوت و کف زدن را در برنامه‌های کودک قابل پذیرش ندانست و ادامه داد: «هر چند شاید بتوان از کف زدن با مسامحه گذشت، ولی در موارد دیگر باید تجدید نظر شود، چرا که نادرستی آن مثل کراهت وجود مجسمه در مکان نمازگزار است، با این توجه که امروزه در ایران کسی از دیدن مجسمه به یاد بت نمی‌افتد، ولی باید دانست که احکام اسلام تنها برای یک منطقه جغرافیایی مثل ایران نیست و همین الان در کشورهایمانند هند بت پرستی رواج دارد. به هر حال سخن این است که چرا ما با این فرهنگ قوی دینی و ایرانی، نوآوری نکنیم و لفظی را بر اساس فرهنگ و مذهب خودمان ابداع نکنیم و از الفاظی مانند هورا استفاده کنیم که هنگام روشن کردن آتش آن را بیان می‌کردند.» وی در ادامه اظهار داشت: «جیغ زدن مساله‌ای است که به نظر برخی روانشناسان انسان را از نظر روانی تخلیه می‌کند، ولی عادت دادن بچه‌ها به آن افزون بر اینکه در زندگی شهرنشینی کنونی حقوق دیگران را ضایع می‌کند، متناسب با جایگاه یک برنامه تلویزیونی که باید آموزنده و سازنده باشد، نیست.» وی با بیان اینکه طرب انگیز نبودن، متناسب نبودن با مجالس لهو و لعب و افسادگر نبودن شعر از ویژگی‌های موسیقی حلال است، بیان داشت: «مساله موسیقی از دیرباز در صدا و سیما مطرح بوده و درباره معیارهای موسیقی مذهبی دیدگاه‌های فراوانی مطرح شده است؛ اما آنچه اهمیت دارد این است که نظام اسلامی با موسیقی مخالف نیست و اگر کسی به طور مطلق مخالف آن باشد، این مخالفت نظر شخصی اوست و نمی‌تواند برای نظام اسلامی دستورالعمل باشد.» استاد راستگو ادامه داد: «به هر حال سازندگان برنامه فیتله باید نسبت به انتخاب موسیقی‌ها دقت کافی داشته باشند و حین اجرا نیز حرکات خود را کنترل کنند، چرا که در برخی موارد دیده شده این حرکات بر بچه‌ها به ویژه دختر بچه‌هایی که در منزل این برنامه را تماشا می‌کردند، تاثیرگذار بوده و آنها را به حرکت واداشته است.» وی با انتقاد از خواندن برخی اشعار به زبان‌های محلی در برنامه فیتله گفت: «از آنجا که زبان اصلی در ایران، فارسی است باید این اصل در همه برنامه‌ها اجرا یا ترجمه آنچه به زبان محلی خوانده می‌شود نیز برای بچه‌ها بیان شود.» وی نام فیتله را به دلیل عوامانه و غیرمتداول بودن آن برای این برنامه متناسب ندانست و خاطرنشان کرد: «در انتخاب یک نام برای برنامه کودک باید درک مفهوم آن از سوی بچه‌ها مورد توجه قرار گیرد.» به هم می‌رسیم ۳ نفر می‌شیم. من و تو و شادی. از هم دور می‌شیم ۴ نفر می‌شیم. تو و تنهایی، من و خاطره.

استاد محمد حسن راستگو، در مصاحبه با روزنامه‌ی همشهری، عرف را فرهنگی عجین و آمیخته با جامعه می‌داند. وی در خصوص تعامل با هنجارهای موجود در جامعه، به شکلی که ضدیت با دین را تعدیل کرده و از بین ببرد، با اشاره به تجارب خود برای تغییر مفاهیم و هنجارهای موجود در فرهنگ فعلی جامعه‌ی ایران، می‌گوید: یک بار برای اجرای برنامه به شیراز رفته بودم. یکی از نماینده‌های کلیمی‌ها گفت بیا برای بچه‌ها برنامه اجرا کن. خندیدم و گفتم: میدانی من مسلمانم. گفت: بله می‌دانم. گفتم خب من اگه بیایم و برنامه اجرا کنم روی تخته اول می‌نویسم بسم الله الرحمن الرحیم. نمی‌نویسم این و اخ و روح القدس. گفت: خب بنویس. بچه‌های ما که همین جوری برنامه‌های شما را نگاه

میکند حالا بیا برای خودمان اجرا کن. رفتیم به یکی از مدارس ارامنه ی دخترانه ی تهران. خیلی خوششان آمد. یک جدول بازی دادم که در آن کلمات لوقا، مریم، قرآن و احمد وجود داشت. از شهدای ارامنه در جنگ تحمیلی هم حرف زدیم. بعد از برنامه توی دفتر نشسته بودم تا استراحت کنم، دو تا از دانش آموزان آمدند و رد شدند و داشتند با هم حرف می زدند. حواسشان هم نبود که من می شنوم. گفتند: به خدا همین آخوند مسلمان از کشیش ما بهتر صحبت می کند. قرار نبود من آنها را مسلمان کنم. ولی این خودش خیلی کار است که ذهنیت آنها نسبت به بعضی از مفاهیم دین با این اجرا تغییر کند. حتی اجرای برنامه و سخنرانی در جمع شیطان پرستان هم داشته ام. اتفاقاً خیلی هم استقبال کردند. سوالاتی پرسیدند و من جواب دادم. و چون در مورد خدایشان (شیطان!) هم بود، استقبال کردند. خیلی ساده و صمیمی با آنها برخورد کردم و همین باعث شد که خیلی خوششان بیاید و اصلاً کسی هم اعتراضی نداشت، حتی وقتی جلسه تمام شد و من بیرون آمدم آنها تا مدتی دور من جمع بودند و سوالاتشان را مطرح می کردند. وی معتقد است که می توانیم هنجارها را با قدرت و دقت فرهنگی جلو ببریم که مخاطبان وقتی بارتاب هایش را ببینند، تحت تاثیر قرار بگیرند، اما باید مرتب بازخوردها را حساب کنیم. راستگو در مورد آموزش قرآن به کودکان، با اشاره به محدود بودن سایت هایی که در ایران برای کودک و نوجوان مسائل دینی و عقیدتی را مطرح می کنند، می افزاید: حدود ۲ هزار قصه ی ناگفتنی در قرآن کریم داریم. چه قصه هایی که در قرآن مستقیم و کامل روایت شده، چه قصه هایی که خدا فقط اسم برده و توضیحی در مورد آن نداده است، مثل قوم صبا. هر کدام از آیات می توانند یک قصه باشند. اگر آیات اینها را هم در نظر بگیریم می شود ۱۰۰ هزار قصه از قرآن نوشت. استاد راستگو که تا چندی پیش در شبکه های ۲ و قرآن اجرای برنامه های دینی و قرآنی را برای کودکان و نوجوانان با زبانی ساده و صمیمی، به عهده داشته است، تصریح می کند: در جهان پیشرفته قصه های انجیل و تورات را برای بچه ها به زبانی زیبا و نقاشی می سازند و وارد می کنند، یکی از خدمات اجتماعی کشیشان این است که نفوذ خودشان را بین بچه ها و نسل آینده زیاد کنند. سخنرانی یک روحانی برای شیطان پرستها چهارشنبه ۰۴ شهریور ۱۳۸۸ ساعت ۱۷:۵۱ استاد محمد حسن راستگو، در مصاحبه با روزنامه ی همشهری، عرف را فرهنگی عجیب و آمیخته با جامعه میداند و در خصوص تعامل با هنجارهای موجود در جامعه، به شکلی که ضديت با دین را تعدیل کرده و از بین ببرد، با اشاره به تجارب خود برای تغییر مفاهیم و هنجارهای موجود در فرهنگ فعلی جامعه ی ایران، میگوید: يك بار برای اجرای برنامه به شیراز رفته بودم. از نماینده های کلمی ها گفت بیا برای بچه ها برنامه اجرا کن. خندیدیم و گفتیم: میدانی من مسلمانم. گفت: بله میدانم. گفتیم خب من اگه بیایم و برنامه اجرا کنم روی تخته اول مینویسم بسم الله الرحمن الرحيم. مینویسم این و اخ و روح القدس. گفت: خب بنویس. بچه های ما که همین جوری برنامه های شما را نگاه میکنند حالا بیا برای خودمان اجرا کن. رفتیم به یکی از مدارس ارامنه ی دخترانه ی تهران. خیلی خوششان آمد. يك جدول بازی دادم که در آن کلمات لوقا، مریم، قرآن و احمد وجود داشت. از شهدای ارامنه در جنگ تحمیلی هم حرف زدیم. بعد از برنامه توی دفتر نشسته بودم تا استراحت کنم، دو تا از دانش آموزان آمدند و رد شدند و داشتند با هم حرف می زدند. حواسشان هم نبود که من می شنوم. گفتند: به خدا همین آخوند مسلمان از کشیش ما بهتر صحبت می کند. قرار نبود من آنها را مسلمان کنم. ولی این خودش خیلی کار است که ذهنیت آنها نسبت به بعضی از مفاهیم دین با این اجرا تغییر کند. حتی اجرای برنامه و سخنرانی در جمع شیطان پرستان هم داشته ام. اتفاقاً خیلی هم استقبال کردند. سوالاتی پرسیدند و من جواب دادم. و چون در مورد خدایشان (شیطان!) هم بود، استقبال کردند. خیلی ساده و صمیمی با آنها برخورد کردم و همین باعث شد که خیلی خوششان بیاید و اصلاً کسی هم اعتراضی نداشت، حتی وقتی جلسه تمام شد و من بیرون آمدم آنها تا مدتی دور من جمع بودند و سوالاتشان را مطرح می کردند. وی معتقد است که می توانیم هنجارها را با قدرت و دقت فرهنگی جلو ببریم که مخاطبان وقتی بارتاب هایش را ببینند، تحت تاثیر قرار بگیرند، اما باید مرتب بازخوردها را حساب کنیم. راستگو در مورد آموزش قرآن به کودکان، با اشاره به محدود بودن سایتهایی که در ایران برای کودک و نوجوان مسائل دینی و عقیدتی را مطرح می کنند، می افزاید: حدود ۲ هزار قصه ی ناگفتنی در قرآن کریم داریم. چه قصه هایی که در قرآن مستقیم و کامل روایت شده، چه قصه هایی که خدا فقط اسم برده و توضیحی در مورد آن نداده است، مثل قوم صبا. هر کدام از آیات می توانند یک قصه باشند. اگر آیات اینها را هم در نظر بگیریم می شود ۱۰۰ هزار قصه از قرآن نوشت. استاد راستگو که تا چندی پیش در شبکه های ۲ و قرآن اجرای برنامه های دینی و قرآنی را برای کودکان و نوجوانان با زبانی ساده و صمیمی، به عهده داشته است، تصریح می کند: در جهان پیشرفته قصه های انجیل و تورات را برای بچه ها به زبانی زیبا و نقاشی می سازند و وارد میکنند، یکی از خدمات اجتماعی کشیشان این است که نفوذ خودشان را بین بچه ها و نسل آینده زیاد کنند.

پرورش اخلاقی نونهالان و نوجوانان و کودکان برای همه کشورها و جوامع واقعاً مهم است. ولی برای ما اهمیت مضاعفی دارد. مقام معظم رهبری ظرفتها و لطافت های کار تربیتی و آموزشی در مورد کودکان و نوجوانان به ظرفیت خود کودکان و دقت و شکنندگی های دوران طفولیت است. تبلیغ شایسته برای این قشر بیش از صحنه های دیگر تبلیغ نیازمند برنامه ریزی و دقت و هماهنگی است. مبلغ باید تلاش کند تا با شناخت زمان، مخاطب، نیازها، مشکلات، استعدادها و توانمندی های خود و جامعه به زیباترین و ساده ترین شیوه، معارف اسلام ناب و مکتب اهل بیت علیهم السلام را به نسل تشنه جامعه تحویل دهد و آنان را از چشمه زلال معرفت اسلام ناب محمدی سیراب گرداند و گر نه هر خوراکی چنانچه به موقع، به اندازه و به تناسب داده نشود نه تنها برای سلامت مفید نخواهد بود که مخل سلامت خواهد

شد. با توجه به نامگذاری سال ۱۳۸۷ به نام سال «نوآوری و شکوفایی» از سوی مقام معظم رهبری «مدظله‌العالی» مناسب است مبلغین گرامی، این حس را در مخاطبین تقویت کرده و آن‌ها را در تمامی زمینه‌ها و عرصه‌ها، رهنمون سازند. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و سازمان تبلیغات کوشیده‌اند تا امر تبلیغ را به روز کرده و با اجرای روش‌های نوین تبلیغ این مهم را به نیکوترین نحو انجام دهند. در پایان از صاحب‌نظران و محققان مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان که با همکاری صمیمانه و مخلصانه خود جهت تدوین ره‌توشه راهیان نور ویژه کودکان و نوجوانان تلاش ارزشمندی را انجام داده‌اند تقدیر و تشکر به عمل می‌آوریم. معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم مقدمه اسلام نگاه تأییدی به اوقات فراغت دارد و در کلام پیشوایان دین در جهت تقسیم اوقات زندگی، بخشی را به آن اختصاص داده‌اند، در صورتی که اوقات فراغت در جهت درست بهره‌برداری گردد، آدمی را با روحیه‌ای شاداب و سرزنده آماده بهره‌برداری از سایر اوقات - چه در امور عبادی و اخروی و چه امور دنیوی و معیشتی - می‌گرداند. مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان افتخار دارد که امسال نیز ره‌توشه تابستان را متناسب با استعدادها، سلیقه‌ها، نیازهای حقیقی و زیبایی‌پسندی مخاطبین، آماده نماید. جهت بهره‌مندی بیشتر از کتاب رعایت نکات زیر ضروری است: الف) با مطالعه دقیق کتاب، هم دانش‌آموزان را از معارف سرشار قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام بهره‌مند ساخته و هم ما را از نظریه‌ها و پیشنهادهای سازنده خود آگاه سازید. ب) با به کارگیری روش‌های زیبا، نو و جذاب در جذب فرزندان انقلاب اسلامی بکوشید تا توطئه‌های دشمنان برای ربودن ایمان و معنویت آنان ناکام بماند. ج) همراه کتاب CD آموزشی ارائه شده تا شما را در اجرای هر چه بهتر کمک می‌کند. د) در قسمت فعالیت‌های پرورشی، جهت شکوفایی دانش‌آموزان طرح‌هایی ارائه شده تا با استفاده از پوستر ضمیمه دانش‌آموزان را بهتر راهنمایی نمایید. در خاتمه ضمن آرزوی اخلاص بیشتر و توفیق روزافزون از پروردگار متعال برای کلیه عزیزان دست‌اندرکار این کتاب در مرکز تربیت مربی به ویژه حجه‌الاسلام آقای حسین حقیقت مسؤول محترم پژوهش و نویسندگان و اعضای محترم هیئت‌تحریریه آقایان: محمد علینی، محمدرضا عابدی و غلامرضا محسنی، طراح آقای سعید فرخوند و امور رایانه آقای محمدرضا شفاعتی، سپاس پیشاپیش خود را نیز به معاونت فرهنگی تبلیغی و همکاران سخت‌کوشان تقدیم می‌دارم. خواستار توفیقات شما در ارائه هر چه بهتر مفاهیم اسلامی به کودکان و نوجوانان محمد حسن راستگو

بازی‌های رایانه‌ای و پرخاشگری

مقداد مهرابی نیز در این همایش درباره دانش فناوری بازی‌های رایانه‌ای اظهار داشت: دانش فناوری بازی‌های رایانه‌ای با توجه به اهداف گنجانده شده در آن از اهمیت بسیاری برخوردار است. وی به تأثیر بازی‌های رایانه‌ای و ارتباط آن با پرخاشگری‌های ایجاد شده در جهان اشاره کرد و گفت: از آن جایی که دسته‌ای از نرم افزارهای رایانه‌ای محتوایی اکشن دارند و با پیشرفت میزان دانش فناوری طراحی آن‌ها شکلی حرفه‌ای‌تر در نمایش‌های اکشن نمایان می‌کنند، می‌توان گفت، تأثیر بسیار زیادی برای ایجاد روحیات خشن روی افراد مختلف داشته‌اند که این مسئله حائز اهمیت است.

بازی رایانه‌ای، رسانه‌ای انکار ناپذیر

به گزارش برنا، ابراهیم محسنی، از اساتید ارتباطات نیز در این همایش درباره تعریف بازی‌های رایانه‌ای، بخشی از سخنان کوثری را تائید کرد و افزود: بازی‌های رایانه‌ای فقط متن نیستند که به روایت حادثه‌ای بپردازد، بلکه در کنار این تعریف می‌توان بازی‌های رایانه‌ای را رویه‌ای دانست که اتفاق می‌افتد و به عنوان سرگرمی مطرح هستند و گاهی ظاهراً هدف خاصی را دنبال نمی‌کنند، بنابراین فقط اتفاق می‌افتد و حادثه‌ای خاص را روایت نمی‌کنند. محسنی همچنین تصریح کرد: بازی‌های رایانه‌ای، تنها نرم افزاری برای کودکان محسوب نمی‌شوند و به همین دلیل پیام رسانی برای تمام اقشار محسوب می‌شوند. وی نقش رسانه‌ای بازی‌های رایانه‌ای و تأثیرگذاری آن بر افراد را تائید کرد و افزود: بازی‌های رایانه‌ای دارای محتوایی هستند که ناشی از هدف مورد نظر طراح و برنامه‌ریز و تهیه‌کنندگان آن است. بنابر این پیامی را برای ابلاغ به بازی‌کننده به همراه دارد. محسنی، افزود: همان‌گونه که رسانه‌ها پیامی به همراه دارند، بازی‌های رایانه‌ای نیز هر چند در متن و در محتوا، روایتی را در خود گنجانده‌اند، اما به همراه این روایت قطعاً پیامی را به کاربران خود و در بخش‌های بازی و آموزش القاء می‌کنند و به طور قطع یک رسانه‌اند. زن، بخش ناهنجار بازی‌های رایانه‌ای

رویا مردای زاده، دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباطات در بخش دیگری از این همایش با مطرح کردن بحث جنسیتی بازی‌های رایانه‌ای، اظهار داشت: بر طبق تحقیقی که بر روی بازی‌های رایانه‌ای انجام شده است "تبعیض جنسیتی" به وضوح در اغلب بازی‌های رایانه‌ای وجود دارد. وی با مو شکافی و بازکردن معنای عبارت "سایبورگ" در طراحی بازی‌های رایانه‌ای تصریح کرد: خانم "های‌هاروای" یکی از نظریه پردازان بازی‌های رایانه‌ای در تعریف شخصیت‌های سایبورگ در این بازی‌ها می‌گوید: شخصیت‌های سایبورگ، شخصیت‌هایی فراجنسیتی هستند که میزان خلایق در آن برای زن و مرد برابر است. وی با رد نظر هاروای افزود: در تحقیقاتی که انجام شده است آماری به دست آمده که نشان می‌دهد در ۸۵ درصد بازی‌های رایانه‌ای زن یا اصلاً حضور ندارد و یا کاملاً مورد ظلم و ستم قرار می‌گیرد و یا شخصیتی است که فقط برای نشان دادن ویژگی‌های زنانه و جلب توجه و سوء استفاده‌های جنسی نمایش داده می‌شود. وی افزود: در بازی‌های رایانه‌ای اگر زن به عنوان نقش اول و قهرمان حضور داشته باشد، شکل

و هیبتی کاملاً جنسی از او در اختیار بازی کننده می گذارند. در این حالت زن، فردی عصبانی نشان داده می شود مانند فردی که دارای دندان های نیش دار است. روحیه ای پریشان دارد و کارهای خارق العاده را با بدنی نیمه برهنه و برجسته سازی اندام جنسی اش انجام می دهد، زنی که با لباس های تنگ و نیمه، مانند مردان کارهای عضلانی و سخت را ممکن می کند!

منطق گرایی و رقابت طلبی

به گزارش برنا، مهرش زاکری سخنران دیگری بود که در این همایش به سخنرانی پرداخت. وی نیز دانشجوی کارشناسی ارشد ارتباطات است که مطالبی را در موضوع "جنسیت و بازی های رایانه های" بیان کرد. وی معتقد است: برداشت افرادی که به بازی های رایانه ای می پردازند با توجه به دختر و پسر بودن آن ها، رمزگشایی می شود و در بیشتر موارد این دریافت همان برداشتی است که مد نظر و مورد هدف برنامه نویس آن بازی رایانه ای بوده است. به عبارت دیگر افراد با توجه به تمایلات طبیعی که در آن ها وجود دارد، همان مفهومی را از بازی قرائت می کنند که مد نظر طراح بوده است. وی در ادامه افزود: دخترها معمولاً گرایش خاصی به انجام بازی های رایانه ای ندارند اما معمولاً به انجام بازی های مهارتی و منطقی رغبت نشان می دهند اما پسر ها اصولاً به انجام بازی های رقابتی می پردازند و به شکل اصول تمایل بیشتری برای بازی های رایانه ای دارند. زاکری تاکید کرد: بازی های رایانه ای معمولاً حول موضوعاتی برای مردان ساخته می شود و اگر زنی به عنوان قهرمان در این بازی ها حضور داشته باشد، کارهایی غیر عادی را با اندامی که مشابه مردان است - مثلاً اندام ورزیده - انجام می دهد. از این رو معمولاً دختر ها برای انجام بازی هایی که دارای بار آموزشی است، رغبت دارند و کمتر به بازی های اکشن می پردازند زیرا این تصویر غیر واقعی نمی تواند خاستگاه آن ها باشد. وی با اشاره به بازی رایانه ای "مقبره" که در آن زنی با اندام زنانه و هیبتی مردانه نقش اول و قهرمان داستان است، افزود: این زن بر خلاف بسیاری از بازی ها که در آن زن قهرمان، ظاهری پریشان و عصبی دارد آرام است و فردی نجات دهنده محسوب می شود نه نجات خواهنده، اما بعد جنسی و برهنگی زنانه او علی رغم ظاهر خشن و مردانه ای که برایش در کل بازی ترسیم شده به وضوح دیده می شود و ظرافت های زنانه را می توان به راحتی در طراحی رفتار او مشاهده کرد. همایش "بازی های رایانه ای و رسانه" ۲۹ بهمن در تالار شریعتی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شد.

معرفی مشاهیر راستگو، محمدحسن

(ملیت: ایرانی قرن: ۱۵) محمد حسن راستگو محل تولد: مشهد شهرت تابعیت: ایران تاریخ تولد: ۱/۱/۱۳۳۲ زندگینامه علمی محمد حسن راستگو در سال ۱۳۳۲ هجری شمسی در شهر مشهد به دنیا آمد، او در سال دوم دبیرستان به حوزه علمیه مشهد وارد و سطح را در مشهد و تنمه سطح و دروس خارج حوزه را در قم گذراند او مبتکر برنامه ویژه تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان به صورت کلاس، اردو، دروس کلاسیک برای مربیان پرورشی، مراکز تربیت معلم، حوزه های علمیه و صدا و سیمای جمهوری اسلامی است (برنامه های بازی با کلمات، راز دایره ها و غیره) تحقیقات او در زمینه های عقاید، تعلیم و تربیت، روانشناسی، اخلاق، احکام، تاریخ، قصص قرآن، قصص کودکان و نوجوانان، مشاوره و راهنمایی، تفسیر قرآن، مسائل اجتماعی، ادبیات عرب، ادبیات فارسی، شعر و برنامه ریزی درسی است. در زمینه شعر هم آثاری از ایشان می توان دید، ۲ جلد کوچک آی بچه ها آی بچه ها، گرد آوری کتاب شعر و سرود (سرودهای اسلامی) با همکاری آقای سالاری از آن جمله می باشد. در زمینه قصه هم آثار متعددی را میتوان از ایشان یافت از آن جمله می توان: الیاس پیغمبر خدا، مهاجرت به حبشه، با شهامت می پرم و... را نام برد. از دیگر فعالیت های ایشان: • همکاری چند ساله با مجله کودک مسلمان در اواخر انقلاب و چاپ دهها شعر و قصه و غیره • مدیریت مرکز تربیت مربی که در این مرکز فعالیت های ذیل قابل توجه است: • تدریس ۲۵ دوره تربیت مربی مقدماتی کلاس داری، امور اردو داری، قصه گوئی، روش های برخورد با کودکان و نوجوانان، مسابقات، دروس عمومی مبانی تعلیم و تربیت، مهارتهای تدریس برای طلاب حوزه علمیه قم و ۱۰ دوره در شعبه دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان و ۱۳ دوره در دفتر تبلیغات اسلامی مشهد، که بیش از ۴۰۰۰ نفر از این اردوها فارغ التحصیل و دهها شاعر کودک، نویسنده کودک، برنامه ریز کودک، طراح برنامه های تلویزیونی، کارشناس و محقق تحویل جامعه اسلامی ایران داده شده است. • کتابهای ره توسته راهیان نور در مقطع ابتدایی و راهنمایی کتاب های مختلف و جزوات گوناگون و صداها مقاله و شعر و قصه و تحلیل در نشریات کودک و نوجوان و غیر آنها ثمره این مدیریت بوده است. • ارتباط با ۱۵۰ سایت کودکان و نوجوانان و بهره گیری از تجارب دیگران مرتبط با سایت های اسلامی در اینترنت • سفرهای تبلیغی و تحقیقی به عربستان سعودی، ۱۷ سفر حج و عمره و عتبات، سوریه، لبنان، ترکیه، پاکستان، قطر، امارت متحده عربی، مراکش، اسپانیا، عراق و... • همکاری با اکثر نهادهای انقلاب اسلامی و شرکت در برنامه ریزی بسیاری از تشکیلات فرهنگی و غیره... • تدریس موارد زیر در دانشگاههای آزاد اسلامی قم، دانشکده اصول دینی، دانشکده ارشاد در قم: • قصه گوئی و نمایش خلاق • مشاوره و راهنمایی امور عمومی کودکان و نوجوانان • بررسی تحلیلی قصه های قرآن و تنزیه الانبیا • نقش ریتم و سرود در تربیت • نقش مسابقات در پیشبرد مسائل تربیتی • بررسی سیستم ها • سخنرانها فراوان در نماز جمعه های کشور (قبل از خطبه ها)، دانشگاه ها، مراکز تربیت معلم، سمینارهای کشوری و غیره • جلسات فراوان پرسش و پاسخ تربیتی، آموزشی، اجتماعی و غیره را می توان نام برد.

فهرست کلی آموزشها

- * ضرورت و اهمیت کار فرهنگی برای کودکان و نوجوانان
- * روش کلاسداری و تدریس
- * روش بیان حدیث و احکام
- * اصول و روش قصه‌گویی
- * شعر و کتاب کودک
- * اسباب بازی و وسائل کمک آموزشی
- * مسابقات و سرگرمی

و دهها روش جذاب آموزش معارف اسلامی به کودکان و نوجوانان
فهرست تفصیلی
بخش اول

- * ضرورت کار فرهنگی برای کودکان و نوجوانان
- * سفارش دین، تلاش دیگران و تاثیرپذیری
- * فضای فیزیکی کلاس
- * فضای الهی کلاس
- * شناخت مربی از خود، خدا و مخاطب
- * اصول و انواع قصه قرآن
- * انواع قصه‌های قالبی و نمونه‌ای قرآنی
- * ارکان قصه

بخش دوم

- * گفت و گو در قصه
- * زمان، مکان، حالت، شخصیت و حرکت
- * خانواده‌های متعادل، متکامل و متزلزل
- * روش بیان قصه
- * صدا در قصه‌گویی
- * حرکت و قیافه در قصه‌گویی
- * خط رسمی و فانتزی
- * انواع کتاب کودک
- * مراحل بازی با کلمات

بخش سوم

- * انواع و روش ساخت جدول
- * جدول بگرد و پیدا کن
- * جدول و القاء مستقیم و غیر مستقیم
- * معما و اگر تابلو نبود!
- * بازی با کارت
- * انواع کارتهای موجود
- * ترکیب حرف اول و آخر
- * انواع کارتهای کاربردی

بخش چهارم

- * راز دایره‌ها و گل‌ها
- * اجرای برنامه ممنوع
- * بررسی اسباب‌بازی‌ها

- * کاربرد اسباب‌بازی
- * نقاشی و طراحی
- * روش بیان حدیث
- * طرح و برنامه و ارزشیابی

مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان

راه اندازی کتابخانه تخصصی کودکان و نوجوانان، با بیش از ۱۵۰۰۰ جلد کتاب، و انتشار نشریه طلیعه و کتاب های یکصد حکایت تربیتی، شب آخر و... و ده ها جزوه درسی و مشارکت در تدوین متون آموزشی و تبلیغی ره توشه راهیان نور، در مقطع ابتدایی و راهنمایی و برگزاری ده ها دوره تخصصی تربیت مربی کودکان و نوجوانان، از خدمات آموزشی و تبلیغی این مرکز است.

استاد راستگو: مرکز تربیت مربی کودک و نوجوان حوزه علمیه قم هفت هزار فارغ التحصیل دارد

دوره تربیت مربی تاکنون چهارده دوره در مشهد، ده دوره در اصفهان و بیست و نه دوره در قم برگزار شده است و توانسته ده ها نویسنده، محقق، طنزنویس، شاعر و سردبیر مجلات کودک و نوجوان را تربیت کند.

منبع خبر: www.rasanews.com

مدیر مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم از فارغ التحصیلی هفت هزار نفر در این مرکز آموزشی خبر داد.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری رسا، استاد محمد حسن راستگو، مدیر مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، دوم آبان ماه، در افتتاحیه بیست و نهمین دوره تربیت مربی کودکان و نوجوانان، که در دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم برگزار شد، گفت: هدف ما از تمرکز بر تربیت کودک و نوجوان پاکی و خلوص این قشر است که آن ها را آماده پذیرش و آموزش هر مطلبی می کند.

وی خطاب به مربیان گفت: کار ما بعد مادی ندارد و رمز موفقیت در این راه فقط گام برداشتن برای رضای خداوند است.

استاد راستگو در ادامه با بیان این که دوره تربیت مربی تاکنون چهارده دوره در مشهد، ده دوره در اصفهان و بیست و نه دوره در قم برگزار شده است و توانسته ده ها نویسنده، محقق، طنزنویس، شاعر و سردبیر مجلات کودک و نوجوان را تربیت کند، درباره چگونگی این دوره ها گفت: شرکت کنندگان پس از قبولی در دوره مقدماتی به دوره عمومی و سپس تخصصی راه پیدا می کنند و پس از قبولی در دوره تخصصی نیز به عنوان مربی به مناطق مختلف اعزام می شوند.

وی افزود: در دوره مقدماتی کلیاتی درباره ضرورت کار فرهنگی برای کودک و نوجوان در یک فضای آموزشی و معنوی و صفات و ویژگی های مربی و معلم را بیان می کنیم و طلاب را با نمونه کارهای دیگران برای کودکان و نوجوانان مثل کتاب، عکس، فیلم، کارتون، قصه گویی، قصه های قرآنی و مثل ها و جدول های قرآنی و سایت های اینترنتی آشنا می کنیم که در صورت موفقیت در این مرحله به دوره عمومی راه پیدا می کنند.

رئیس مرکز تربیت مربی کودکان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در ادامه گفت: مربیان در دوره عمومی با بهره گیری از اساتید حوزه و دانشگاه، مهارت های تدریس و مبانی تعلیم و تربیت و خوشنویسی را کسب می کنند و پس از گذراندن آزمون کتبی، در دوره تخصصی یا کارگاهی شرکت می کنند و در پایان با اجرای برنامه زنده در حضور کارشناسان مرکز و موفق شدن در این آزمون برای اعزام به مراکز تربیتی آماده می شوند.

وی اضافه کرد: قبول شدگان دوره تخصصی در مرحله اول در مدارس قم و سپس در مدارس سراسر کشور و در اردوهای تابستانی و کانون های تربیتی و ارشاد و مراکز بسیج دانش آموزی اعزام می شوند.

استاد راستگو گفت: فارغ التحصیلان دوره تخصصی در ادامه در دوره ویژه، که هنوز به طور رسمی راه اندازی نشده، شرکت خواهند کرد که پس از گذراندن آن به سمینارهای داخل و خارج از کشور و مراکز مشاوره خانواده و برنامه های کودک و نوجوان صدا و سیما اعزام می شوند.

وی در پایان با بیان این که این مرکز شعبه هایی در مشهد، اصفهان، شیراز، اهواز، تبریز و بناب و فعالیت هایی در بابل، ساری، یزد، اردکان و کشور های افغانستان و سوریه و عراق دارد، افزود: تا کنون هفت هزار نفر در این دوره ها فارغ التحصیل شده اند که بیشتر آن ها به کار تربیت کودکان و نوجوانان اشتغال دارند و بسیاری نیز به عنوان قاضی، امام جمعه و جماعت، روحانی حج و زیارت و روحانی عقیدتی سیاسی نیروهای نظامی و انتظامی خدمت می کنند.

متن مقاله

اشاره

گوهر پاک و فطرت آسمانی کودک و نوجوان، بدون پرداختن و پروراندن سالم، در معرض تباهی است. چنانکه انبوه بازی های کامپیوتری خارجی با محتوایی نامطلوب، و بازی های داخلی با کیفیتی ضعیف، بازار را پر کرده است و با القایی روان شناختی، مستقیم و غیر مستقیم، دل پاک او را تهدید می کند. شناخت کارشناسانه ساختار و چگونگی تأثیر گذاری این بازی های نوین کودکان ما را در بهره وری صحیح از آنها یاری می رساند. از این رو، برآن شدیم تا مصاحبه ای با مسؤول مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، حجة الاسلام محمد حسن راستگو، در باره بازی های کامپیوتری و باید ها و نبایدهای آن داشته باشیم تا با انعکاس نظرات کارشناسانه ایشان گامی در راستای بهبود کمی و کیفی این صنعت برداریم.

همان طور که اطلاع دارید نرم افزارهای متعددی تا کنون برای کودکان و نوجوانان تهیه شده و به بازار آمده است؛ مثلاً نرم افزارهای قرآنی که در قالب جداول و سرگرمی به آموزش مفاهیم قرآنی می پردازد و با نرم افزار بازی نور که سازمان آموزش کامپیوتر نور آن را تدوین کرده، و کودکان و نوجوانان را با مسائل دینی و احکام اسلامی آشنا می کند، از این قبیل برنامه هاست. بفرمایید که به طور کلی، کاربرد رایانه ها و برنامه های نرم افزاری را در تأثیرگذاری بر قشر کودک و نوجوان چگونه ارزیابی می کنید؟

ما با هر ابزاری از جمله با کامپیوتر، دو نوع برخورد می توانیم داشته باشیم؛ نوع اول، بردهوار تسلیم ماشین و ابزار شدن و سلب اختیار و فکر و اراده از انسان است که ما با این نحوه برداشت از فناوری مخالفیم. نوع دوم بهره برداری از فناوری مانند کامپیوتر و سایر ابزارهای آموزشی و کمک آموزشی و تکنیک های مختلف در این زمینه آن است که ما به عنوان يك وسیله جنبی برای تقویت معلومات و اندیشه، از آنها استفاده کنیم. با توجه به این که کامپیوتر خواه نا خواه در آینده ای نه چندان دور فراگیر خواهد شد و در بسیاری از عرصه ها مورد استفاده قرار خواهد گرفت، ما باید از هم اکنون پیش بینی هایی را در نظر بگیریم که در آینده با کامپیوتر چگونه برخورد کنیم، به طوری که هم برده کامپیوتر نشویم؛ یعنی زندگی مان وابسته به کامپیوتر نشود، و هم بتوانیم از کامپیوتر به عنوان يك ابزار بسیار قوی و مؤثر و کمکی در همه شؤون زندگی، بیشترین استفاده را ببریم.

آیا با همین استدلال می توان، کودکان و نوجوانان را نیز به استفاده هر چه بیشتر از رایانه تشویق کرد؟ خیر، در مورد کودکان و نوجوانان، ما نظر علی حده ای داریم. حقیقت این است که يك شخص بزرگسال می تواند برای زندگی اش برنامه ریزی بکند و با آگاهی و درایت و به کمک اراده قوی، موارد منفی در برنامه ریزی اش را رفع و از استهلاك وقت و سرمایه جلوگیری کند. اما کودک و نوجوان چطور؟ شك نیست که بچه توان این برنامه ریزی را با آن قوت و قدرت ندارد و اگر هم داشته باشد، فاقد آن اراده و تصمیم لازم در این خصوص است. به این خاطر، برنامه هایی که در خصوص استفاده کامپیوتر برای بچه ها تنظیم می شود، باید در يك حد بسیار محدود و حساب شده و مناسب با حجم زمانی درس ها و کارها و رفتارهای آنها باشد. شما می دانید که بعضی از بازی های کامپیوتری به قدری جذاب است که بچه همین که از مدرسه می آید، بعد از حدود ۴ ساعت درس خواندن و خستگی، بدون این که کفش را از دوشش باز کند با همان حالت، پای کامپیوتر می نشیند و ساعت ها با آن بازی می کند بدون این که خسته شود. گاه به بازی های جذابی برخورد می کنیم که ممکن است کسی که مقید به نماز نیست، آن قدر سرگرم بازی گردد که حتی نماز صبحش هم قضا شود. گسترده گی این بازها و همین طور کشش و جذابیت آن به حدی است که بچه ها مجذوب کامپیوتر و برنامه های کامپیوتری می شوند. بنابر این، نمی توان از بچه ها توقع داشت که آنها برای زندگی شان يك برنامه حساب شده و معقولی داشته باشند، به طوری که به محض سر رسیدن زمان موعود، بلافاصله آن را خاموش کنند و سر کار هایشان بروند.

البته اگر زمانی، درس ها و سیستم آموزشی ما هم کامپیوتری بشود، در آنجا دیگر موضوع فرق می کند و در آن صورت تصمیم گیری های بزرگان و خود بچه ها نسبت به زندگی شان تفاوت خواهد کرد. اما فعلاً ما در ایران با آن سیستم فاصله داریم. البته در هیچ جای دیگر دنیا هم هنوز این طور نیست که کلیه کارها کامپیوتری باشد. در موقعی که خبرهای

مربوط به مشکل سال ۲۰۰۰ پخش می‌شد و این که کامپیوترها دچار برخی اختلالات در زمینه محاسبه تاریخ می‌شوند، در بعضی از کشورها نظیر ژاپن، دولت به مردم اعلان کرده بود که نان و آب برای خود ذخیره کنند. من با خودم فکر می‌کردم که چگونه کامپیوتر توانسته است نان و آب مردم را هم تحت الشعاع قرار دهد که اگر کامپیوتر مختل شد، آن چیزها هم مختل شود.

ما هنوز به آن حد نرسیده‌ایم، ولی باید پیشگیرانه‌ای انجام دهیم که اگر زمانی کامپیوتر در سطحی گسترده‌تر از امروز وارد زندگی ما شد، به کامپیوتر اجازه ندهیم به عنوان یک نیروی مقتدر و مسلط بدون اجازه وارد زندگی ما بشود و اعمال نفوذ کند.

اگر فرض کنیم کودکان بتوانند عاقلانه تصمیم‌گیری کنند و یا برنامه‌ریزی بزرگترها را بپذیرند، شما استفاده از هر نوع بازی رایانه‌ای را برای کودکان تجویز می‌کنید؟ اصولاً از جهت میزان تأثیر تربیتی، چه تفکیکی می‌توان بین نرم‌افزارهای بازی قائل شد؟

در مورد نرم‌افزارهای ویژه کودکان، سه نوع نرم‌افزار قابل تصور است: نوع اول، صرفاً «آموزشی» است. این نرم‌افزارها به صورت صوت، تصویر و یا تلفیقی از این دو و بعضاً به صورت بازی و سرگرمی هستند. اینها جذابیت زیادی برای بچه‌ها نمی‌تواند داشته باشد.

نوع دوم، نرم‌افزارهای «بازی و سرگرمی» است که حالت سوژه نیمه متحرک را دارند و اختیار کودک هم در مورد آنها محدود است. نظیر بازی‌هایی که یک کاراکتر یا یک بازیگر در آنها هست و کودک تا یک اندازه‌ای می‌تواند آنها را حرکت بدهد و وقتی به موانعی برخورد کرد، آن موانع را برطرف کند و یا از قدرت آن شخصیت بازی، برای مقابله با دشمنش استفاده کند. این برنامه‌ها عمدتاً جنبه سرگرمی دارد، هر چند جنبه آموزشی هم می‌تواند داشته باشند. اما آنچه که در این قبیل بازی‌ها قادر است بچه را پای میز کامپیوتر نگه دارد، صرفاً حالت‌های پر تحرک بازی و بزن بزن و یا مقابله به مثل با شخصیت‌های موجود در درون داستان یا بازی است.

نوع سوم این بازی‌ها که اگر ما بتوانیم آنها را ایجاد کنیم و رشد بدهیم، کار ارزشمندی کرده‌ایم، این است که خود بچه در ایجاد آن شخصیت، امکانات آن شخصیت، قدرت تحرك آن شخصیت و مقابله با شخصیت‌های مقابلش، نقش و اختیار داشته باشد. همین‌طور آن کودک یا دانش‌آموز دیگری هم که در برابرش بازی می‌کند، با همان اختیارات بتواند از فکر آزاد خودش استفاده نماید و با برنامه‌ریزی که در آن بازی می‌کند یا از امکاناتی که در آن بازی وجود دارد و انتخاب می‌کند، بتواند یک بازی مستقل و آزاد رقابتی با دوستش انجام بدهد. اگر هم قرار باشد کامپیوتر این وظیفه را بر عهده بگیرد، باید قبلاً میزان هوش و استعداد و معلومات بچه به دقت توسط متخصصان سنجیده و به کامپیوتر داده شود و کودک با توجه به میزان توانایی‌های خودش مقابل کامپیوتر قرار بگیرد.

ما می‌دانیم که بچه‌ها برای آن که بتوانند زود بازی کنند، معمولاً قسمت ساده بازی را انتخاب می‌کنند. بعضی از آنها برای این که خودی نشان بدهند، قسمت مشکل آن را انتخاب می‌کنند، ولی به محض این که شکست می‌خورند، بلافاصله بازی را بر می‌گردانند؛ یعنی در حقیقت یک نوع تحمیل شخصیت برنامه کامپیوتری است و قصه‌اش را به نفع خودشان اعمال می‌کنند. مسلم است که هیچ کدام از اینها برای بچه سازندگی ندارد. زمانی این چیزها می‌تواند سازندگی داشته باشد که کودک با اختیار خودش و با ذهن و خلاقیت خودش بتواند یک چیزی را ایجاد کند و سپس بتواند با آن در برابر یک رقیب مقابله کند. در خلال چنین سیری است که آن حالت‌های سازنده و آموزنده به طور غیر مستقیم ایجاد می‌شود. در نتیجه، بچه‌ها در عین حال که بازی حسّاس و هیجان‌انگیزی را انجام داده‌اند، تحت آموزش غیر مستقیم هم قرار گرفته‌اند و معلومات و یا منش‌هایی را در قالب تربیتی فرا گرفته‌اند.

بسیاری از کارشناسان معتقدند اکثر بازی‌های کامپیوتری موجود برای کودکان مضر است و درصد بسیار کمی از آنها را مجاز و قابل استفاده می‌دانند. استدلالشان هم بر مسأله خشونت و اثرات آن در انحراف فکری کودکان مبتنی است. نظر شما در این زمینه چیست؟ اگر قرار باشد نرم‌افزارهای اسلامی در این زمینه تولید شوند، چه ویژگی‌های باید داشته باشند تا از این عوارض منفی جلوگیری شود؟

منظور آن دسته از کارشناسان که می‌گویند بازی برای کودک ضرر دارد، بازی‌هایی است که کودک در آن نقش ندارد؛ بازی‌هایی که مثلاً در آنها کودک در برابر یک شخصیت وحشتناک یا مقتدر قرار می‌گیرد و صرفاً باید به طور انفعالی عمل کند. مخصوصاً بازی‌هایی که شکل چند مرحله‌ای دارد و بعد از هر مرحله، هم زمان کمتری در اختیار کودک قرار می‌گیرد و هم سرعت شخصیت‌های قصه زیادتیر می‌شود. در این موارد کودک در برابر دو چیز قرار می‌گیرد: سرعت زیاد و زمان کم. به این ترتیب، کودک ناچار است زمین و زمان را به هم بدوزد و با یک حالت عصبی خاص و همراه با دلهره سعی کند آن بازی را به پایان برساند.

من خودم در یک نمونه از این برنامه‌ها، یک بازی را از کامپیوتر حذف کردم و آن بازی‌ای بود که قهرمان آن یک سرباز است که در بازداشتگاه‌های مخوف گرفتار است. این شخص وقتی در اتاق را باز می‌کند و بیرون می‌آید، طرفهای مقابل بدون آن که بدانند پشت در کیست، به طرفش شلیک می‌کنند و خلاصه از دو طرف بر سر او آتش می‌بارد. آن وقت در این طرف، مثلاً او در مرحله اول یک چاقو در دست دارد، در مرحله دوم یک کُلت، و در مرحله سوم مسلسل یا

موشك انداز می‌تواند داشته باشد! این از نوع بازی‌هایی بود که خود شکل گرافیکی آن و غول‌هایی که از بالای دیوار ظاهر می‌شدند، آن قدر وحشتناک بود که احساس کردم دلهره خاصی به فرزندم دست می‌دهد. يك نوع اضطراب عصبی به او دست داده بود که باعث شد اصلاً من آن بازی را پاك كنم. مشخص است که این بازی‌ها از نظر روانی برای بچه‌ها ضرر دارد.

اما دو نکته را نباید با هم مخلوط کنیم؛ یکی حسّ قهرمان پروری و میل به قهرمان شدن و انجام کار حماسی در کودکان است. در این‌جا الگوگیری از شخصیت‌های برتر و مقتدر مطرح است که این جنبه مثبت قضیه است. و دوم، جنبه منفی آن است که الان در بازی‌های کامپیوتری وجود دارد؛ یعنی آنچه که باعث می‌شود حالت‌های بسیار مخوف و رعب‌آور و اضطراب‌زا و تشنج‌آفرین در بچه ایجاد کند و بچه‌ها را از حالت عادی بیرون بیاورد و آنها را دچار يك نوع نابسامانی روانی کند. ما اگر بتوانیم مرز این دو را از یکدیگر مشخص بکنیم، کار بسیار مهم و ارزنده‌ای انجام داده‌ایم. ما می‌توانیم مجموعه بازی‌هایی را که قرار است درست کنیم، با توجه به شخصیت‌های مثبت قهرمانان خودمان در تاریخ اسلام و ایران بسازیم؛ یعنی نه تنها خشونت‌های غربی را در آن نیاوریم، بلکه می‌توانیم حماسه‌های انسانی را در آن بگنجانیم و جایگزین آن موارد نامناسب بکنیم. البته این نیازمند تخصص‌های بالا در گرافیک، کارتون‌سازی و تنظیم صحنه‌هایی است که حالت ماجراجویانه داشته باشد، به طوری که مثلاً بتوان لحظه به لحظه تصویر مقابل را مطابق زاویه دید شخصیت داستان تغییر داد. اینها نیاز به حجم گسترده‌ای از کار دارد. ضمن این‌که باید به طور همزمان، موسیقی‌هایی که در متن به کار گرفته می‌شود مناسب با طبع ایرانی و شرقی باشد. الان در بسیاری از این بازی‌ها، موسیقی‌های تند جاز یا پاپ اروپایی پخش می‌شود و از موسیقی‌های عرفانی یا ملایم شرقی اثری در آنها نیست. واضح است که با آن حالتی که این نوع موسیقی‌ها دارد و خود به خود به اضطراب کودک می‌افزاید، کودک در صحنه‌ای قرار می‌گیرد که نمیداند پشت سرش چه خبر است، طبعاً این نمی‌تواند برای بچه آموزنده باشد.

به نظر شما بازی‌های رایانه‌ای به چه میزان روی روحيات و احساسات درونی کودکان تأثیر می‌گذارد؟ خیلی زیاد، به گونه‌ای که واقعاً آنها را از حالت عادی خودشان خارج می‌کند؛ مثلاً در يك مورد دیگر از این بازی‌ها ماشینی بود که بچه‌ها بازی می‌کردند. وقتی نگاه کردم، متوجه شدم که یکی از بچه‌ها اصلاً نمی‌خواهد با این ماشین بازی کند! سعی کردم خیلی با او دوست شوم و علت این امر را جستجو کنم. پرسیدم چرا نمی‌خواهی بازی کنی؟ گفت: این بازی این طور است که دفعه اولی که این ماشین خلاف می‌کند، پلیس او را جریمه می‌کند، دفعه دوم او را دستگیر می‌کند و با اسلحه می‌آیند به او دستبند می‌زنند. من می‌ترسم که پلیس بیاید و من را دستگیر کند و به من دستبند بزند! یعنی بچه واقعاً آن چیزی را که روی مانیتور به شکل يك پلیس دیده که راننده آن ماشین خیالی را دستگیر می‌کند، بر خودش منطبق می‌کند و این واقعاً يك اثر عینی در او به وجود می‌آورد. من موقعی که بچه‌ها رانندگی می‌کردند، به قیافه‌شان نگاه می‌کردم، می‌دیدم دقیقاً شبیه آن حالت‌هایی که مثلاً يك ماشین از بالای بلندی به پایین می‌پرد و همه سرنشینانش سرشان به سقف می‌خورد یا به بالا و پایین می‌پرند، بچه‌ها هم موقع بازی سرشان را به طرف پایین یا چپ و راست خم می‌کردند. در جایی که جاده دارای شیب بوده، اینها هم که روی صندلی نشسته بودند، همان حالت را به خود می‌دادند.

به بیان دیگر، این بازی‌ها دقیقاً در وجود کودک، يك اثر شبه واقعی ایجاد می‌کند، به طوری که گاهی اوقات حتی در خواب هم کابوس‌های وحشتناک می‌بیند. لذا ما بسیاری از این بازی‌ها را خلاف تربیت و روش‌های رفتاری شرقی می‌دانیم.

منظور شما از روش تربیتی شرقی چیست؟

این که من تعبیر «شرقی» را به کار می‌برم و نمی‌گویم «اسلامی» به خاطر این است که ما با بسیاری از کشورهای دیگر که حتی مسلمان هم نیستند، از نظر برخی آداب و رسوم سنتی مشترك هستیم؛ یعنی غیر از اسلام که ما به عنوان دین و مراممان به آن اعتقاد داریم، به لحاظ بعضی اشتراکات ملی و سنتی، با هند یا ژاپن و یا کشورهای خاورمیانه اشتراکاتی داریم که نمی‌توانیم آنها را نادیده بگیریم؛ به عنوان نمونه وقتی من از يك طرف به بازی‌هایی که بچه‌های عرب به آنها علاقه‌مند هستند نگاه می‌کنم، و از طرف دیگر به بازی‌هایی که مورد علاقه بچه‌های ایرانی است توجه می‌کنم، می‌بینم خیلی فرق می‌کند؛ بچه‌های عرب بیشتر طالب خشونت هستند. حتی فوتبالیان را که من در مکه و مدینه می‌دیدم، بسیار با خشونت و تند و سختی بازی می‌کنند. در حالی که بچه‌های ایرانی همان بازها را با همان محیط مشابه انجام می‌دهند، ولی به شکل ملایم و دوستانه. همین طور مثلاً احساس و عاطفه بچه‌های ایران و پاکستان و هند خیلی خیلی نسبت به بچه‌های اروپایی یا بچه‌های دیگر، رقیق‌تر و قوی‌تر است. اگر ما اینها را در نظر بگیریم، باید بازی‌هایی را درست کنیم که اگر برای بچه‌های دنیا مناسب نیست، لا اقل برای بچه‌های مشرق زمین و بچه‌هایی که در خاورمیانه و خاور دور و آسیای میانه و منطقه خودمان با ما اشتراك ملیت یا نژاد یا زبان یا سنت‌های بومی و محلی دارند، قابل استفاده و جذاب باشد؛ یعنی ما باید بتوانیم برای کودکان این مناطق از دنیا که مشترکات فراوانی با یکدیگر داریم، بازی‌های مفید و مؤثری تهیه و عرضه کنیم.

با توجه به این که الآن زبان‌های برنامه‌نویسی کامپیوتر پیشرفت زیادی کرده و آن ایده‌هایی که مدّ نظر شما بود نیز ممکن است با همین نرم افزارها طراحی بشود، چه توصیه‌ای برای مؤسسات تولید کننده نرم‌افزارهای کودکان دارید؟ آنها چه روشی را باید اتخاذ کنند تا بتوانند این قشر عظیم کودک و نوجوان را دست کم در کشور خودمان تغذیه کنند؟ این جمله را امروزه خیلی می‌شنویم که می‌گویند: «انسان همیشه باید به روز باشد». «به روز بودن»، یعنی همین که خود را با آخرین تحولات روز هماهنگ کنیم. ما از نظر ساخت و تولید نرم‌افزار، از نظر گرافیک و سایر جنبه‌ها می‌توانیم با دنیا رقابت کنیم. شما الآن می‌بینید که مثلاً ویندوز ۹۸ که مربوط به چند سال پیش است، در ایران رواج دارد یا ویندوز جدید که تازه به بازار آمده خیلی‌ها پیشاپیش این آمادگی را دارند که آن را به عنوان نرم‌افزار مورد نیازشان به کار گیرند. الآن دیگر مثل زمان‌های سابق نیست که اگر خلیفه در بغداد بمیرد، ۲ ماه بعد خبر آن به طوس برسد! در حال حاضر با این شبکه‌های بین‌المللی و اینترنت و سایر چیزهایی که وجود دارد، همه انواع ارتباطات دچار تحول شده است. ما این را قبول داریم، اما آن به روز بودن که مورد نظر من است، فقط از نظر گرافیکی یا فنی نیست، بلکه از نظر روانی هم ما باید این کار را بکنیم. ما باید يك مطالعه جامعه‌شناختی دقیق و عمیق نسبت به کودکانمان داشته باشیم و وضعیت روحی و روانی آنها را هم‌اکنون در مقایسه با بچه‌های بیست سال پیش از ایران، از جوانب مختلف اعم از محفوظات، معلومات، برداشت‌ها و طرز تلقی‌ها بسنجیم. باید ببینیم که بچه‌های امروز ما در قیاس با بچه‌های پنج یا ده سال قبل چه تفاوت‌هایی کرده‌اند؟ در دانسته‌ها، در استفاده از امکانات و ابزارهایی که کودک امروز نسبت به سابق دارد، در تلقی کودک از دین، از امام، از معاد، از خدا، اگر بچه‌های بیست سال پیش نسبت به امام، به صورت يك موجود ماورای بشر یا موجود فوق العاده نگاه می‌کردند، آیا امروز هم همان نظر را دارند یا نه؟ اگر آنها امامان معصوم علیهم‌السلام را به صورت يك موجودات مقدّس و ماورای انسان‌های عادی می‌دانستند، آیا به کلمه «امام» وقتی که در مورد امام خمینی قدس‌سره هم اطلاق می‌شود با همان تلقی نگاه می‌کنند یا نه؟ یعنی اگر می‌گوییم امامان ما ۱۲ نفر هستند، آیا کودک امروزی می‌تواند تحلیل کند و بگوید که این امام (امام خمینی) با آن امامان فرق می‌کند؟ البته اینها را صرفاً به عنوان مثال عرض می‌کنم.

به طور کلی اگر ما می‌خواهیم برنامه‌های بازی و سرگرمی برای کودکان بسازیم، باید در مرحله اول نسبت به مبانی فکری و بینش و دید بچه‌هایمان شناخت کامل داشته باشیم. در حقیقت باید ابتدا خودمان را جای آنها بگذاریم و به چیزهایی که می‌خواهیم آموزش بدهیم، اعم از مفاهیم مذهبی و معنوی و مخصوصاً متافیزیک و ماورای ماده، با نظر و نگاه آنها به بیرون نگاه کنیم. بیشتر عقاید ما مثل خدا و معاد و ملائکه و جنّ و شیطان، چیزهایی است که حالت محسوس ندارد و ما باید این نیروی تشخیص را در کودک ایجاد کنیم و به او آموزش دهیم که بتواند میان کارتون و شخصیت‌های خیالی قصه‌ها از يك طرف، با معجزه و شخصیت‌های حقیقی پیامبران و معصومین تفکیک قائل شود. این بازی‌ها را با توجه به این مسائل باید طراحی کنیم. از طرف دیگر هم باید آگاهی عمیق نسبت به خود مسائل اسلامی داشته باشیم. به طور خلاصه در طراحی نرم‌افزارهای مربوط به کودکان و نوجوانان باید سه مسأله رعایت شود:

۱- شناخت کامل نسبت به مخاطب و دانستن این‌که در چه پایه و مایه‌ای از فکر و اندیشه و تلقی نسبت به مسائل و مفاهیم اخلاقی و اسلامی و مذهبی است؛

۲- داشتن معلومات کافی و کامل راجع به آن چیزی که می‌خواهیم ارائه بدهیم؛ یعنی رعایت انطباق محتوا با آیات قرآن و احادیث صحیح و نظرات فقها؛ برای مثال نباید چیزی باشد که به صورت يك نمایشنامه یا بازی در بیاید، بعد گفته شود که فلان جای آن با نصّ صریح قرآن مخالف است یا با نظر معصومین علیهم‌السلام مخالفت دارد؛

۳- لازم است در مراحل اول به صورت آزمایشی و به طور محدود، بین گروه‌های مختلفی از کودکان، با استعداد و هوش متفاوت و میزان معلومات گوناگون، ارزیابی و بررسی انجام داد. سپس در صورتی که يك میانگین قابل قبول از نظر روانی به دست آمد، آنگاه آن میانگین را مبنای تولید انبوه برنامه قرار دهیم و گر نه به صرف این که ما يك بازی را تولید کنیم و تعداد محدودی از بچه‌ها از آن خوششان بیاید، نباید در ما غرور ایجاد کند که بازی ما بازی مطلوبی است.

بنده در این جا ضمن تقدیر و تشکر از کلیه دست‌اندرکاران برنامه‌های رایانه‌ای برای کودکان و نوجوانان، اعلان می‌کنم که ما در ایران تا کنون متأسفانه نرم‌افزار جذّاب و زیبایی که بتواند بچه‌ها را اشباع کند، نداشته‌ایم. البته اشباع کامل منظورم نیست، بلکه تنها در این حد که بتواند آنها را راضی کند و جذب کند. برنامه‌های معدودی هم که وجود داشته، هر چه بوده ناقص بوده است. برخی نیز اقتباس از نرم‌افزارهای خارجی بوده و فقط تغییراتی در اسم و عنوان آنها داده شده، ولی باز هم در مجموع جذّابیت‌های لازم را نداشته است. ان‌شاءالله با تلاش پیگیر برادران و خواهران دست‌اندرکار، بتوانیم در آینده شاهد نرم‌افزارهایی باشیم که در این زمینه به میزان مطلوب رسیده باشند.